



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
موسسه آموزش عالی غیر دولتی ادیب مازندران

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش فقه و حقوق جزا

موضوع :

**ارتباط بین شخصیت و جرم از دیدگاه فقه، حقوق و
روانشناسی**

استاد راهنما :

دکتر علی اکبر رحمتیان

استاد مشاور :

دکتر حبیب الله چوپانی مرسی

نام دانشجو :

فروغ سلیمانی خراط

شهریور ۹۶

سپاس گزاری:

رسول خدا فرمودند: من علمنی حرفاً فقد صیر نی عبداً

از تمامی معلمان، استادان، دوستان و خانواده ام در کل دوران تحصیلی سپاس گزارم

تقديم به:

همسر عزيزم كه در تمام مراحل تحصيلي ام يار و مشوق من بوده است

چکیده

جرم یکی از موضوعاتی است که با حیات جوامع بشری عجین گردیده است چرا که بقای هر اجتماعی مستلزم رعایت هنجارها و اصول تعریف شده در آن اجتماع می باشد. با ارتکاب جرایم سوالی که ذهن هر فردی را مشغول می سازد این است که انسانهای بزهکار دارای چه شخصیت ها و ویژگی هایی می باشند نگارنده جهت پاسخ به سوال مطروحه با رجوع به منابع فقهی، حقوقی و روانشناسی به این نتیجه دست یافته است که برخی بزهکاران با داشتن شخصیت های خاص مستعد ارتکاب جرم می باشند. با پیشرفت علوم برخی از دانشمندان علل وقوع چنین ناهنجاری ها را نقص شخصیتی موجود را افراد قلمداد کرده و معتقدند چنین افرادی از قابلیت ارتکاب جرم بالایی برخوردارند. حقوقدانان معتقدند که افراد با داشتن تیپ های شخصیتی مختلف تحت تاثیر عامل های اختلاف در شخصیت مرتکب جرایم^{مختلف} می شوند. همچنین از منظر روانشناسان با تشخیص اینکه بعضی افراد دارای اختلالات روانی و شخصیتی بوده اند که این اختلالات در نتیجه عدم تعادل روانی و فکری شخص است افراد را به سوی ارتکاب جرم سوق می دهد. در نظر فقها هم افراد با داشتن شخصیت و ویژگی های نامتناسب و ناموزون و تحت تاثیر آن دست به ارتکاب جرایم می زنند. به همین جهت به منظور پیشگیری از وقوع جرم و توجه شخصیت مجرم و درمان و جامعه پذیر نمودن وی راهکارهای جدیدی را مطرح نمودند. از این میان شخصیت های ضد اجتماعی از آنجا که مستقیماً به ارزش های اجتماعی ضرر وارد می نماید از مدت ها پیش

مورد توجه بوده است. در این تحقیق به طور کلی روند شکل گیری روان و شخصیت افراد و دیدگاه های موجود در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین چگونگی تاثیر شخصیت بر فرد مرتکب و ارتباط آن با جرم و نقشی که بر هنجارها و نظم اجتماعی دارد و تشریح دیدگاه های که در مورد بهسازی و کنترل این افراد در جهت هماهنگی هر چه بیشتر با اجتماع اتخاذ گردیده می پردازیم.

کلید واژه: شخصیت، جرم، فقهی، حقوقی، روان شناسی

فصل اول - کلیات تحقیق

۱-۱ مقدمه.....	۱
۲-۱ بیان مسئله.....	۲
۳-۱ سوال های پژوهش.....	۳
۴-۱ پیشینه پژوهش.....	۳
۵-۱ فرضیه پژوهش.....	۷
۶-۱ حدود پژوهش.....	۸
۷-۱ اهداف پژوهش.....	۸
۸-۱ روش شناسی پژوهش.....	۸
۹-۱ تعریف واژه ها و اصطلاحات تحقیق.....	۸
۱-۹-۱ جرم.....	۸
۱-۱-۹-۱ تعریف جرم در لغت و اصطلاح.....	۸
۲-۱-۹-۱ جرم در اصطلاح فقها.....	۸
۴-۱-۹-۱ تعریف حقوقی جرم.....	۱۳
۵-۱-۹-۱ تعریف جرم از دیدگاه جرم شناسی.....	۱۶
۶-۱-۹-۱ تعریف جرم از دیدگاه روان شناسی.....	۱۸
۲-۲-۹-۱ تعریف شخصیت در اصطلاح فقها.....	۲۴
۳-۲-۹-۱ تعریف حقوقی شخصیت.....	۲۴
۴-۲-۹-۱ تعریف شخصیت از دیدگاه جرم شناسان.....	۲۵
۵-۲-۹-۱ تعریف روان شناسی شخصیت.....	۲۵

فصل دوم: ارتباط شخصیت و جرم از منظر حقوقی

۲-۱ مقدمه	۲۷
۲-۲ اصول جرم شناسی	۲۷
۲-۲-۱ علت	۲۸
۲-۲-۲ شرط	۲۹
۲-۲-۳ عامل	۳۰
۲-۲-۴ انگیزه	۳۱
۲-۳ عوامل جرم زا	۳۲
۲-۴ عوامل بازدارنده	۳۳
۲-۵ مفهوم الگوهای جرم	۳۴
۲-۶ مفهوم پیشگیری از جرم در جرم شناسی	۳۴
۲-۷ انواع پیشگیری	۳۵
۲-۷-۱ الگوهای پیشگیری غیر کیفری	۳۶
۲-۷-۱-۱ پیشگیری اجتماعی	۳۷
۲-۷-۱-۲ پیشگیری وضعی	۳۸
۲-۷-۱-۳ پیشگیری انفعالی	۴۰
۲-۷-۲ الگوهای پیشگیری کیفری	۴۱
۲-۷-۲-۱ اعدام	۴۲
۲-۷-۲-۲ شلاق و حبس	۴۶
۲-۷-۲-۳ قصاص	۴۹
۲-۸ تئوری های مربوط به جرم	۴۹
۲-۸-۱ محیط	۴۹
۲-۸-۲ زمینه	۵۰

۵۰.....	۲-۸-۳ شخصیت
۵۱.....	۱۰-۸-۴ وضعیت
۵۲.....	۲-۹ تیپ شناسی مجرمین
۵۳.....	۲-۱۰ انواع طبقه بندی مجرمان بر حسب خصایل و سجایای اصلی
۵۳.....	۲-۱۰-۱ طبقه بندی کرچمر
۵۵.....	۲-۱۰-۲ طبقه بندی لومبروزو در مورد مجرمین
۵۷.....	۲-۱۰-۳ طبقه بندی شلدن و استیونس
۵۷.....	۲-۱۰-۳-۱ مرحله مردم شناسی
۵۸.....	۲-۱۰-۳-۲ مرحله روان شناسی
۶۰.....	۲-۱۰-۳-۳ مرحله آماری
۶۰.....	۲-۱۰-۴ طبقه بندی فورنو جوردن
۶۲.....	۲-۱۱ انتقاد تیپ شناسی یا طبقه بندی شخصیت
۶۴.....	۲-۱۲ تعریف انگیزه
۶۴.....	۲-۱۲-۱ نقش انگیزه در تحقق جرم
۶۷.....	۲-۱۲-۲ نقش انگیزه در شخصیت فرد مجرم
۶۸.....	۲-۱۳ تشکیل پرونده شخصیت
۶۹.....	۲-۱۴ پرونده شخصیت تاثیر بر شخصیت و جرم ارتكابی
۷۰.....	۲-۱۵ مراحل تشکیل پرونده شخصیت
۷۱.....	۲-۱۶ ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در مراحل مختلف رسیدگی
فصل سوم: ارتباط شخصیت و جرم از منظر روانشناسی	
۷۷.....	۳-۱ مفهوم شخصیت
۷۸.....	۳-۲ معیارهای رفتار بهنجار و نابهنجار

۳-۳ نظریه زیست شناسی	۸۰
۳-۴ نظریه روان شناسی	۸۰
۳-۵ تعریف رفتار بهنجار و نابهنجار	۸۲
۳-۶ کیفیت تشکیل و تکوین شخصیت	۸۳
۳-۷ عوامل های اختلاف در شخصیت	۸۴
۳-۷-۱ اختلاف طبقاتی	۸۴
۳-۷-۲ شغل و حرفه ها	۸۵
۳-۷-۳ خرده فرهنگ ها	۸۵
۳-۸ رابطه اختلال شخصیت ضد اجتماعی با جرم	۸۷
۳-۹ سبب شناسی شخصیت ضد اجتماعی	۸۸
۳-۹-۱ ژنتیک	۸۸
۳-۹-۲ فشار اجتماعی (جرم شناسی)	۹۰
۳-۱۰ تاثیر و نقش عوامل در شخصیت افراد بزهکار	۹۲
۳-۱۰-۱ تاثیر عوامل ارثی در شخصیت افراد مجرم	۹۲
۳-۱۰-۲ تاثیر عوامل فردی شخصیتی افراد مجرم	۹۴
۳-۱۰-۳ تاثیر هوش بر شخصیت افراد بزهکار	۹۶

فصل چهارم: ارتباط شخصیت و جرم از دیدگاه فقهی

۴-۱ نقش شخصیت در ارتکاب جرم از منظر فقه	۱۰۱
۴-۲ مراحل رشد شخصیت از منظر قرآن	۱۰۴
۴-۳ انواع تیپ های شخصیتی در قرآن	۱۰۸
۴-۳-۱ مومنان	۱۰۹
۴-۳-۲ کافران	۱۱۱

۳-۳-۴	منافقان	۱۱۲
۴-۴	بررسی شخصیت های مستعد وقوع جرم از منظر اسلام	۱۱۴
۴-۴-۱	نفس اماره	۱۱۴
۴-۴-۲	خشم	۱۱۵
۴-۴-۳	هوا و هوس	۱۱۵
۴-۴-۴	حرص و آز	۱۱۶
۴-۴-۵	حسب مال	۱۱۷
۴-۴-۶	طغیان گری	۱۱۸

۵-۵ فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱	نتیجه گیری	۱۲۱
۵-۲	پیشنهادها	۱۲۴
	منابع و مآخذ	۱۲۵

۱-۱ مقدمه

در عصر حاضر شخصیت انسان ها مورد توجه شایانی قرار گرفته است. حتی خطرناک ترین مجرمین نظر جرم‌شناسان و روان شناسان و حتی فقها را به خود معطوف داشته و بر عکس ایام گذشته که به مجرم با دیده عناد می نگریستند و اجتماع آنان را مطرود و غیرقابل اصلاح می پنداشت امروزه شخصیت مجرمین نیز مانند سایر افراد عادی تحت مطالعه درآمده است. جرم به منزله تخلف از قوانین اجرایی، عملی است که اکثر افراد جامعه آن را تأیید نمی کنند، مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد و یکی از انواع مجازات های مشخص شده به وسیله قانون را در پی دارد. (ویلیافر، ۱۹۵۵، ص ۴۵).

عواملی که در ارتکاب جرم حائز اهمیت است شخصیت بزهکار است. بین شخصیت بزهکار در لحظه ارتکاب و شخصیت او که بتدریج تشکیل شده است همبستگی و ارتباط وجود دارد و بین جرم ارتکاب یافته و شخصیت مجرم رابطه و پیوستگی وجود دارد.

شخصیت آینه نمای رفتار آدمی بوده و رفتارهای انسان جهت و مفهوم می دهد و خواستگاه جرایمی می باشد که براساس رفتارها و امیال افراد به وقوع می پیوندد. با پی بردن به شخصیت افراد، مسلم گردیده است که برخی از جرایم از شخصیت های خاصی ظاهر می گردد. (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۲۸).

موضوع این پژوهش شخصیت و نقش آن بر وقوع جرم است به عبارت دیگر ارتباط میان رفتار فرد با شخصیت وی مورد بررسی قرار می گیرد.

۱-۲ بیان مسأله:

جرم پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر و واقعیتهایی غیرقابل اجتناب است. امروزه جوامع شاهد ارتکاب جرائمی گسترده و پیچیده هستند. جرم عملی است که قوانین جزایی و کیفری آن را وضع نموده باشد.

همچنین شخصیت، ترجمه کلمه *personal* است و از واژه *personal* مشتق شده است. در لغت به معنای شرافت، رفعت، نجابت، بزرگواری، مرتبه و درجه آمده است. در تعریف اصطلاحی شخصیت گفته شده است: شخصیت یعنی عنصر ثابت فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آنچه همراه او هست و موجب تمایز او از دیگران می شود. عوامل موثر در شکل گیری و تکوین شخصیت عبارت است از عوامل ژنتیکی و محیطی. در میان عوامل ژنتیکی، وراثت و غدد درون ریز و در میان عوامل محیطی، محیط جغرافیایی و اجتماعی حائز اهمیت هستند. طبیعی است که ارزشها و هنجارهای حاکم، فرهنگ هر جامعه، جمع دوستان مجامع علمی، ورزشی، مذهبی، اخلاقی، اختلال در غدد درون ریز یا داخلی مثل نقص تیروئید، نحوه ترکیب کروموزومها، نوع محیط جغرافیایی مثل زندگی در محیط کوهستانی یا شهری

مناطق سردسیر یا گرمسیر و همچنین محیط اجتماعی مثل خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط

کار و ... همه بر شخصیت فرد تاثیر گذار می‌باشند. (ستوده، ۱۳۸۱، ص ۴۳)

بعد از ارتکاب جرایم اینکه مجرم دارای چه خصایصی است ذهن هر محقق را به خود

مشغول می‌کند از این رو آنچه در این نوشتار محل تامل می‌باشد این است که آیا شخصیت

افراد در ارتکاب جرایم نقش دارد؟ جهت پاسخ گویی به سوال مطروحه سعی می‌شود نقش

شخصیت را در بزهکاری از منظر فقه، جرم شناسی و روانشناسی مورد بررسی قرار می

دهیم؛ چرا که با بررسی نقش شخصیت و خصایص بزهکاران می‌توان مجازات متناسب را

برای آنها وضع نمود.

۱-۳ سؤال‌های پژوهش:

۱- از منظر فقه شخصیت در ارتکاب جرم چه نقش دارد؟

۲- از منظر جرم شناسان شخصیت انسان چه تاثیری در ارتکاب جرم دارد؟

۳- از دیدگاه روانشناسی شخصیت فرد مجرم در ارتکاب جرم چه تأثیری دارد؟

۴- چه راهکارهای فقهی و حقوقی جهت تغییر در شخصیت فرد مجرم می‌توان ارائه

داد؟

۱-۴ پیشینه پژوهش:

جرم پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشر و واقعیتی غیرقابل اجتناب است. امروزه جوامع شاهد

ارتکاب جرائمی مانند: قتل، آدم ربایی، سرقت مسلحانه، تجاوز به عنف و... هستند که

اجرای مجازات های شدید و سنگین نه تنها تأثیری در پیشگیری از وقوع این جرائم نداشته بلکه در حال حاضر شیوع چنین جرایمی نیز افزایش یافته است. (ستوده میرزایی، ص ۷، ۱۳۸۱)

تعریف های متعددی از جرم بر اساس رشته های مختلف علمی مرتبط با بزهکاری به عمل آمده است. حقوقدانان با توجه به جرایم مندرج در قوانین کیفری و با توجه به تعریفی که قانونگذار از جرم به عمل آورده است اکتفا می کنند جامعه شناسان با بررسی موضوع های اجتماعی و جرم شناسان بر مبنای اصول جرم شناسی به تعریف جرم می پردازند. در حقوق جزایی بر اساس ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن جرم تعیین شده باشد جرم محسوب می شود. (گلدوزیان، ص ۶۲، ۱۳۸۳)

شخصیت، تعیین کننده نمایه خاص الگوهای رفتاری فرد تعریف شده است. (ستوده، میرزایی، ص ۲۴، ۱۳۸۱)

رفتار جنایی که با جرم و بزه مترادف است، کنشی ارادی محسوب می شود و به این دلیل از شخص سر می زند که خود را در موقعیت مفروض مجاز به ارتکاب آن می داند؛ رفتاری که با هنجارها و ارزش های متداول جامعه مغایرت دارد. (گسن، به نقل از ستوده، هدایت الله میرزایی، ص ۵۵، ۱۳۸۱)

بررسی های بسیاری نشان داده اند که بزهکاران غالباً دارای مشکلات جدی شخصیتی

هستند. (جزایری، جعفری زاده و پور شهبازی، ص ۳۶-۳۰، ۱۳۸۲)

طبقه بندی شخصیت دارای پیشینه ای دیرین و باستانی است . بقراط بدن انسان را آمیزه

ای از چهار خلط شامل خون، بلغم، صفرا و سودا می دانست. بر این اساس جالینوس این

عقیده داشت که مردم برحسب غلبه هر یک از چهار خلط مذکور در بدن دارای یکی از

چهار مزاج صفراوی، دموی، بلغمی یا سوداوی خواهند بود. هر یک از این مزاج ها

ویژگیهای مخصوص خود را دارند. صفراوی مزاج های تندخو، زودخشم، جاه طلب،

برتری جو، حسود و ثابت قدم هستند و بیش از دیگران برای رفتار جنایی آمادگی دارند.

دموی مزاج های خوشگذران، خوشبین، فعال و سطحی نگرند. بلغمی مزاج های

زودآشنا، اجتماعی و کم فعالیتند. سوداوی مزاج های مضطرب، بدبین و پرجنب و

جوش هستند ولی پایداری واستقامت ندارند. (کی نیا، مهدی، ص ۶۷، ۱۳۷۴)

به نظر شلدون یک ساختمان فرضی زیستی در انسان وجود دارد که آن را تیپ

مورفوژنی یا تیپ زیستی می نامند. شلدون ترکیب جسمانی افراد را بر اساس سه عنصر به

سه دسته اندومورف، مزومورف و اکتومورف تقسیم نمود. شلدون در مطالعات خود به

این نتیجه رسید که جرم بیشتر با تیپ بدنی مزومورف و تا حدی اندومورف مرتبط است.

تیپ بدنی اکتومورف در بین مجرمان کمیاب است و ندرت دیده می شود. براساس این

مطالعات شلدون به این نتیجه رسید که ساختمان بدنی و حالات روانی مجرمان با افراد

غیرمجرم تفاوت دارد. (ستوده، میرزایی، ۱۳۸۱، به نقل از بارتون، ص ۳۲، ۱۹۹۵)

آیسنک معتقد است که ترکیب شرایط محیطی و عوامل عصب شناختی و شخصیتی

باعث به وجود آمدن انواع مختلف جرم می شود. این فرضیه دلالت دارد بر اینکه برخی

شخصیت ها بیش از برخی دیگر مستعد ارتکاب جرم هستند. بر خلاف اکثر نظریه های

معاصر، نظریه آیسنک تاکید زیادی بر استعداد ژنتیک برای رفتار جنایی و در نهایت

رفتار ضداجتماعی دارد. آیسنک اعتقاد نداشت که افراد مجرم متولد می شوند، بلکه بر

این باور بود که بعضی افراد با سیستم عصبی خاص متولد می شوند که با اکثریت مردم

جامعه تفاوت معنادار دارند. طبق نظریه آیسنک، شخصیت عامل اصلی رفتار جنایی

است؛ نقش تعیین کننده در ایجاد جرم و جنایت دارد؛ و مطالعه آن تنها روش منظم برای

تعیین رفتار جنایی است. (ستوده، میرزایی، ۱۳۸۱، به نقل از استفان، لوین و

جکسون، ص ۲۵، ۲۰۰۴)

لامبروزو پدر اثبات گرایی زیستی و تحت تأثیر نظریه تکامل داروین بوده است. وی

معتقد بود که شدیداً تحت تأثیر واقعیت قرار دارد. وی معتقد به جرم طبیعی یا مجرم

بالفطره بود. یعنی اینکه مجرمین دارای خصایص انسانهای ابتدایی و وحشی هستند و

اولین پدیده نیاکان گرایی می خواند. (ممتاز، فریده، ص ۳۷، ۱۳۷۸)

وی معتقد بود علت جنایت را کشف کرده است این علل به اندازه جمجه ، ساخت دندانها ، عدم تقارن در صورت ، انگشتان پا و دست ، گوشهای بزرگ ، عیب در چشم و از قبیل مربوط می شد. (سی گل ، ۲۰۰۱ ، به نقل از ممتاز ، فریده، ص ۳۲ ، ۱۳۸۷)

رفائل گاروفالو (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه می باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به روانشناسی جنایی است از جمله رسالت های این دانش بررسی منش و شخصیت بزهکار و ارزیابی گرایش های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه آنان به منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی شان است. (باباجانی پور ، سعیده ، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۶)

طبق دیدگاه روانشناسان ، در تحلیل شخصیت بزهکار تمایلات و انگیزه های ناخودآگاه جایگاه مهمی دارند. از نظر این اندیشمندان مجازات افرادی که علل اختلالات روانی مرتکب بزه می شوند نه تنها مثر نیست ، بلکه آنان را به سوی جرایمی تازه نیز سوق می دهد.

۱-۵ فرضیه های پژوهش

- ۱- از نظر فقه شخصیت در ارتکاب جرم نقش دارد.
- ۲- جرم شناسان معتقدند که شخصیت فرد مجرم در ارتکاب جرم وی تاثیر گذار است.
- ۳- از نظر روانشناسی شخصیت فرد مجرم در ارتکاب جرم وی تاثیر گذار است.
- ۴- راهکار های فقهی و حقوقی جهت تغییر شخصیت فردی مجرم وجود دارد.

۱-۶ حدود پژوهش:

فقه امامیه و جرم شناسی و روانشناسی

۱-۷ اهداف پژوهش:

شناسایی ارتباط بین شخصیت و جرم از منظر فقه، علم جرم شناسی و روانشناسی است

۱-۸ روش شناسی پژوهش:

روش تحقیق در این نوشتار به صورت علی و همبستگی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای است.

۱-۹ تعریف واژه ها و اصلاحات تحقیق

۱-۹-۱ جرم

۱-۹-۱-۱ تعریف جرم در لغت و اصطلاح

جوهری می گوید جرم در لغت به معنی ذنب است. الجرم الذنب و الجرمه مثل آن در

السان العرب آمده است. الجرم التعددی و الجرم الذنب. اصل الجرم قطع الثمره عن الشجر و

اجرن ای صارفا جرم^۱. (اصفهان، راغب، ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۲۴۳)

۱-۹-۱-۲ جرم در اصطلاح فقها

۱- اصطلاح عام که عبارت است از ارتکاب هر فعل حرام یا ترک واجب که شارع آن را

ممنوع کرده است و مرتکب آن را مستحق کیفر دنیوی از جمله حدود یا قصاص یا تعزیر یا

پرداخت دیه می داند. (اصفهان، راغب، ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۲۴۳)

^۱. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین، تفسیر جامع الموارد فی القرآن الکریم

۲- اصطلاح خاص: که از آن به جنایت به نفس یا عضو تعبیر شده است و آن عبارت است از هر نوع صدمه و تجاوز ناحث نسبت به جسم و جام دیگری یا تعرض نسبت به مرده که مجازات آن قصاص نفس یا قصاص عفو یا پرداخت دیه است. (اصفهانی، راغب، ۱۴۰۴هـ. ق، ص ۲۴۳) اما کلام فقها در خصوص جرم و گناه؛ در این جا از باب نمونه به چند مورد اشاره می شود:

۳- ابوالحسن ماوردی: «جرم عبارت است از امور ممنوع شرعی که خداوند به وسیله اجرای حد یا تعزیر، مردم را از ارتکاب آن باز می دارد».^۲ این تعریف از آنجایی که اشاره به قصاص و دیه نکرده است، ناقص است. (ماوردی، ابوالحسن، ص ۲۱۱، ۱۳۸۷)

۴- فاضل مقداد: «جرم مترادف با جنایت است؛ و آن عبارت است از کلیه جرایم و تعدیاتی که به نفس و اعضا صورت پذیرد».^۳ این تعریف هم کامل نیست، چون جرم را مترادف با جنایت دانسته و در واقع، به معنای خاص جرم اشاره نموده است. (سیوری، فاضل مقداد، ص ۳۵، ۱۳۷۳)

۵- اسماعیل صدر: «جرم عبارت است از هر فعل یا ترک فعلی که شارع مقدس به حرمت آن تصریح کرده یا مجازاتی برای آن تعیین نموده باشد».^۴ این تعریف کامل تر از سایر تعریف ها است. (صدر، اسماعیل، ص ۸۶، ۱۳۸۳)

^۲. ماوردی، ابوالحسن، الاحکام السلطانیة، ص ۲۱۱.

^۳. سیوری، جمال الدین فاضل مقداد، کنزالعرفان، ج ۲، ص ۳۵.

^۴. صدر، اسماعیل، التشریع الجنایی الاسلامی، ص ۸۶.

۶- امام خمینی قدس سره (به دو کلام ایشان از کتاب تحریر الوسیله اشاره می شود): الف کسی که چیزی از محرمات، که مسلمین بر حرام بودنش اجماع دارند، حلال شمارد، مانند گوشت میشه، خون، خوک و ریا، چنانچه انکار او به تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله با انکار شریعت باز گردد و بر فطرت اسلام متولد شده باشد (یعنی یکی از پدر یا مادرش در حال انعقاد نطفه اش مسلمان بوده و بعد از نبوغ، اظهار اسلام کرده است)، اعدام می شود و الا تنها تعزیر می شود. (موسوی خمینی، سید روح الله، ص ۴۳۰، ۱۳۸۳)

هر کس واجبی را ترک نماید، یا حرامی را مرتکب شود، پس برای امام علیه السلام و نایب امام این حق وجود دارد که او را تعزیر نماید، به شرطی که عمل شخص (در ترک واجب یا ارتکاب حرام) گناه کبیره باشد.^۵ (موسوی خمینی، سید روح الله، ص ۴۳۰، ۱۳۸۳)

چنانچه مراد از «اثم» گناه صغیره باشد، حاکم شرع حق تعزیر او را خواهد داشت، پس نظر ایشان در مورد تعزیر اعم از کبائر و صغائر است.

آیه الله گلپایگانی قدس سره: تعزیر در معاصی کبیره ای است که حد معینی بر آن ها ذکر نشده است.

بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مرادف معصیت است (گناه)؛ هر چند در اصطلاح حقوقی جرم به فعل یا ترک عملی که بر اساس قانون، قابل کیفر و یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی باشد، تعریف شده است. بنابراین، بین تعریف فقهی و حقوقی عموم و خصوص من وجه

^۵. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۳۰، بحث فروع احکام قذف.

است؛ زیرا برخی افعال، از قبیل ترک نماز از منظر فقهی، جرم به شمار می روند؛ در حالی که از منظر حقوقی جرم محسوب نمی شوند.^۶ (هاشمی، محمود، به نقل از شاهرودی، ص ۶۸، ۱۳۷۳)

بعضی از حقوق دانان در تعریف جرم گفته اند: «نقص قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب حب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود. (قیله ای خویی، خلیل؛ ص ۵۶، ۱۴۰۵ هـ.ق)

دو قید از قیود تعریف فوق زاید است زیرا نقض قانون در صورتی مصداق پیدا می کند که عمل خارجی وجود داشته باشد و گرنه به مجرد قصد نقض قانون نمی گوید پس قید اثر عمل خارجی در تعریف جرم زاید به نظر می رسد و همچنین اگر کسی بر عمل خود مجوز داشته باشد عمل او نقض قانون نمی شود بنابراین تعریف جرم در ق.م.ا مختصر و مفید است. ماده ۲ هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود.^۷ (قیله ای خویی، خلیل؛ ص ۵۶، ۱۴۰۵ هـ.ق)

۱- سوء پیشینه: با قرار گرفتن لفظ سوء در مقابل گناهان کبیره از جمله در آیه «ان تجتنبوا کالن ما تهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم» (نساء ۳۷۴) معلوم می شود «سوء» و «نیت» به مفهوم

^۶ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق اصل مذهب اهل بیت علیهم السلام.

^۷ . قیله ای خویی، خلیل، آیات الاحکام.

گناهان صغیره است و شامل گناهان کبیره نمی شود و از این رو شامل جرم نمی گردد.

خویی، سید ابوالقاسم، ص ۸۴، ۱۳۸۴)

۲- ذنب: ذنب به گناهان کبیره و شریرانه و حالات استکبار اطلاق می گردد و از این رو لفظ

«ذنب» یا «جرم» رابطه ی عموم و خصوص مطلق دارد. (هاشمی، محمود، به نقل از

شاهرودی، ص ۶۸، ۱۳۷۳)

۳- خطا: واژه ی (خطا) به دو مفهوم در قرآن آمده است.

الف- خطای مسئول: این گونه خطا که مشتقات آن در قرآن کریم به صورت خاطئون،

خاطئه و خطیئه استعمال شده است، وقتی است که شخص گناه می کند و مسئولیت هم

دارد، در این حالت، گناه سراسر وجود او را فرا می گیرد و بر نفس او چیرگی می یابد تا

جایی که شخص بی اختیار و بدون قصد و اراده مرتکب گناه می گردد^۸ (تاج العروس، ذیل

خطیئه، ص ۳۴۷، ۱۷۹۱م) و از این رو حتی «سوء» که تنها شامل گناهان صغیره می شود، در

صورت تکرار تبدیل به خطیئه و از گناهان کبیره محسوب می شود (بلی من کسب سیئه و

احاطت به خطیئته فاولئک اصحاب النار هم فیها خالدون، بقره ۸۱/۲). (الرنندی، مرتضی،

ص ۸۹، ۱۳۱۵)

^۸. الرندی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس.

ب- خطای غیر مسئول: در این نوع خطا شخص از روی نسیان و بدون تقصیر مرتکب جرم می شود که معمولاً به صورت «خطئی» و «اخطانا» آمده است. (الرندی، مرتضی، ص ۱۰۹،

۱۳۱۵)

۴- اثم: اثم در قرآن کریم به صورت های گوناگون (اثم، آثم، اثیم، تاثیر) و از جمله در مورد خمر، قمار، شهادت کذب و همچنین عذاب و عقوبت به کار رفته است. درباره ی معنای این کلمه اختلاف نظر وجود دارد. برخی گفته اند: کاری است که انسان را از ثواب باز می دارد، مانند لهو، بعضی آن را به معنای ضرر گرفته اند؛ چنان که در آیه ی ۲۱۹ سوره ی بقره میان اثم و منفعت مقابله به چشم می خورد. برخی دیگر گفته اند (به همان مطلق حرام از آن نظر «اثم» گفته می شود که ضرر هستند و انسان را از خیر باز می دارند با این توضیح اثم بر تمام جرائم اطلاق می شود. (الرندی، مرتضی، ص ۱۰۹، ۱۳۱۵)

۱-۹-۳- تعریف حقوقی جرم

نقض قانون مملکتی در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه و یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد جرم نامیده می شود. (قبله ای خویی، خلیل، ص ۱۷۶، ۱۴۰۵ هـ ق)

حقوقدانان برای جرم تعریف های مختلفی ارائه داده اند. مهم ترین و جامع ترین آن ها این است. هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات یا اقدام های تامینی در نظر گرفته شده است، جرم محسوب می شود که متن آن در قانون مجازات اسلامی آمده است.

دانشمندان مذهبی در تعریف جرم چون از عقاید دینی الهام می گیرند. و قانون را کتاب خدا و وحی الهی می دانند می گویند: جرم عبارت است از تضییع و تجاوز به حق الله و حق الناس، از این رو جرم در شرع، شامل مسایلی است که دارای مفسد اجتماعی و مفسد شخصی است.. (قبله ای خویی، خلیل، ص ۱۷۷، ۱۴۰۵ هـ ق)

«محروم کینیا» اجرای حقوق کلیه کیفر اسلامی، تعریف به عمل آمده است، جرم یعنی مخالفت با اوامر و کسب و یا ارتکاب عملی که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد هر جرمی را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است. در تعریف دیگر آمده است ارتکاب عمل ممنوع یا ترک واجب با ضمانت اجرای کیفری مقرر به وسیله قانون (الهی) با مقامات یا ارگان های عمومی صلاحیت دار.. (کی نیا، مهدی، ص ۱۵۳، ۱۳۸۵) بر همین اساس در ماده دوم قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ جرم عبارت است از: هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قانون، قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تامینی و تربیتی باشد، هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تامینی یا تربیتی تعیین شده باشد. (کی نیا، مهدی، ص ۱۵۳، ۱۳۸۵)

از تعاریف مزبور موارد زیر قابل استنتاج است:

۱- جرم همواره عمل خارجی است که گاهی به صورت فعل و گاهی با ترک فعل تحقق می یابد بنابراین (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۰، ۱۳۹۱):

آ) میل به ارتکاب جرم و تصمیم بر آن تا وقتی که منتهی به عمل و فعل خارجی نشده باشد، جرم تلقی نمی شود. (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۰، ۱۳۹۱)

ب) جرم عقیده ای وجود ندارد اما انتشار عقیده در مواردی جرم است. (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۰، ۱۳۹۱)

ج) ارتکاب عمل ممنوعی که قانونگذار برای آن مجازات تعیین نموده در صورتی جرم است که مرتکب شونده بدون مجاوز قانونی و برخلاف حق اقدام کرده باشد. (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۰، ۱۳۹۱) بنابراین ارتکاب عملی که قانوناً ممنوع و قابل مجازات است در مقام استفاده از حق مثلاً دفاع مشروع یا اجرای مقررات قانونی مثل اطاعت از آمر قانونی (مانند کسی که به دستور قاضی مجرمی را به قتل برساند یا شلاق بزند یا قصاص کند) جرم محسوب نمیشود. (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۰، ۱۳۹۱)

اگر جرم بودن عملی یا ترک فعلی به ملاک قانون مدون باشد، بعضی از جرائم از قبیل خودکشی، غیبت، تهمت زدن، اهانت کردن، استمنا و خودارضایی، همچنین بازی و قمار چون قانون گذار در قانون مجازات اسلامی، مجازاتی برای آن نیاورده، جرم نخواهد بود در حالی که بر اساس مبانی فقهی و فتوای فقها این گونه اعمال گناه و جرم است در هر صورت شاید بتوان گفت بهترین و جامع ترین تعریف جرم همان ماده دو قانون مجازات اسلامی است، که می گوید: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین شده، جرم است» گرچه این تعریف شامل برخی از جرائم شرعی از قبیل استمنا، خودکشی و قمار نمی

شود، ولی این تعریف نسبت به بقیه تعریف‌ها بهتر است. مقصود از جرم از نظر حقوقی، آن است که در قوانین کیفری و اجتماعی برای آن مجازات تعیین شده، اما جرم و گناه شرعی اعم از چیزهایی است که در دنیا یا آخرت برای آن مجازات تعیین شده است.^۹ (گلدوزیان، ایرج، ص ۱۶۲-۱۶۳، ۱۳۹۱)

۱-۹-۴ تعریف جرم از دیدگاه جرم‌شناسی

در سراسر فرهنگ واژگان حقوقی و جرم‌شناسی هیچ واژه‌ای از نظر معنی به پیچیدگی واژه جرم یا بزه وجود ندارد، چه بسیار افرادی که در برهه‌ای از زمان مجرم شناخته شده و در برهه‌ای دیگر به عنوان انسان‌های نیک سیرت از ایشان یاد می‌شود. ضمن اینکه برخی جرایم نیز وجود دارند که در تمام اعصار و مکان‌ها ثابتند و همیشه جرم تلقی می‌شده‌اند. با این همه درک معنای این اصطلاح در بررسی وضع قانون و نقص آن و نیز در توجیه و ارزیابی مجازات از اهمیت بسزایی برخوردار است.

واژه جرم در لغت به معنای گناه، خطا، دنب، تعهدی، بزه، عصیان و معصیت است و در اصطلاح حقوقی هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم نامیده می‌شود. جامعه‌شناسان نیز معتقدند که جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می‌شود و هر عملی که وجدان عمومی را جریحه دار کند، جرم محسوب می‌شود. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۱۱۰-۱۱۲، ۱۳۷۵)

^۹. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

هر یک از جرم شناسان نیز به نوبه خود بر حسب روش، شغل و حرفه، موضوع مورد مطالعه، تخصص، ذوق و استعداد خود جرم را معنی و تفسیر کرده اند؛ بنابراین هنوز تعریفی که بتواند مورد قبول تمام جرم شناسان قرار بگیرد ارائه نشده است. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۱۱۰-۱۱۲، ۱۳۷۵)

به هر حال از سوی جرم شناسان چند تعریف مشخص از جرم ارائه شده که فهرست وار به آنها اشاره می شود. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۱۱۰-۱۱۲، ۱۳۷۵)

جرم تجاوز به حق و وظیفه است؛ (تارد- ماکسول)

جرم عملی قابل مجازات است؛

جرم عملی بر خلاف قانون است؛

جرم عملی خلاف قانون و اخلاق است؛

جرم عملی ضد اجتماعی است؛

جرم لطمه به وجدان و اخلاق است؛

برخی مانند منتسکیو جرم را به جرم علیه مذهب، علیه اخلاق، علیه آرامش عمومی و علیه امنیت تقسیم می کنند. دکتر مظلومان نیز در تعریفی عجب جرم را اینگونه تعریف می کند «جرم عمل یا خودداری از عملی است که طبقه روشن فکر جامعه آن را عامل آشفتگی در نظم و هماهنگی اجتماعی محسوب کند و برخلاف موازین اخلاقی بداند و آسیبی به احساسات و وجدان به شمار آورد» (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۱۱۰-۱۱۲، ۱۳۷۵)

۱-۹-۵ تعریف جرم از دیدگاه روانشناسی

روانشناسی؛ تمام عرصه های زندگی انسان، قبل از تولد، بعد از تولد، در جریان زندگی و تا آخرین لحظات حیات اجتماعی را مطالعه می کند. همچنین در شناخت پدیده های جرم، ناهنجاری های اجتماعی و اخلاقی، روانشناسی با مکانیزم و روند خاص، می تواند تحلیل، ارزیابی و جلوگیری نماید. (شاملو، سعید، ص ۵۲، ۱۳۸۲)

روانشناسی؛ جرم را عملی می داند که نظم اجتماع را به هم می زند و مجرم کسی است که عملاً مرتکب جرم می شود، و دست خود را به این پدیده آلوده می سازد. خداوند انسان را خلیفه، جانشین، امانتدار، صاحب اراده، اختیار و دارای عقل و اندیشه که همه چیز را تحلیل و ارزیابی نماید، ولی انسان در دوره های مختلف تاریخ که تحت تاثیر احساسات خویش قرار گرفته، در یک دوره از زندگی دست به جرم و جنایت می زند. (شاملو، سعید، ص ۵۲، ۱۳۸۲)

پدیده جرم ریشه های عمیق و تاریخی دارد و واژه «جرم» را دانشمند فرانسوی به نام توپی نارد اولین بار در مطالعات و تحقیقات روانشناختی خود به کار بست و پس از آن دانشمندان دیگری با نظریات مختلف وارد صحنه های جنایی شدند و کار خود را با پرسیدن سوالات ذیل آغاز کردند. (شاملو، سعید، ص ۵۳، ۱۳۸۲)

- جرم چه تاثیری بر شخصیت انسان می گذارد؟

- ریشه های روانشناختی جرم کدام است؟

- چگونه می توان از وقوع این پدیده جلوگیری کرد؟

- درمان شخصیت تبهکار چگونه امکان پذیر است؟

در جواب به چنین سوالات و مشابه آن روانشناسی با نگرش به ابعاد شخصیت انسان، سرگذشت تحولات اجتماعی و خانواده، مطالعات و تحقیقات عمیق را انجام دادند. گرچه ریشه جرم و جنایت را می توان از تاریخ وجود آدم و حوا جرم آغاز شد. از آن لحظه دردناک تاریخی به این سو، جنایت همان جنایت باقی ماند. اما همواره رنگ عوض کرد و سایه خود را بر گستره گیتی افکند. به گفته نلسون «ساختار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه بر اساس طبیعت انسان ها، تمایلات و توانایی های آنها بنا شده است». (شاملو،

سعید، ص ۵۳، ۱۳۸۲)

بسیاری از روان شناسان و روانکاوان علل رفتار جنایی را بر حسب نقض شخصیت مجرم می دانند و آنان به این باورند که برخی از گونه های شخصیتی بیشتر از گونه های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارد. یعنی شخصیت انسان در وضعیت های گوناگون اجتماعی تحت تاثیر پدیده های جرم از طرف دیگران قرار گرفته و یا این که تمایلات انسان از محدوده خود خارج می شود و شخص دست به ارتکاب جرم و جنایت می زند. (شاملو،

سعید، ص ۵۳، ۱۳۸۲)

شاید بتوان شخصیت را اساسی ترین موضوع علم روان شناسی دانست. لغت شخصیت که در زبان لاتین Personalite و در زبان انگلوساکسون personality خوانده می شود، ریشه در کلمه لاتین پرسونا (persona) دارد. این کلمه به نقاب یا ماسکی گفته می شود که در یونان قدیم، بازیگران تئاتر بر چهره خود می زدند. (شاملو، سعید، ص ۵۱، ۱۳۸۲)

بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری ظاهری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می کند، قرار دارد. یعنی در واقع، فرد به اجتماع خود شخصیتی را ارایه می دهد تا جامعه بر اساس آن وی را ارزیابی کند. (شاملو، سعید، ص ۵۱، ۱۳۸۲)

شخصیت در یک معنای کلی، یعنی جنبه های بی همتا و نسبتاً پایدار درونی و بیرونی منش فرد، که در موقعیت های مختلف بر رفتار وی تاثیر می گذارند. (شاملو، سعید، ص ۵۱، ۱۳۸۲)

عدم توافق روان شناسان درباره ماهیت شخصیت، به اختلاف نظرهای زیادی درباره واژه شخصیت انجامیده است که در این تحقیق می خواهیم نیم نگاهی به تعاریف موجود داشته باشیم. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

کمپبل^{۱۰}

شخصیت، یعنی منش، خصوصیات و تا حدی الگوهای واکنش رفتاری قابل پیش بینی که هر فردی چه به صورت خودآگاه و چه به صورت ناخودآگاه، به عنوان سبک و شیوه های

^{۱۰} Camphbell

زندگی از خود نشان می دهد. به عبارت دیگر، به مجموعه صفات هیجانی، رفتاری، منش و خصوصیات که در شرایط معمولی معرف شخص بوده و برای هر فردی نسبتاً ثابت و قابل پیش بینی است، شخصیت اطلاق می شود. به نظر وی، شخصیت از دو عامل اصلی تشکیل شده است (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴):

۱. خصوصیات ارثی

۲. تجارب زندگی، به خصوص تجارب سال های اولیه زندگی

گوردون آلپورت^{۱۱}

طی یک دوران شغلی ثمربخش که بیش از ۴ دهه طول کشید، آلپورت به عنوان یکی از برجسته ترین روان شناسان حوزه مطالعه شخصیت شناخته شد. در واقع آلپورت، بیش از هر کسی مطالعه شخصیت را از نظر علمی به بخشی مقبول در روان شناسی تبدیل کرد. وی بیش از ۵۰ شیوه تعریف شخصیت را مرور کرده و سپس تعریف خود از شخصیت را بدین گونه ارایه کرد:

«شخصیت، سازمان پویایی از نظام های جسمی- روانی در درون فرد است که رفتار و افکار ویژه او را تعیین می کند». هم چنین وی، شخصیت را مجموعه عوامل درونی ای که تمام فعالیت های فردی را جهت می دهد، تلقی می کند. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

^{۱۱}Goedon Allport

آدامز معتقد است، هرگاه که ما از واژه «من» استفاده می کنیم اگر دقیقاً بدانیم منظورمان چیست و این واژه به چه چیزی دلالت می کند، شناخت نسبتاً خوبی درباره معنی شخصیت به دست آورده ایم. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

راجرز، شخصیت را یک خویشتن (self) سازمان یافته دایمی می داند که محور تمام تجربه های فرد است. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

جی. بی. واتسون^{۱۴}

پدر رفتارگرایی، شخصیت را مجموعه ای سازمان یافته از عادات می پندارد. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

روان پزشکی و روان کاو هم معتقد است که، رشد انسان در قالب یک سلسله مراحل و وقایع روانی - اجتماعی صورت می پذیرد که شخصیت انسان تابع نتایج آن مراحل و وقایع است. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

^{۱۲}Adams

^{۱۳}Carl Rogers

^{۱۴}J.B. Watson

^{۱۵}Erik Erikson

یکی از روان شناسان شناختی معاصر، روش خاص هر فرد را در جستجو برای تفسیر معنای زندگی، شخصیت او می داند. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶،

۱۳۸۴)

زیگموند فروید^{۱۷}

فروید عقیده دارد که، شخصیت از نهاد (id)، خود (ego) و فراخود (super ego) ساخته شده است.

برداشت های متفاوت از مفهوم شخصیت به وضوح نشان می دهد که با گذشت زمان، معنای شخصیت از مفهوم اولیه آن که تصویری ظاهری و اجتماعی بود، بسیار گسترده تر شده است. در حال حاضر، شخصیت به روند اساسی و پایدار فرد انسانی اطلاق می شود. در اکثر تعاریف، بر وجود تفاوت های شخصیتی بین افراد تاکید شده است. در لغت شخصیت، این معنا مستتر است که، هر فرد واحدی منحصر به فرد است و هیچ شخص دیگری را نمی توان یافت که کاملاً شبیه او باشد. با مطالعه شخصیت افراد، خصوصیتی که بر اساس آن، فردی از فرد دیگر متمایز می گردد، روشن می شود. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران،

ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

^{۱۶}George Kelly

^{۱۷}Sigmund Freud

در حقیقت، تعریف شخصیت از دیدگاه هر دانشمند یا هر مکتب و گروهی به نظریه و تئوری خاص آن بستگی دارد. البته می توان بر اساس تعاریف فوق، تعریف نسبتاً جامعی از شخصیت بدین صورت ارائه داد که:

شخصیت عبارتست از، مجموعه ای سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار که یک فرد را از افراد دیگر متمایز می سازد. (شولتز، دوان، به نقل از یوسفی همکاران، ص ۶۰-۱۵۶، ۱۳۸۴)

۱-۹-۲ شخصیت

۱-۹-۲-۱ تعریف شخصیت در اصطلاح فقها

قرآن کریم در آیه ۸۴ اسری عمل انسانی را مبتنی بر چیزی می داند که آن را «شاکله» می نامند به عبارت دیگر منشا اعمال انسان ها شاکله آنهاست، با توجه به این نکته می توان شاکله را معادل مفهوم شخصیت در روان شناسی می دانست. (کاشانی، ص ۳۰۸، ۱۳۴۶)

۱-۹-۲-۲ تعریف حقوقی شخصیت

شخصیت از دیدگاه حقوقدانان شایستگی اعتباری دارا شدن حقوق و تکالیف را می گویند بنابراین شخصیت حقوقی عبارت است از صلاحیت و قابلیت که شارع با عقلا فرض و اعتبار کنند تا به موجب آن، صاحب آن صلاحیت بتواند از حقوق و تکالیفی برخوردار گردد. برای مثال وقتی می گوئیم انسان دارای شخصیت حقوقی است منظور این است که از لحاظ

حقوقی، او توانایی دارد که در اجتماع، صاحب حق و تکالیف شود و بتواند آنها را اجرا کند.

۱-۹-۲-۳ تعریف شخصیت از دیدگاه جرم‌شناسان

مرحوم کی‌نیا: «شخصیت هر فرد انسانی در برابر جرم واحدی واکنش مخصوص به خود را بروز می‌دهد که معرف شخصیت خاص اوست که این جنبه خاص او را از دیگران متمایز می‌کند.

کین برگ جرم‌شناس «شخصیت مجموعه‌ای از گرایش‌ها و استعدادهای تظاهر کننده فرد است» (کی‌نیا، مهدی، ص ۵۶، ۱۳۸۵)

۱-۹-۲-۴ تعریف روان‌شناسی شخصیت

شخصیت هر فرد عبارت است از کل خصایص بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی که او را به طور آشکار از دیگران متمایز می‌کند. در آخر اینکه در این فصل کلیه‌ی معانی واژه‌ها و اصطلاحات به کار برده شده و نظریات فقها، حقوق دانان و روانشناسان مورد بررسی قرار دادیم.

فصل دوم : ارتباط شخصیت جرم از منظر حقوقی

۱-۲ مقدمه

این فصل، مروری فراگیر و کلی در رابطه با مفاهیم، عناصر و عوامل جرم و اهمیت و انواع از جرم و اندیشه ها جرم شناختی را مورد بررسی قرار می دهد و از سوی دیگر در بخش دیگر فصل دوم در ارتباط با تیپ شناسی مجرمین ، انگیزه ارتکاب و لزوم تشکیل پرونده شخصیت برای مجرمین مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۲ اصول جرم شناسی

در جرم شناسی، چهار پدیده وجود دارد که در بررسی های جرم شناسی، همواره تکیهگاه این علم محسوب شده، اصول جرم شناسی نامیده می شود. زیرا به طور مداوم و در همه مباحث، وسیله و واسطه بحثها و تجزیه و تحلیل های تحقیقات میباشد. علت، عامل، انگیزه و شرط پدیده های هستند که هر یک دارای معنا و مفهومی دقیق منطقیو فلسفیهستند. (کی نیا، مهدی، ص ۵۴، ۱۳۷۰)

گاه در اثر عدم توجه به مفاهیم مذکور، یکی از این پدیده ها در معنای دیگری به کار می رود و گاه مفهوم اصلی خود را از دست داده و مسیر تحقیق را نیز تغییر می دهد. شناخت این اصول جرم شناس برای رسیدن به اهداف تحقیقات خود نیاز داریم.

۲-۲-۱ علت

«علت» تعبیری است که در علوم چون منطق، فلسفه، اصول، پزشکی و جرم شناسی و ... به کار می رود. در تعریف علت آمده است: «چیزی است که چیز دیگر بر آن متوقف باشد و از وجود آن امر دیگری و از عدم آن، عدم آن امر لازم آید.» معلول در اثر عدم علت، ممتنع می شود و از رفع علت و عدم آن، عدم معلول لازم می آید. (کی نیا، مهدی، ص ۵۴، ۱۳۷۰)

تعریف مذکور از قرن ها پیش در فرهنگ اسلامی شناخته شده بوده و در تمام زمینه های علمی کاربرد دقیق و مستمر داشته و دارد. به گفته پیناتل، سازمان ملل به تازگی در تعریف علت گفته است: «شرط لازمی که بدون رفتار مجرمانه بروز نخواهد کرد» تعریف مزبور ناظر به علت جرم است. این تعریف علت را به صورت عام و مطلق توصیف نکرده و به گفته ی هانتینگ علت و شرط را در هم آمیخته است. (کی نیا، مهدی، ص ۵۴، ۱۳۷۰)

اصل علیت؛ که به روشنی و از دیر هنگام به عنوان اصلی بدیهی پذیرفته شده؛ بیان می دارد که، هر آن چه به ظهور می رسد و ایجاد می گردد (معلول)، زائیده امر یا امور دیگری است که به یقین سابق بر آن هستند (علت). (کی نیا، مهدی، ص ۵۴، ۱۳۷۰)

این همان بیانی است که هانتینگ در کتاب علل و شرایط خود آن را تایید کرده و گفته است: «مراد از علت، عاملی است که با آثار خود موجب بروز نیروی جدید یا موضوع جدید می شود. یک علت مقدم بر معلول و معلول به گونه ای تغییر ناپذیر در پی علت است.» در

واقع هر علتی ممکن است از عوامل متعدد شکل گیرد. لذا عامل می تواند تشکیل دهنده علت باشد. (کی نیا، مهدی، ص ۵۴، ۱۳۷۰)

۲-۲-۲ شرط

شرط در حقوق اسلامی از ابتدا به خوبی از علت متمایز شده است. از میان معانی شرط، معنای مورد نظر در جرم شناسی معنای ذیل است. «شرط امری است که در ایجاد شیئی دیگری تاثیر داشته باشد. به طوری که از وجودش وجود آن شی لازم نیاید ولی از عدمش عدم آن لازم آید.» (کی نیا، مهدی، ص ۶۱، ۱۳۷۰ - مظلومان، رضا، ص ۱۰۹، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

بنا به گفته پیناتل، در تعریف شرط گفته است: «شرایط می توانند فقط اتفاقاتی را پدید آورند و یا تحریکات اضافی را برانگیزند. بنابراین شرط می توانند موجب روشن شدن یک عامل احتمالی گردند که در علت شناسی جنائی حائز اهمیت است» (کی نیا، مهدی، ص ۶۱، ۱۳۷۰ - مظلومان، رضا، ص ۱۰۹، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

شرط تاثیری نافذتر از عامل ساده دارد. به گونه ای که اگر به عوامل موجود اضافه شود، امکان پدید آمدن جرم جدید و افزایش جرایم موجود فزونی می یابد. شرط عامل نیرومندی است که زمینه ساز مساعدی برای بروز جرم فراهم می سازد. (کی نیا، مهدی، ص ۶۱، ۱۳۷۰ - مظلومان، رضا، ص ۱۰۹، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

۲-۲-۳ عامل

به هر ویژگی فردی یا اجتماعی که در به وجود آمدن و شکل گیری و افزایش جرم نقش موثری ایفاء نماید، عامل گویند. بدیهی است، عامل فقط ایجاد زمینه برای بزهکاری است و تعیین کننده نمی باشد.

دلیل قاطع این نظر عدم تاثیر شرایط و عوامل اجتماعی به طور مساوی و یکسان بر روی افرادی است که تحت تاثیر آن شرایط و عوامل به سر می برند. به عبارت دیگر، بعضی به سوی بزهکاری روی آورده و برخی افراد سازگار افراد بسیار موفق می گردند. (کی نیا، مهدی، ص ۶۲، ۱۳۷۰)

به همین جهت اثرگذاری عوامل جرم را تناسب مستقیم با خصوصیات فردی و جنس، سن، استعداد، عاطفه، کمبودهای روانی، تربیتی و آموزشی، شرایط خانوادگی و انگیزه های موثر دیگری دارد. چرا که هر یک از مفاهیم مذکور، خود در صورت متعادل بودن می تواند عاملی بازدارنده، و در حالت نامتعادل بودن عاملی تعیین کننده؛ در کشاندن افراد به سوی بزهکاری باشند. (کی نیا، مهدی، ص ۶۲، ۱۳۷۰)

پیناتل عامل جرم را هر عنصری موضوعی که در پیدایش جرم دخالت می کند تعریف نموده است. گزارش سازمان علل در رابطه با پیشگیری بزهکاری نوجوانان از عبارت «عامل تعیین کننده» استفاده نموده است. (مظلومان، رضا، ص ۱۱۲، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

در این تحقیق خاطر نشان می شود که بزهکاری مبین رفتار یک موجود انسانی است که «عامل تعیین کننده» آن تجمع یا اشتراک عوامل متعددی است که، اغلب ولی نه همیشه، علل و انگیزه های جرم هستند. به بیان دیگر، علت و انگیزه، بدون اجتماع عوامل بسیار پدید نمی آید. لازم به ذکر است که بررسی تاثیر کمی هر یک از عوامل با آمار جنایی و جامعه سنجی است. اما از نظر کیفی، سنجش نحوه تاثیر هر یک از عوامل به درستی ممکن نیست.

مفهوم عامل بزهکاری از متداول ترین اصطلاح رایج در علم جرم شناسی است. این عامل دارای طبقه بندی های متفاوتی است که هر یک زاویه ای را می نگرد:

۱- طبقه بندی به عوامل جرم زای داخلی یا فردی و عوامل بیرونی یا اجتماعی است، معروف ترین طبقه بندی طبقه بندی مذکور است.

۲- عوامل معد یا آماده کننده و عوامل تعیین کننده یا موجب، از دیگر طبقه بندی های عوامل است.

۳- عوامل بازدارنده و عوامل مساعد.

(کی نیا، مهدی، ص ۶۲، ۱۳۷۰- مظلومان، رضا، ص ۱۱۲، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

۲-۲-۴ انگیزه

انگیزه از نظر استفانی عبارت از «سود یا ذوق و احساسی است که مجرم را به ارتکاب جرم سوق داده و موجب بروز جرم می شود، و یا علت جبری و تعیین کننده عمل جنائی است.»

در گزارش سازمان ملل انگیزه امری روانی تلقی شده که به سادگی قابل تشخیص نبوده و

معین کننده یا محرک ایجاد مقدمات عمل بزهکارانه است. (نجفی توانا، علی، ص ۱۳۸،

۱۳۷۹)

پیناتل به نقل از کین برگ، در تشریح اخلاقی که میان «انگیزه» و «علت» وجود دارد می نویسد: علت پدیده ای عینی و انگیزه امری ذهنی است. او سپس در رابطه با تفکیک انگیزه و عامل می گوید: یک امر مسلم است که عامل عنصری موضوعی است و قبل از انگیزه وجود دارد و ذات آن انفرادی است و انگیزه تحت تاثیر عامل قرار می گیرد. (مظلومان، رضا، ص ۱۱۳، ۲۵۳۶ شاهنشاهی)

بنابراین می توان گفت: انگیزه امری وابسته فرد بوده و جنبه های روانی دارد و ممکن است تحت تاثیر عوامل قرار گرفته و انسان را به سوی بزهکاری کشانده و شخص مرتکب جرم گردد.

جرم شناس برعکس حقوق کیفری که به استثناء پاره ای موارد به انگیزه ارتکاب جرایم توجه نمی نمایند، به آن توجه خاصی نموده و پس از بررسی علل پاتولوژیک (آسیب شناسی)، در پی شناخت علل روانی بزهکاری بر می آید. (نجفی توانا، علی، ص ۱۳۸، ۱۳۷۹)

۲-۳ عوامل جرم زا

عوامل جرم زا در زندگی بسیار هستند مثلاً فشارهای مختلف اجتماعی روانی همگی از عوامل جرم زا می توانند باشند. مثل بیماری، درگیری با همکاران، تصادفات اجتماعی، گرانی، وجود دوستان ناباب، وجود فیلم های مستحجن، ولی هیچ یک به تنهایی موجب

ارتکاب جرم نیست زیرا در مقابل یا در کنار عوامل جرم زا عوامل بازدارنده هم وجود دارد. (نوربها، رضا، ص ۲۰۳، ۱۳۷۳)

۲-۴ عوامل بازدارنده

غالبا از جمله مسائلی است که از ارتکاب جرم پیشگیری می کنند و آنها بر چند قسم زیر هستند: وجود ایمان و اعتقادات مذهبی، تربیت صحیح خانوادگی، حیثیت و آبروی شخصی یا قومی شخصیت فردی، اعتبار علمی و یا فرهنگی و نظایر آن. بنابراین در یک شخص یک یا چند عامل از عوامل بازدارنده وجود داشته باشد هیچ گاه عوامل جرم زا تاثیر نخواهد کرد. مثال فقر یکی از عوامل جرم زا می تواند باشد ولی همین فقر به کسانی که ایمان مذهبی و یا تربیت صحیح خانوادگی دارند به هیچ وجه موثر نبوده موجب سرقت یا کلاهبرداری و سایر جرائم از ناحیه ی وی نمی گردد. (دانش، تاج زمان، ص ۱۲۲، ۱۳۸۴)

مثال فیلم ها و آثار نمایشی مستحجن از دیگر عوامل ارتکاب جرم هستند ولی دیدن یک فیلم مستحجن و مبتدل اگرچه ممکن است در شخصی که فاقد تربیت صحیح خانوادگی و یا ایمان و اعتقادات مذهبی باشد موجب ارتکاب جرم گردد ولی همین فیلم در شخص دیگری که دارای اعتقادات محکم مذهبی و یا تربیت صحیح خانوادگی است به هیچ وجه موجب ارتکاب جرم نشده. (دانش، تاج زمان، ص ۱۲۲، ۱۳۸۴)

۲-۵ مفهوم الگوهای جرم

اسلام اشخاص خاصی را مسئول می‌شناسد که مرتکب جرم می‌شوند که زنده، بالغ و عاقل که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده که شارع مقدس آن را حرام کرده است و برای آن مجازاتی تعیین فرموده است. پس حیوانات از نظر اسلام مسئول نیستند و کودکان و دیوانگان نیز مسئولیت جنایی ندارند و شخصی که در ارتکاب جرم اختیاری از خود ندارند و اراده در اراده دیگری است تحت شرایطی مسئول نیست. (احمدی، علی اصغر، ص ۳۵، ۱۳۷۴)

۲-۶ مفهوم پیشگیری از جرم در جرم‌شناسی

تلاش‌های بسیاری برای تعریف و طبقه‌بندی و پیشگیری از جرم به وسیله جرم‌شناسان انجام گرفته است؛ ولی در عین حال هنوز توافق روشن و صریحی در این زمینه به دست نیامده است با این حال، در مورد این که آیا مفهوم پیشگیری از جرم صرفاً بر اقدامات غیر کیفری موثر بر کاهش جرائم اطلاق می‌شود و یا این که شامل تاثیرات سیستم عدالت کیفری بر فرآیند بزهکاری نیز می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد.^{۱۸} (شاهی، خسرو، ص ۵۷، ۱۳۸۲)

با وجود این از نظر ریشه‌شناسی پیشگیری به معنای «پیشدستی کردن» و «جلوی چیزی رفتن» و نیز هشدار دادن و آگاه کردن است.^{۱۹} (گسن، ریمون، ص ۱۲۳، ۱۳۷۰)

^{۱۸}. خسروشاهی، موضع هیات نمایندگان و دادگاه کیفری، ۱۳۸۲: ۵۷.

^{۱۹}. گسن، ریمون، تبهکاری و انواع جزا، ۱۳۷۰: ۱۲۳.

بنابراین امروزه وقتی از پیشگیری از جرم سخن گفته می شود، مقصود از آن مجموعه فعالیت ها و تدابیری است که از پایه و اساس مانع وقوع جرم و فعلیت یافتن اندیشه جنایی می شود و با ریشه ها و علل پیدایی جرم مبارزه می کند.^{۲۰} (رشاد، علی اکبر، ص ۲۸۵، ۱۳۷۰)

طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است.

با توجه به تاریخ و شیوه های مبارزه بشر با پدیده جرم، جرم شناسان پیشگیری از جرم را به دو گونه پیشگیری کیفری و پیشگیری غیرکیفری تقسیم کرده اند، اصطلاح پیشگیری از جرم در معنای وسیع خود شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری برای خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری می شود ولی در مفهوم مضیق، پیشگیری فقط تدابیر غیرکیفری را شامل می شود. (شاملو، سعید، ص ۱۳۷۲، ۱۶۳)

۲-۷ انواع پیشگیری

پیشگیری از جرم اقسام گوناگونی دارد که در یک تقسیم بندی به پیشگیری کیفری و غیرکیفری تقسیم می گردد. به طور کلی هدف پیشگیری، کاهش شیوع و بروز طول مدت شیوع و ناتوانی باقیمانده از یک رخداد است و در سه سطح صورت می گیرد. پیشگیری اولیه عبارت است از برنامه ها و خدماتی که به جمعیت عمومی به منظور جلوگیری از وقوع یک رخداد ارائه می شوند. پیشگیری ثانویه عبارت است از برنامه ها و خدماتی که در

^{۲۰}. رشاد، علی اکبر، ح ۵، ۱۳۸۰: ۲۸۵.

مراحل اولیه بروز رخداد ارائه می شود و منجر به شناخت به موقع و جلوگیری از پیشرفت و طولانی مدت شدن آن می گردد. پیشگیری ثالث برنامه ها و خدماتی را در بر می گیرد که هدفشان، کاستن از شیوع آثار و ناتوانی حاصل از وقوع رخداد می باشد. پیشگیری کیفی عمدتاً ماهیت کیفی داشته و بر عهده قوه قضائیه می باشد. مخاطبان این نوع پیشگیری مجرمان می باشد. اقدامات پیشگیرانه از جرم با جرم انگاری رفتارها و کیفر دادن مرتکبین این رفتارهای مجرمانه و اغلب در راستای پیشگیری از تکرار جرم انجام می گیرد. پیشگیری غیر کیفی شامل تدابیری است که ماهیت غیر کیفی داشته و بیشتر در راستای پیشگیری از بزه و به تکرار آن اتخاذ می شود. پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی از جدیدترین طبقه بندی انواع پیشگیری غیر کیفی به شمار می آید. (اردبیلی، مهدی، ص ۲۰۵، ۱۳۷۴)

۲-۷-۱ الگوهای پیشگیری غیر کیفی

پیشگیری غیر کیفی عبارت است از: «جلوگیری از به فعل در آمدن اندیشه مجرمانه، تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد» به عبارتی دیگر، پیشگیری غیر کیفی درصدد است تا عوامل و ریشه های زمینه ساز بروز جرایم و بزهکاری را از توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تاثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد؛ به طوری که انسان هایی که پرورش یابند که از جرم به دور باشند. در این نوع پیشگیری، توجه به عواملی محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که باعث سوق دادن فرد به سوی بزهکاری می شوند دارای اهمیت فراوان است.

پیشگیری غیر کیفری، در حقیقت درمان ریشه ای قبل از وقوع جرم است؛ که در آن راه کارها خارج از چارچوب دستگاه عدالت مورد بررسی قرار می گیرند. این پیشگیری که در مقابل پیشگیری کیفری قرار دارد را گاهی «پیشگیری جدید» نیز می نامند. این پیشگیری، مصداق ضرب المثل معروف «علاج واقعه» را قبل از وقوع باید کرد، می باشد. در واقع، پیشگیری کنشی یا غیر کیفری اقدام مناسب غیر کیفری است که از طریق کاهش یا از بین بردن عوامل جرم زا و نامناسب نشان دادن موقعیت های ارتکاب جرم در صدد جلوگیری از وقوع بزه و جرم می باشد. بنابراین ویژگی های پیشگیری کنشی عبارتند از:

- اثر گذاری علیه عوامل یا فرآیندهایی که در بروز بزهکاری نقش تعیین کننده ای دارند،

- جمعی بودن به این معنا که تمام جمعیت یا گروه معینی را هدف قرار دهد و

- عدم قهرآمیز بودن و سزادهی اقدامات

به این ترتیب، پیشگیری غیر کیفری شامل پیشگیری از طریق حذف و خنثی کردن عوامل بزه و پیشگیری از طریق حذف و یا تغییر موقعیت های بزه زاست. پیشگیری کنشی که از حیث ماهوی اقدامی است با مداخله در فرآیند گذار از اندیشه به فعل مجرمانه اعمال می شود.

(اردبیلی، مهدی، ص ۲۰۸-۲۰۷، ۱۳۷۴)

۲-۱-۱ پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل اقداماتی است که در صدد تاثیر گذاری بر عوامل موثر بر ارتکاب جرم می باشد و عمدتاً بر تغییر محیط های اجتماعی و انگیزه های مجرمانه متمرکز می شود.

در پیشگیری اجتماعی تاکید و تمرکز بر عوامل اجتماعی موثر در تکوین جرم است. این پیشگیری می‌کوشد تا با دستکاری و تغییر محیط و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... ریشه‌های جرم را بخشکاند. مدل پیشگیری اجتماعی تاکید زیادی بر «دلایل ریشه‌ای» جرم دارد. بنابراین پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدامات پیشگیرانه است و دارای کارکرد اجتماعی می‌باشد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر شخصیت افراد تاثیرگذار است به نحوی که آنان را بر انجام کارهای بزهکارانه دور می‌کند. (کی‌نیا، مهدی، ص ۲۰۸، ۱۳۷۴)

در خصوص وظیفه جامعه در پیشگیری از جرم می‌توان به سفارش‌های امام علی (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد که ایشان می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر از ترک نکنید که بدان شما بر شما مسلط می‌شوید» امر به معروف و نهی از منکر از مهم‌ترین برنامه‌ها و تدابیری است که اسلام برای مشارکت مردم در پیشگیری از جرم تدارک دیده است و همه افراد مسلمان در سراسر جهان به صورت یک عضو فعال در آن شرکت دارند و برای هیچ کس در هر مقامی که باشد، امتیاز و محدودیت قرار نداده است. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر حوزه نظارت همگانی را بر اجرای پیشگیری از جرم توسعه می‌دهد. (کی‌نیا، مهدی، ص ۲۰۸، ۱۳۷۴)

۲-۱-۲- پیشگیری وضعی

این نوع پیشگیری که به صورت علمی در دهه ۱۹۸۰ در انگلستان مطرح شد با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرایم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به

اجرا می گذارد که فرآیند آنها از بین رفتن و یا تضعیف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم خواهد شد. بر اساس تعریف کلارک^{۲۱}، پیشگیری وضعی یا وضعیتی جرم، اتخاذ تدابیر و شیوه هایی است برای کاهش فرصت ارتکاب جرم که به سوی شکل کاملاً خاصی از جرم نشانه می رود؛ متضمن طراحی و مدیریت محیط بلاواسطه (صحنه و محل وقوع جرم) یا همان نظارت و تحت نفوذ در آوردن هر چه پایدارتر و سازمان یافته تر محل وقوع جرم است؛ به گونه ای است که زحمات و خطرات ناشی از اقدام برای ارتکاب جرم را افزایش داده و سود حاصله مورد نظر اکثر مرتکبین را کاهش می دهد. در پیشگیری وضعی اقدامات پیشگیرانده از جرم، معطوف به گونه های ویژه ای از جرایم است که از طریق اعمال مدیریت و مداخله در محیط، کاهش فرصت های جرم و افزایش خطرات ناشی از ارتکاب بزه که همواره مدنظر شمار زیادی از مجرمان است، با بزهکاری مقابله می گردد. به طور کلی می توان گفت از نظر جامعه شناختی، جامعه امروزی، یک جامعه پر خطر است که خطرهای موجود در آن عمدتاً توسط انسان ها ایجاد می گردد. بدین ترتیب شناسایی و کنترل خطرهای انسان ساخته، یکی از دغدغه های مهم می باشد. به طور طبیعی افزایش میزان بزه دیدگی واقعی ناشی از زندگی در جامعه پر خطر، سبب افزایش خواسته های مردم برای کنترل و کاهش خطر جرم شد. در پیشگیری وضعیتی می توان با مداخله در محیط و مدیریت و کنترل بحران و موقعیت های خطر، ضمن افزایش هزینه ارتکاب بزه برای

^{۲۱}Clark

بزهکاران و در نتیجه کاهش سود حاصله از ارتکاب جرم، سهولت ارتکاب بزه را به حداقل رسانده و از بزه دیده واقع شدن افراد در محیط اجتماعی جلوگیری به عمل آورد. مرکز ملی پیشگیری از جرم استرالیا، پنج شیوه برای مدیریت خطر جرم معرفی کرده است. اجتناب از خطر، کاهش خطر، توزیع خطر و پذیرش خطر، اجتناب از خطر را می توان با از بین بردن فرصت های جرم محقق کرد، مانند به همراه نداشتن پول نقد، کاهش خطر از طریق کاهش فرصت های ارتکاب جرم قابل اجراست، مانند نگهداری پول نقد در محل امن، توزیع خطر را می توان ایجاد خطر متقابل نامید. برای نمونه استفاده از ابزار امنیتی در مغازه طلافروشی، خطر دستگیر شدن را متوجه بزهکار می کند. در انتقال خطر می توان با بیمه کردن اموال قیمتی، خطر سرقت و خسارت ناشی از آن را متوجه شرکت بیمه نمود. منظور از پذیرش خطر، این است که در صورت عدم امکان اجرای روش های بالا، باید خطر را به صورت یک واقعیت اجتماعی پذیرفت. (کی نیا، مهدی، ص ۲۰۹، ۱۳۷۴)

۲-۷-۱-۳ پیشگیری انفعالی

در پیشگیری انفعالی، برخی از اقدامات معمول و رایج پیشگیرانه، از نوع هشدار و بازدارنده مانند هشدارهای پلیسی صورت نمی گیرد؛ بلکه در یک انتظار انفعالی برای تاثیر این اقدامات باقی می مانند. در این نوع از پیشگیری، عوامل اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) هیچ گونه تاثیری ندارند و در این بین، کوچک ترین نقشی از خود ایفا نمی کنند. نقش

نهادهای بازدارنده از جرایم مثل پلیس و مراجع قضایی نیز در این میان بسیار کم رنگ است. (نیازپور، امیر حسن، ص ۸۵، ۱۳۸۳)

۲-۷-۱۲ گویهای پیشگیری کیفری

پیشگیری کیفری که از نظر مانوی اقدامی پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می گذارد. پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع مدار یا گروه مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب انگیزی و عبرت آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص یک پیشگیری واکنشی جرم مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب انگیزی و عبرت آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است (نیازپور، امیر حسن، ص ۱۷۲-۱۷۰، ۱۳۸۳). به طور کلی، پیشگیری کیفری، ناظر به اقدام کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره گرفتن از ساز و کارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزهکاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، اربعاب انگیزی فردی، جمعی و عبرت آموزی می باشد تا از بزهکاری نخستین و بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند (عباچی، مریم، ص ۶۳، ۱۳۸۳). این نوع پیشگیری اگرچه به تنهایی پاسخگوی نیازهای اجتماعی و امنیتی جامعه نمی باشد، اما با ادغام در زمینه های پیشگیرانه غیر کیفری از جرم و استفاده از هر دو عنصر در کنار هم می توان عامل مهمی در زمینه کاهش جرم در

اجتماع را فراهم کرد. پیشگیری کیفری از این جهت که دارای مضرات و معایب بسیاری است و بر جسم و روان مجرمان تاثیر گذار بوده و زندگی آینده آنان را در جامعه با مشکلات مواجه می کند، باید به عنوان آخرین چاره علیه بزهکاری مورد استفاده قرار گیرد. در مجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مدنظر است عبارتند از: اصلاح بزهکار، حمایت از جامعه، ارباب بزهکار و پیشگیری عمومی با ارباب دیگران. (عباسی، مریم، ص ۶۴، ۱۳۸۳)

۲-۷-۲-۱۱ اعدام

کیفر اعدام در کلیه ادوار تاریخی وجود داشته و نحوه اجرای آن نیز متفاوت و گوناگون بوده است؛ البته با پیشرفت تمدن و تحولات اجتماعی، بعضی از دانشمندان با مجازات اعدام مخالف و برخی موافق آن بوده اند البته نیز این جبهه گیری وجود دارد. با وصف اینکه کفه ترازوی مخالفین اعدام، نسبت به کفه موافقین سنگینی می کند و تعداد زیادی از کشورها یا قانوناً و یا عملاً مجازات اعدام را از نظام مجازاتهای خود حذف کرده اند، کماکان این مجازات نقص خود را از دست نداده است. در ایران این مجازات نه تنها حذف نشده بلکه بعد از انقلاب اسلامی با تصویب جرایمی که کیفر آنها ملاً منجر به حذف فیزیکی مرتکبین می گردد، بیشتر هم شده است. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۲۹، ۱۳۶۹)

ماده ۲۹۳ آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: قبل از اجرای حکم اعدام ... مراسم مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می گیرد و هنگام اجرای

حکم اعدام باید رئیس زندان، پزشک قانونی یا پزشک معتمد محل و منشی دادگاه حاضر باشند. وکیل محکوم علیه نیز می تواند حضور یابد پس از حاضر کردن محکوم علیه در محل رئیس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را با صدای رسا قرائت می نماید، سپس حکم اجرا و صورت مجلس تنظیمی به امضای حاضران می رسد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۶۹)

در تبصره این ماده مقرر گردیده است که آیین نامه آن توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید بنابراین در حال حاضر اجرای حکم اعدام مطابق ماده ۲۹۳ آ.د.ک و نظامنامه مصوب ۱۳۷۰ و سایر مقررات مربوطه به عمل می آید.

مطابق مصوبه سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ممکن است حکم اعدام، در محل زندگی محکوم و در ملاء انجام گیرد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۶۹)

برابر ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، محکومین زنی که در ایام بارداری و نفاس باشند، اعدام نمی شوند. همچنین بعد از وضع حمل اگر نوزاد کفیل نداشته و بیم تلف نوزاد برود حد جاری نخواهد شد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۶۹)

به طوری که از متن ماده ۲۹۳ بر می آید و نیز مطابق نظام نامه های معمول، قبل از اجرای حکم اعدام، محکوم توسط پزشک قانونی مورد معاینه قرار می گیرد. اگر محکوم علیه بخواهد با اشخاصی ملاقات نماید، دستور احضار آنان داده می شود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۶۹)

محکوم حق دارد هر مطلبی را که مایل باشد شفهاً و یا کتباً بگوید. زمان اجرای حکم بنا بر جرم پایان شب یا هنگام طلوع آفتاب است و با حضور رئیس دادگاه یا نماینده او و سایر اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ خواهد بود با محکوم با کمال آرامش و بدون خشونت رفتار می شود هرگاه محکوم بایستی به دار آویخته شود چوبه دار و طناب و سایر آلات ادوات بررسی می شود تا از استحکام آنها اطمینان حاصل شود بعد از اجرای نعلش تا حصول اطمینان از مرگ بالای دار می ماند، بعداً مراسم کفن و دفن انجام می یابد. اگر کسان محکوم تحویل جسد را نخواهند کلیه هزینه ها به عهده دولت خواهد بود از مراسم اجرای حکم، عکس برداری و عکس ها در پرونده محکوم ضبط می گردد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۲۹، ۱۳۶۹)

نظرات موافقین اعدام‌آمده ای از طرفداران مجازات اعدام را چنین استدلال می کنند که اعدام از نظر فن حقوق جزا، کاملترین مجازاتهاست و برای اثبات ادعای خود، دلایلی چند به شرح زیر ارائه نموده اند: (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۰-۱۳۲، ۱۳۶۹)

اول- افراد جامعه با اعدام جانی یقین حاصل می کنند که او به کیفر عمل خود رسیده و رهایی برای او امکان پذیر نیست. حال اگر به جای مجازات اعدام، به حبس دائم محکوم می شود، امکان نجات وی به طرف مختلف از قبیل فرار و یا در اثر انقلابات و سایر عوامل دیگر وجود دارد و بالتیجه، عمل اخلاقی مجازات که کیفر دادن است، تحقق نمی یابد. بنابراین تنها راه ممکن، اعدام اوست تا به سزای عمل خویش برسد.

دوم- مجازات اعدام باعث رعب و وحشت در افراد جامعه شده و آنها را از ارتکاب اعمالی که موجب مجازات مذکور گردد، باز می دارد و در واقع کیفر اعدام، حالت بازگردانگی را داراست.

سوم- مجازات اعدام به مثابه اسلحه برنده ای است که در ید و استیلای دولت، جهت دفاع از جان افراد جامعه و همچنین حفظ استقلال و تمامیت خود دولت به کار می رود.

چهارم- از آنجائی که جامعه برای حفظ و بقای خود تمامی حقوق را داراست، بنابراین حق دارد با طرد عضو فاسد از جامعه، جلوی اشاعه و تسری فساد به وجود آمده را، به وسیله مجازات اعدام سد کند.

نظرات مخالفین اعداممخالفین اعدام نظرات خود را به نحو زیر ابراز می دارند:

اول- مجازات هدف جوامع نیست، بلکه وسیله صیانت حفظ اجتماع و طریقه جلوگیری برای تامین سعادت مردم یک کشور است. به عبارت دیگر آیا مجازات اعدام ضرورت است و تنها راه ایجاد نظم و استفاده اجتماعی محسوب می گردد.

دوم- جامعه حق ندارد حیات انسانی را که خداوند به او اعطا فرموده است جهت حفظ و بقای خود از او بگیرد.

سوم- هرگاه شخص بی گناهی بر اثر یک اشتباه قضایی محکوم به اعدام گردد مجازات هم در مورد او به مورد اجرا گذارده شود، آیا التیام پذیر خواهد بود؟ بدیهی است که دیگر کار از کار گذشته و چنین خطر و اشتباهی قابل جبران نیست.

چهارم- افرادی که مرتکب جنایت می شوند مسئول عمل خود نبوده بلکه این اجتماع است که نقش موثر در تربیت او را بر عهده داشته و با سهل انگاری و کوتاهی در تربیت او موجبات جرم توسط وی را به وجود آورده است. بنابراین جامعه که خود مقصر اصلی در ایجاد بزه است حق اعدام مرتکب بزهکار را ندارد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۲، ۱۳۶۹)

۲-۲-۷-۲ حبس و شلاق

کیفر حبس، به عنوان یکی از موثرترین وسایل دفاع جامعه در برابر تبهکار و وسیله دور نگهداشتن آنان از اجتماع در قوانین جزایی ایران پذیرفته شده است. ماده ۲۹۴ آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد: اشخاصی که محکوم به حبس هستند با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر، به زندان معرفی می شوند. در ماده ۲۹۵ آمده است که: مدت کلیه حبس ها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا، حبس شود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۶۹)

مقنن در ق.ت.د.ع. ۱ و آیین نامه آن و نیز در قوانین دادرسی کیفری در خصوص نحوه اجرای این محکومیت صحبتی به میان نیاورده است اما با توجه به ماده ۱۴ آیین نامه قانون مزبور که مقرر می دارد: «کلیه اختیارات و وظایف دادستان و دادیار ناظر زندان که در قوانین و آیین نامه های مختلف معین شده به جز اختیاراتی که به موجب قانون به روسای

محاکم تفویض شده است به رئیس حوزه قضایی و یا معاونین وی محول می گردد» بایستی نحوه اجرای محکومیت های حبس را در آیین نامه امور زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در ۲۹ خرداد سال ۱۳۶۸ مورد تصویب شورای عالی قضایی و در سال ۱۳۷۲ مورد تجدید قرار گرفته است، جستجو نمود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۶۹)

مطابق مواد ۲۳ تا ۲۶ آیین نامه سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۷۲ اجرای مجازات حبس، طبق مقررات با سازمان است و اجرای سایر مجازات ها بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری تحت نظارت و تصمیمات رئیس حوزه قضایی یا معاون مربوطه خواهد بود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۶۹)

از مجموعه احکام و وظایف پیش بینی شده در آیین نامه می توان استنباط کرد که هدف از اجرای این محکومیت، عمدتاً اصلاح و بازپروری محکومیت و آماده سازی دوباره آنان برای بازگشت به جامعه هستند. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۶۹)

شلاق هم در مواد مختلف قانون تعزیرات و سایر قوانین جزایی تعزیری، پیش بینی شده که حداقل آن حسب مواد قانون، یک تا ۷۴ ضربه است. بعضاً شلاق عنوان کیفر حد را دارد. مثلاً برای شرب خمر، طبق ماده ۱۷۴ قانون مجازات اسلامی ۸۰ ضربه شلاق در نظر گرفته شده است. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۵-۱۳۶، ۱۳۶۹)

در ماده ۲۸۸ آیین دادرسی کیفری مقرر شده است که: مجازات شلاق تعزیری در موارد

ذیل تا رفع مانع اجرا نمی شود: (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۷، ۱۳۶۹)

الف- زنی که در ایام بارداری یا نفاس و یا استحاضه باشد.

ب- زن شیرده در ایامی که طفل وی شیرخودار است حداکثر به مدت دو سال.

ج- بیمارانی که به تشخیص پزشک قانونی و یا پزشک معتمد دادگاه اجرای حکم موجب به

بهبودی بیمار نباشد و یا دادگاه مصلحت بداند یک دسته تازیانه و یا ترکه مشتمل بر تعداد

شلاق مورد حکم است قرار گرفته است، تهیه و یک بار، به محکوم علیه زده می شود.

توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۷، ۱۳۶۹)

در تبصره ماده ۲۹۳ همین قانون به وزیر دادگستری تکلیف شده است که آیین نامه اجرای

حکم شلاق را تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه برساند. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۷،

۱۳۶۹)

مع الوصف مطابق ماده ۱۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ مرد را در حالی که

ایستاده باشد و لباسی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حال نشسته که لباسهایش به

بدن او بسته باشد، تازیانه می زنند و باید تازیانه را به تمام بدن محکوم غیر از سر و صورت و

عورت توزیع نمود. ناگفته نماند عده ای که ناظر اجرای حکم شلاق نسبت به مردان بوده،

دیده است که شلاق را در حالی که محکوم به صورت دمر دراز کش بوده نواخته اند. (

توسلی، غلام عباس، ص ۱۳۸، ۱۳۶۹)

۲-۲-۳ قصاص

اسلام برای قتل و قطع و جرح عمدی قصاص در نظر گرفته است. یعنی مجازات کردن مجرم در مقابل جنایت به مانند جنایتی که کرده. و آن بر سه نوع است قصاص نفس، قصاص اعضای، قصاص جراحت و جزیی از الگوهای پیشگیری است.

۲-۸-۱ تئوری های مربوط به جرم

۲-۸-۱ محیط

محیط بر دو قسم است:

- ۱- جغرافیایی یا طبیعی که شامل: آب و هوا، دریاها، اراضی جنگل ها و نظایر اینها.
 - ۲- محیط اجتماعی شامل: خانواده، مدرسه، اداره، کارگاه، کارخانه و نظایر اینها.
- البته در جرم شناسی هنگامی که در محیط صحبت می شود منظور همان مورد اجتماعی است. گرچه برخی از دانشمندان قدیم (محیط جغرافیایی) را هم در ارتکاب جرم بی تاثیر نمی دانند. مثلا که در حدود ۱۵۰ سال پیش تحقیقاتی انجام داده اند چگونگی تاثیرات محیط های طبیعی را هم بررسی کرده و معتقد در کشورهای گرمسیر جرائم علیه اشخاص نظیر (قتل) و (جنایت) و (زد و خورد) بیشتر اتفاق می افتد در حالی که در محیط های سردسیر اینگونه جرائم کمتر دیده می شود و بر عکس جرائم علیه اموال مثل سرقت و کلاهبرداری، کف زنی و جیب بری بیشتر اتفاق می افتد. (کی نیا، مهدی، ص ۲۳۳، ۱۳۸۵)

۲-۸-۲ زمینه

زمینه معمولاً کلیه اوضاع و احوال و شرایطی است که برای فراهم شدن یک عمل یا یک جرم بوجود می آید.

در جرم شناسی معمولاً عواملی را که در جسم و روح افراد موثر است مثل توارث، کروموزوم ها، بیماری های واگیر، طرز تربیت خانوادگی را به زمینه تغییر می کند.

باید دانست که زمینه معمولاً تحت تاثیر عوامل خارجی و محیط اجتماعی تغییر می یابد مثلاً کسی که بطور معمول هیچ گونه زمینه ارتکاب جرم ندارد ممکن است بر اثر معاشرت با افراد ناباب زمینه ارتکاب جرم برای او فراهم گردد.. (کی نیا، مهدی، ص ۲۳۳، ۱۳۸۵)

۲-۸-۳ شخصیت

مجموعه صفات و خصوصیات جسمی، روانی و ظاهری یک فرد را شخصیت می نامند.

شخصیت انواع مختلف اجتماعی، روحانی، علمی، ادبی، لشکری و سیاسی.

یکی از جرم شناسان ایتالیایی بنام پندر برای شخصیت چنین توضیح داده (توسلی، غلام عباس، ص ۱۴۰-۱۴۱، ۱۳۶۹):

هرمی ۴ ضلعی را تصور کنید که یک ضلع آن شامل شکل و قیافه، ضلع دوم منش و رفتار و ضلع سوم سرشت و تمایلات.

ضلع چهارم، هوش و فراست و در سطح زیرین توارث را تشکیل می دهد.

ولی شخصیت از نظر فروید شامل ۳ قسمت است:

۱- نهاد- نفس اماره

۲- من برتر- نفس لواحه وجدان

۳- من- نفس ظاهری

که از مجموع اینها (شخصیت) پدید می آید.

جرم شناسی سوئدی کین برگ گفته شخصیت بر سه قسمت است:

۱- بی خطر

۲- خطرناک

۳- مختلط

(توسلی، غلام عباس، ص ۱۴۰-۱۴۱، ۱۳۶۹)

۲-۸-۴ وضعیت

وضعیت با زمینه تقریباً مشابه است یعنی تمام اوضاع و احوالی که در ارتکاب جرم تاثیر دارد

وضعیت قبل از ارتکاب جرم نامیده می شود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۴۳، ۱۳۶۹)

وضعیت مختلط که گاه ممکن است بصورت خطرناک درآمده و موجبات ارتکاب جرم را

باعث شود یکی از دانشمندان بنام زیلیگ اتریشی در توصیف وضعیت به ۸ چیز توجه دارد.

برای شناخت وضعیت ارتکاب جرم و رسیدن به چگونگی جرم انجام یافته باید به این

سوالات پاسخ داد. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۴۳، ۱۳۶۹)

۱- (کی) چه کسی؟ ۲- کجا ۳- کی (چه وقت) ۴- چگونه (چطور) ۵- با چه کسی (همدستان اتفاقی) ۶- چرا (انگیزه جرم) ۷- موقعیت قربانی ۸- وسایل اجرای جرم

طبیعی است که با پی بردن به این موارد می توان به سهولت جرم انجام یافته و علل آنرا درک نمود. (توسلی، غلام عباس، ص ۱۴۳، ۱۳۶۹)

۲- ۹ تیپ شناسی مجرمین

۱) دانشمندان در لزوم طبقه بندی شخصیت ها اتفاق نظر دارند زیرا این عمل موجب تسهیل تحقیق و کلیت یافتن «یعنی جنبه علمی پیدا کردن معلومات به دست آمده می شود». حسینی، ابوالقاسم، ص ۲۱۰، ۱۳۵۹

۲) تیپ از کلمه یونانی توپوس به معنای نقش و اثر گرفته شده است و در اصطلاح به معنای مجموعه ای از صفات و خصوصیات که معمولاً هم بدنی هستند و هم روانی و سبب تمایز میان انسان ها می شود است. (حسینی، ابوالقاسم، ص ۲۱۰، ۱۳۵۹)

۳) تیپ بیشتر مفهومی انتزاعی است یعنی صفات و ویژگی هایی را که دانشمندان دیده اند گروهی از آدمیان در آن اشتراک دارند جدا کرده و در این قالب لفظی جای داده اند. از آن پس افرادی که واجد آن صفات هستند قطع نظر از اختلافاتشان عنوان آن تیپ را پیدا می کنند. (حسینی، ابوالقاسم، ص ۲۱۰، ۱۳۵۹)

۴) دانشمندان معمولاً طبقه بندی تیپ ها را معمولاً به دو طریق انجام داده و می دهند:

- دسته اول کسانی که از ویژگی های جسمی پی به خصوصیات روانی میبرند.

- دسته دوم: کسانی که صفات روانی را مدنظر قرار داده و بر مبنای آن تیپ ها را طبقه

بندی می کنند. (حسینی، ابوالقاسم، ص ۲۱۰، ۱۳۵۹)

۲- ۱۰ انواع طبقه بندی مجرمان بر حسب خصایل و سجایای اصلی

(۱) طبقه بندی کرچمر

(۲) طبقه بندی لومبروزو

(۳) طبقه بندی شلدن و استیونس

(۴) طبقه بندی فورنو جوردن

۲-۱۰-۱ طبقه بندی کرچمر

روانپزشک آلمانی با استفاده از نظریات دانشمندان گذشته به خصوص از نظریات کرپلن

، برای طبقه بندی شخصیت ها یا به تعبیر دیگر تعیین تیپ های شخصیت سه اصل زیر را

مبنای کار خود قرار داد:

(۱) میان شکل بدن و صفات اصلی روانی همبستگی مثبت وجود دارد.

(۲) سلامت و ناسلامتی روانی

(۳) صفات اصلی شخصیت همان هایی هستند که به صورت شدت یافته در روان پریشی

«شورافسردگی» و روان پریشی «پریشانی شخصیت» (شیزو فرنی) ملاحظه میشوند. سه دسته

اصلی بدنی طبقه بندی کرچمر (شاملو، سعید، ص ۲۷۱، ۱۳۷۲):

(۱) فربه تنان

(۲) لاغر اندامان

(۳) سخت پیکران

سه دسته روانی طبقه بندی کرچمر:

(۱) سیکلوتیم

(۲) شیزوتیم

(۳) اپی لپتوئید

فربه تنان : هنگامی که به میان سالی می رسند دارای قدی متوسط هستند سر و سینه و شکم آن ها نسبت به سلیر اعضای بدنشان رشد بیشتری دارد. صورتی پهن گردنی کوتاه و کلفت و مخصوصا شکمی برآمده دارند معمولا چاق هستند و رشد آن ها از پهنای است. پوست بدنشان متمایل به سرخی است موی سرشان نرم و مستعد برای ریختن ات سلسله اعصاب سمپاتیک ان ها به شدت عمل می کند این دسته استعداد مخصوصی برای بیماری های رماتیسم مزمن تصلب شراین سنگ کلیه و مرض قند دارند. (شاملو، سعید، ص ۲۷۱، ۱۳۷۲)

ویژگی های روانی این دسته: از نظر اخلاقی خوش برخورد اجتماعی خوش خوراک خوش گذران و بذله گو هستند بسیار فعال هستند خوش بین هستند از نظر عقلی نسبت به اصول کلی و منطقی بیگانه هستند ظاهر و باطنشان یکی است کینه در دل نگاه نمی دارند زود به اشخاص و افراد دل می بندند و زود هم دل می کنند. (شاملو، سعید، ص ۲۷۱، ۱۳۷۲)

لاغر اندامان: برعکس فربه تنان لاغر و باریک اندام و در رشد شاه عمودی هستند قفسه سینه آن ها باریک و مسطح است دارای استخوان های برجسته هستند و دنده های آن ها از زیر پوست نمایان است. شکمی فرو رفته صورتی لاغر و دست و پایی دراز دارند. سلسله اعصاب پاراسمپاتیک آن ها برجسته و شدت عمل دارد. مستعد برای بیماری های مثل سل سینه زخم اثنی عشر و احیانا سر درد هستند. (شاملو، سعید، ص ۲۷۲، ۱۳۷۲)

لاغر اندامان از نظر روانی: دیر جوش گوشه گیر خیال باف آرزو پرور، سخنانشان پر کنایه و نیش دار است کمتر به عالم خارج توجه دارند بیشتر در خود فرو می روند گاهی خودشان را شاد نشان میس دهند و گویی از جمع بودن و معاشرت با دیگران لذت میبرند ولی واقعا غیر از این است. از نظر عقلانی اهل دلیل و منطق هستند در عقاید خود تعصب نشان می دهند از نظر فعالیت علمی تزلزل نا پذیر هستند. (شاملو، سعید، ص ۲۷۲، ۱۳۷۲)

سخت پیکران: از نظر بدنی استخوان بندی محکم و عضانی سینه ای فراخ و قامتی نسبتا بلند. از نظر روانی: دارای فعالیت بدنی فراوان و علاقه مندی به ورزش و کوهپیمایی و شرکت در مسابقه ها و پیروزی در آن ها حادثه جو و نترس و پرخاشگر و زود گو برتری طلب. غیر حساس نسبتاً خونسرد اهل شوخی و بذله گو. (شاملو، سعید، ص ۲۷۲، ۱۳۷۲)

۲-۱۰-۲ طبقه بندی لومبروزو در مورد مجرمین :

۱) مجرمین عادی یا حرفه ای : این گروه هیچ نقصی در حین تولد ندارند و عاملی که باعث ارتکاب جرم از سوی اینها میشود جامعه است، اینها دست به تبهکاری می زنند و دائما تکرار

میکند و این برای آن ها عادت شده در نتیجه حرفه ای میشوند. این گروه مدت قابل توجهی از عمرشان را در زندان هستند اینها در دانشگاه زندان آموزش می بینند. (بکاریا،

سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۶۹، ۱۳۷۷)

۲) مجرمان اتفاقی : این گروه ذاتا میل به بدی، جرم و خلاف ندارند. شرایط و اوضاع و

احوال خاص، اینها را وادار به ارتکاب جرم می کند

اینها از لحاظ اخلاقی آدم های ضعیفی هستند و یک عامل خارجی ضعیف این دسته را به

سمت جرم می کشاند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۰، ۱۳۷۷)

۳) مجرمان احساسی و هیجانی : اینها افرادی هستند که در واکنش به ناموس، عشق، وطن

و... اغلب با واکنش های هیجانی اقدام به انجام یکسری اعمال می کنند. این گروه آدم

های زود رنج و پر توقع هستند مردانی هستند با قیافه متبوع و چشمانی با حالت و آثاری از

جنایت در چهره ندارند بلکه بخاطر مسائلی از قبیل عشق، وطن، ناموس عمل مجرمانه انجام

می دهند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۰، ۱۳۷۷)

۴) مجرمان ضعیف و سست عنصر : اینها ذاتا افرادی هستند که زود منحرف می شوند و بنیان

شخصیتی قوی ندارند و خوب و بد را تشخیص نمی دهند. اینها شبیه مجرمان بالفطره

هستند اما اگر آنها دارای سرشتی خطا کار باشند اینها تحت اثر تحقیقات محیطی زود

مرتکب جرم میشوند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۰، ۱۳۷۷)

۵) مجرمان دیوانه و کم عقل: این گروه چون کم عقل و ناقص العقل هستند، بازیچه و ابزار

دست دیگران می شوند و به این خاطر جرم انجام می دهند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۰، ۱۳۷۷)

۶) مجرمان بالفطره: یا جانی زاده، اینها افرادی هستند که یکسری خصلت های فیزیکی و جسمی و دارای تمایلات خاص بوده و سرشت آنها طوری است که جرم و تبهکاری از آنها سر میزند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۰، ۱۳۷۷)

۲-۱۰-۳ طبقه بندی شلدن و استیونس:

دانشمندان امریکایی معاصر هستند. آن ها از کرچمر الهام گرفتند ولی از آن جا که مطالعات آن ها دارای جنبه آماری قوی بود با روش کرچمر کاملاً متفاوت بود. شلدن تحقیقات خود را از سال ۱۹۴۰ شروع کرد و در چند کتاب که آخرین آن ها اطلس انسان ها بود و در سال ۱۹۵۴ منتشر شد تحقیقات خود را شرح داده است. (شاملو، سعید، ص ۲۷۹، ۱۳۷۲)

سه مرحله تحقیقات شلدن و استیونس:

۱) مرحله مردم شناسی

۲) مرحله روانشناسی

۳) مرحله آماری

۲-۱۰-۳-۱ مرحله مردم شناسی

در این مرحله هزاران عکس از گروه زیادی از جوانان برهنه در وضعیت های مختلف روبرو نیم رخ های چپ و راست و غیر آن تهیه و به مطالعه و طبقه بندی آن عکس ها پرداختند و

سپس صاحبان آن عکس ها را به اعتبار چگونگی ساختمان ظاهر بدن و این که کدام یک از

جنبه های مشروح ذیل در آن ها نمایان تر است به سه گروه تقسیم کردند:

(۱) جنبه اندرو مورفی: یعنی برجستگی و اهمیت اعضای درونی مانند معده و قلب و شش ها.

(۲) جنبه مزو مورفی: یعنی رشد و استحکام استخوان ها و عضلات

(۳) اکتو مورفی: یعنی اهمیت و قدرت سلسله اعصاب

پس از آن به هریک از این سه جنبه بر حسب درجه رشد و نمو آن ها از یک تا هفت نمره

دادند که نمره هفت به حد اعلای رشد و قوت و نمره یک به حد اعلای ضعف و کمی

رشد داده شد.. (شاملو، سعید، ص ۲۸۰، ۱۳۷۲)

۲-۱۰-۳-۲ مرحله روانشناسی

در این مرحله که جنبه روانی دارد شلدن و همکارانش کار خود را با ۶۵۰ صفت یا خصلت

روانشی شروع کردند و سرانجام آن را به ۵۰ صفت تقلیل دادند و این عده را پس از تعیین

همبستگی ها خود به سه دسته تقسیم کردند (شاملو، سعید، ص ۲۸۲، ۱۳۷۲):

الف) ویسروتونیا:

ب) سوماتوتونیا

ج) سربر تونیا

در این مرحله برای این که بدانند در کدام یک از گروه ه قرار میگیرد می توان او را از حیث

۶۰ صفت که بیست صفت برای هریک از گروه ها یا از حیث ۳۰ صفت که ده صفت برای

هریک از گروه ها می باشد مورد آزمایش قرار داد و رتبه او را در هر یک از آن گروه ها با اعداد یک تا هفت نشان داد. (شاملو، سعید، ص ۲۸۲، ۱۳۷۲)

الف: افرادی که از حیث ویسروتونیا نمره عالی دارند مثلاً ۷۱۱ مردمی هستند ملایم در گفتار و رفتار اهل معاشرت با خلق و خوی مشابه، خوش خوراک، خوش خواب، زود به اشیا و اشخاص دل میبندند و زود هم دل می کنند به خود سخت نمیگیرند خشمشان دوامی ندارند و... از نظر جرمشناسی این افراد معمولاً مرتکب جرم نمی شوند مگر آن که بزهکاری آن ها اتفاقی و ناشی از هیجان باشد. (شاملو، سعید، ص ۲۸۲، ۱۳۷۲)

ب) افرادی که در آن ها جنبه سوماتوتونیا قوی است مثلاً نمره ۱۷۱ گرفته اند غالباً ماجرا جو، سیادت طلب، از کار های مخاطره آمیز لذت می برند، غالباً خود را خشن و پرخاشگر نشان میدهند نیرویی که در آن ها است بی درنگ تبدیل به عمل می شود خستگی ناپذیر هستند و نسبت به احساسات دیگران چندان توجهی ندارند و... از نظر جرمشناسی این افراد در معرض ارتکاب جرایم خشونت آمیز و بدنی هستند. (شاملو، سعید، ص ۲۸۲، ۱۳۷۲)

ج) افرادی که جنبه سربروتونیا در آن ها قوی است معمولاً مردم گریز کم تظاهر و اهل تفکر و حساس و مردد و خود خواه راز دار غالباً محبوب و معتدل راز و نیاز را دوست دارند، واکنش آن ها سریع است، بد می خوانند تنهایی را به بودن در جمع ترجیح می دهند محیط های کوچک و بسته را دوست دارند و... از نظر جرمشناسی این افراد کمتر در معرض بزهکاری هستند و در صورتی که مرتکب جرم شوند نوع جرایم آن ها از نوع جرایم علیه

اموال است. و در بین جرایم علیه اموال جرایمی که مستلزم کلاهبرداری و حيله و فریب است در آن ها محتمل الوقوع تر است .. (شاملو، سعید، ص ۲۸۲، ۱۳۷۲)

۲-۱۰-۳ مرحله آماری

در مرحله سوم تحقیق که جنبه آماری داشت پژوهندگان خواستند ببینند میان جنبه های سه گانه شکل ظاهر بدن از یک سوی و سه دسته صفات روانی از سوی دیگر چه نوع ارتباط و همبستگی وجود دارد. (شاملو، سعید، ص ۲۸۴، ۱۳۷۲)

۲-۱۰-۴ طبقه بندی فورنو جوردن

جرم شناس دیگری که در این زمینه فعالیت داشت آقای هوتون بود که عرصه کار را در داخل تقسیم بندی به شرح بلند قد و کوتاه قد برد، وی همچنین بلند قد و کوتاه قد را به دو دسته تنومند و باریک به شرح ذیل تقسیم کرد :

بلند قد تنومند : جرم شاخصی که انجام می دهند، "آدم کشی بدون قصد قبلی " بلند قد باریک : جرم شاخصی که انجام می دهند، "آدم کشی با قصد و برنامه قبلی " کوتاه قد تنومند : جرم شاخصی که انجام می دهند، "ارتکاب به جرائمی مثل دزدی ، آدم کشی ، تجاوز و مسائل ناموسی " کوتاه قد باریک : جرم شاخصی که انجام می دهند، " دزدی و تمایل به راهزنی " طبقه بندی فورنو جوردن دانشمند انگلیسی در کتابی در سال ۱۸۹۰ منتشر ساخت : «منش از لحاظ بدنی و بستگی خانوادگی» آدمیان را در دو دسته قرار می دهد..

شاملو، سعید، ص ۲۷۶، ۱۳۷۲)

۱- در خود فرو رفتگان :که لاغر اندامند زود انگیخت هستند و فعالیتشان ذهنی است.

شاملو، سعید، ص ۲۷۷، ۱۳۷۲)

۲- کارآوران:دیرانگیخت هستند و تظاهرات وجودی ان ها در خارج است. (شاملو، سعید،

ص ۲۷۷، ۱۳۷۲)

طبقه بندی به اعتبار غده های بسته:منش ها یا شخصیت های اختصاصی را به اعتبار چگونگی

پارهای از اعمال حیاتی مانند عمل غده های بسته یا عمل سلسله اعصاب نیز طبقه بندی کرده

اند از جمله این افراد پاند دانشمند آلمانی است وی برای غده تیروئید در واکنش های روانی

و برای غده های فوق کلیه یا غده های تناسلی در شدت و قوت آن واکنش ها تاثیر فوق

العاده قائل شده وبنابراین افراد را به چهار گروه تقسیم کرده است. (شاملو، سعید، ص ۲۷۷،

۱۳۷۲):

۱- دراز و باریک پر هیجان :غده تیروئید و غده های فوق کلیه اش بیش از اندازه ترشح

دارد، دارای واکنش های بدنی و روانی سریع و شدید، بدبین است. (شاملو، سعید، ص ۲۷۷،

۱۳۷۲)

۲- دراز و باریک و آرام :غده تیروئید بیش از اندازه و فوق کلیه اش کمتر اندازه ترشح می

کند-ظاهری پر جوش و خروش دارد ولی واکنش های او فاقد مقاومت هستند. (شاملو،

سعید، ص ۲۷۷، ۱۳۷۲)

۳- کوتاه و پهن پر هیجان: غده تیروئید کمتر از اندازه و فوق کلیه اش بیش اندازه ترشح دارد، واکنش های بدنی نسبتا کند و با بادوام است، در کارها ثابت قدم. (شاملو، سعید، ص ۲۷۷، ۱۳۷۲)

۴- کوتاه و پهن آرام: غده تیروئید و فوق کلیه اش کمتر از اندازه ترشح میکند- در واکنش های بدنی و روانی خیلی کند تر از کوتاه و پهن هیجانی هستند. (شاملو، سعید، ص ۲۷۷، ۱۳۷۲)

۲- ۱۱ انتقاد تیپ شناسی یا طبقه بندی شخصیت

بر تیپ شناسی یا گروه بندی شخصیها چه بر آنها که مبتنی بر شکل ظاهر بدن یا اعمال حیاتی هستند و چه بر آنها که مستقیما بر پایه خصایص و صفات روانی قرار دارند _اشکالاتی وارد کرده اند :

۱) تیپ شناسی لمبروزو، که افراد جنایتکار را از روی شکل ظاهر بعضی از قسمت های بدن از افراد سالم بهنجار جدا می کند، و گروه بندی های مشابهی که شکل سر و وضع قیافه و شکل بینی یا پیشانی و نوع چشم ها و تنگی و فراخی سینه را مبنای عمل قرار می دهند و از این صفات صوری حکم به سیرت اشخاص می کنند، گفته شده است که هیچ کدام قابل اعتماد نیستند. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۷، ۱۳۷۷)

۲) تیپ شناسی یا گروه بندی های جدی تری هم که مبتنی بر مطالعات دقیق روان پزشکی و روان درمانی هستند، مانند تیپ شناسی های کرچمر و شلدن و همینس و ویرسما، نیز کاملا

از انتقاد برکنار نیستند و نمی توانند شخصیت افراد را به وجه دقیق و کامل بشناسانند. زیرا همه مردمان را در چند طبقه یا زیر عنوان چند نمونه یا تیپ محدود جای دادن، سبب می شود که صفات نسبتاً مهم دیگری که در هر تیپ میان افراد کثیری از آن تیپ مشترک هستند مورد غفلت قرار گیرند. بنابر این کافی نیست گفته شود فلان شخص در گروه فربه تنان یا ویسروتونیا ها یا تند کاران یا برون گرایان است. زیرا او علاوه بر این خصلت برجسته دارای صفات و خصیصه های دیگری است که او را از بسیاری از افراد آن تیپ یا طبقه ممتاز می سازد (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۸، ۱۳۷۷)

۳) گذشته از این، شکل ظاهر بدن که پایه و اساس برخی از مهم ترین تیپ شناسی ها قرار گرفته، ممکن است با رژیم غذایی و یا وسایل دیگر تغییر کند مثلاً کسی که در زمره فربه تنان یا آندرو مورف ها بوده لاغر اندام یا آکتومورف شود، در این جا این سوال پیش می آید که آیا این فرد از نظر صفات روانی و به طور کلی از نظر شخصیت دگرگونی حاصل کرده است؟ (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۸، ۱۳۷۷)

۴) انتقاد دیگری که میتوان کرد این است که به فرض این که برای رفع عیب تعداد کم تیپ ها، بر شماره های تیپ های اصلی بیفزایند باز جای ایرادی باقی خواهد ماند، زیرا افراد آدمی علاوه بر صفات و خصلت های فلان تیپ یا طبقه معین، کم و بیش دارای پاره ای صفات اختصاصی بعضی صفات دیگر نیز هستند و از این رو معرفت کافی به شخصیت هیچ کس

میسر نخواهد بود مگر این که آن صفات و خصایص نیز در نظر گرفته شوند. (بکاریا، سزار،

ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۷-۷۹، ۱۳۷۷)

۲-۱۲ تعریف انگیزه

انگیزه در لغت به معنای سبب، باعث، علت و آنچه کسی را به کاری برانگیزد تعریف شده

است در اصطلاح به نفع یا امتیازی که فاعل جرم را ترغیب به ارتکاب جرم می کند، انگیزه

گویند. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۴۰۸، ۱۳۷۸)

اصطلاحات قصد و انگیزه در حقوق جزا شبیه مفاهیم علت و جهت در حقوق مدنی

می باشند، همانطور که از «جهت» به امری تعبیر شده که معامله کننده برای رسیدن به آن

معامله را انجام می دهد (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۴۰۸، ۱۳۷۸)، در حقوق جزا نیز به کوشش

درونی و میل پنهانی فرد، که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می کند انگیزه گویند. در

حقوق کیفری از انگیزه به «سبب»، «علت» و «داعی» نیز تعبیر شده است. (اردبیلی، محمدعلی،

ص ۲۴۰، ۱۳۸۴)

۲-۱۲-۱ نقش انگیزه در تحقق جرم

اصولاً انگیزه تأثیری در تحقق جرم ندارد و وجود قصد و سوءنیت به عنوان عنصر معنوی

جرم، بدون تأثیر انگیزه در آن، برای تحقق جرم کافی است، اما با این همه عدم تأثیر انگیزه

در جرم مطلق نیست. در مواردی حتی با تحقق ارکان سه گانه جرم، انگیزه باعث زوال

وصف مجرمانه می شود. از نظر عده‌ای که فلسفه‌ی عدم مجازات، در عوامل موجهه جرم را، منافع اجتماعی یا اجتماعی نبودن انگیزه می‌دانند، نه زائل شدن عنصر معنوی، انگیزه نقش اساسی در مشروعیت عمل دارد. (افراسیابی، محمد اسماعیل، ص ۳۱۲، ۱۳۷۶) بنابراین طبق این نظر در حالت ضرورت (ماده ۵۵ ق.م.ا)، امر آمر قانونی (ماده ۵۶ ق.م.ا) و دفاع مشروع (ماده ۶۱ و ۶۲ ق.م.ا) انگیزه مثبت مجرم موجب زوال مسئولیت کیفری جرم می‌شود. (اردبیلی، محمدعلی، ص ۲۴۱، ۱۳۸۴)

جرایم متعددی نیز وجود دارد که سوءنیت خاص یا انگیزه یکی از ارکان تشکیل جرم بوده، و یا میزان مجازات‌های مقرر بر حسب انگیزه، پیش بینی شده، در این گونه موارد عنصر مادی جرم عبارت است از سوءنیت بعلاوه‌ی انگیزه‌ی خاص. (اردبیلی، محمدعلی، ص ۲۴۲، ۱۳۸۴) به طور مثال به موجب ماده ۱۸ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام): «هرگاه محرز شد که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مخدر در ماده ۸ شده است برای بار اول به ۵ تا ۱۰ سال حبس و برای بار دوم تا ۲۰ سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد.» (اردبیلی، محمدعلی، ص ۲۴۲، ۱۳۸۴)

در این ماده قانونگذار مجرّد فراهم کردن مواد مخدر را برای تصرف دیگری کافی نمی‌داند بلکه تصریح می‌کند که مقصود فاعل از این عمل باید معتاد کردن مصرف کننده به مواد مخدر باشد، تا بتوان او را بر حسب مورد به یکی از مجازات‌های مقرر در ماده محکوم کرد،

و یا ماده ۶۹۸ ق.م.ا بیان می کند: «هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله ی نامه یا شکوائیه یا ... اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی، تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده ی حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. (اردبیلی، محمدعلی، ص ۲۴۳، ۱۳۸۴)

این ماده جرم نشر اکاذیب را علاوه بر علم مرتکب به کذب بودن اظهارات به انگیزه یا داعی مجرم یعنی اضرار به غیر نیز توجه خاص کرده و آن را شرط تحقق جرم دانسته بنابراین اگر اظهار کذب یا اسناد اعمالی برخلاف واقع، مقرون به انگیزه ی مذکور نباشد در حدود این ماده قابل مجازات نیست و ... در مواردی نیز تأثیر انگیزه در تحقق جرم به میزانی است که احتمال جرم بودن عمل را به کلی منتفی می سازد، مثلاً طبق حکم شماره ۲۳۰-۳۷/۱/۲۷ دیوان عالی کشور: «مستنبط از قانون منع کشت خشخاش جلوگیری از استعمال مواد افیونی به منظور تکلیف و در حقیقت منع از اعتیاد به آن است و استعمال مواد مزبور به طور مطلق جرم شناخته نشده، از این رو کسی که به قصد خودکشی تریاک استعمال کند مجرم محسوب نمی شود. (اردبیلی، محمدعلی، ص ۲۴۳-۲۴۱، ۱۳۸۴)

۲-۱۲-۲ نقش انگیزه در شخصیت فرد مجرم

مبحث انگیزش^{۲۲} در روان شناسی به خصوص روان شناسی شخصیت اهمیت ویژه ای دارد، بدون شناخت انگیزه های رفتار، درک پدیده های روان شناختی امکان ندارد. نه تنها بررسی علمی رفتار، بلکه در زندگی روزمره انسان، انگیزش^{۲۳} نقش مهمی را ایفا می کند. چون آدمی موجود شگفت انگیزی است که می تواند رویدادها را درک کند، به قضاوت های پیچیده دست زند، اطلاعات را به خاطر آورد، مسائلی را حل کند و نقشه ای را عملی سازد. در همه ی موارد به کارگیری استعدادها منوط به نحوه ی انگیزش او می باشد. یعنی بستگی به نوع امیال، آرزوها، خواسته ها، نیازها، گرسنگی ها، عشق ها و نفرت های او دارد. (سیف، علی اکبر، ص ۱۴۳، ۱۳۸۱)

انگیزش به حالت های درونی ارگانیزم که موجب هدایت رفتار او به سوی نوعی هدف می شود، اشاره می کند. به طور کلی، انگیزش را می توان به عنوان نیروی محرک فعالیت های انسان و عامل جهت دهنده ی آن تعریف کرد. انگیزش را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده اند و در این مقایسه نیرو و جهت، مفاهیم عمده ی انگیزش هستند. بنابراین انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسان است (سیف، علی اکبر، ص ۱۴۳، ۱۳۸۱).

اختلالات شخصیتی ضد اجتماعی در میان جمعیت مجرمان بسیار شایع است و کسانی که دارای این اختلال هستند، قابل توجهی از شخصیت، شیوه زندگی و انگیزه برای ارتکاب

^{۲۲}. Motivation

^{۲۳}. Motive

اعمال مجرمانه دارند. متخصصان سلامت روانی بر این نکته توافق دارند که قاتلان زنجیره ای آزارگر افرادی جامعه ستیز و فاقد وجدان بوده، احساس ندامت در آنها وجود ندارد و تنها به لذات شخصی خود در زندگی اهمیت می دهد و از این رو امکان همدردی با رنج های قربانین خود را نداد (برنت، ۱۳۸۵، ص ۴۶۸ و کوکسیس، ص ۱۸، ۲۰۰۸).

علمای حوزه های مختلف روانشناسی، آسیب شناسی اجتماعی، جرم شناسی و فقها ... اتفاق نظر دارند که جنایتکاران خطرناک و ضد اجتماعی از کرده خود پشیمان نبوده و عموماً از آزار و اذیت قربانیان خود و از ضجه، ناله و درد آنان لذت برده و هیچ گونه احساس ناراحتی و عاطفه انسانی در آنها وجود ندارد چه بسا انتظار دارند قربانیان نیز از چنین وضعیتی لذت ببرند. قاتلی بعد از قتل های متعدد در بازجویی ها می گوید: این اعمال مرا ناراحت نمی کرد و من هیچ گونه عکس العملی نداشتم (ایبرا همسن، ص ۲۶۴، ۱۹۷۱).

مجرمان در تیپ های مختلف شخصیتی جای می گیرند و چنانچه شرایط اجتماعی و محیطی برای آنان فراهم شود، مبادرت به جرم و جنایت می کنند.

۲-۱۳ تشکیل پرونده شخصیت

در تعریف شخصیت باید گفت: «عنصر ثابت رفتار فرد، شیوه بودن او و به طور کلی آن چه همراه با او است و موجب تمایز او از دیگران می شود.»^{۲۴} (گنجی، حمزه، ص ۳۰۸، ۱۳۸۶)

در تعریف پرونده شخصیت باید گفت: مجموع تحقیقات و بررسی ها و آزمایش هایی که

^{۲۴}. گنجی، حمزه، روان شناسی عمومی؛ چاپ چهل و دوم، تهران، نشر ساوالان، ۱۳۸۶، ص ۳۰۸.

برای شناسایی بزهکاران به کار می رود، ابرواسیون می گویند^{۲۵}. (ابراهیمی، ابراهیم، ص

۸۷، ۱۳۸۹)

۲- ۱۴ پرونده شخصیت تاثیر بر شخصیت و جرم ارتكابی

از نظر جرم شناسان بالینی مجرم یک بیمار محسوب گردیده و مجازات باید همانند دارو برای فرد باشد، یعنی به منظور درمان فرد و با توجه به خصوصیات شخصیتی و بیماری عارضه بر فرد باشد که شناخت ابعاد شخصیتی انسان کاری دشوار است. یکی از ابزار شناخت شخصیت و متناسب نمودن مجازات و دارو با شخصیت فرد و بیماری فرد، تشکیل پرونده شخصیت می باشد. «به عقیده بسیاری از جرم شناسان تشکیل پرونده شخصیت تعاملی بین جرم شناسی بالینی و کیفرشناسی است»^{۲۶} (صلاحی، جاوید، ص ۸۶، ۱۳۸۹) بدین ترتیب وجود پرونده شخصیت در کنار پرونده کیفری ضروری است. پرونده شخصیت حاوی سوابق تحصیلی، پزشکی، روان پزشکی، خانوادگی، وضعیت سنی و موقعیت اجتماعی متهم است، که توسط متخصصین مربوطه (مددکاران اجتماعی)^{۲۷} (مظلومان، رضا، ص ۷۹، ۱۳۴۵)، پزشکان، روان پزشکان و روان شناسان و ... پس از انجام آزمایش ها،

^{۲۵}. ابراهیمی، ابراهیم، پرونده شخصیت در فرآیند کیفری ایران (مطالعه کاربردی)؛ انتشارات فکرسازان، چاپ اول ۱۳۸۹، ص ۸۷.

^{۲۶}. صلاحی، جاوید؛ کیفرشناسی و دیدگاه های جدید؛ تهران نشر میزان، ۱۳۸۵، ص ۸۶.

^{۲۷}. مددکاران اجتماعی باید خوش مظهر و خوش رو بوده و با جلب محبت و اعتماد مصاحبه شونده و مددجو اطلاعات لازم را از شرایط و وضعیت متهم بدست آورد. ر.ک مظلومان، رضا؛ جامعه شناسی کیفری؛ جلد اول، چاپ اول، تهران انتشارات دهخدا، ۱۳۴۵، ص ۷۹.

مصاحبه ها و بررسی های دقیقی تنظیم می گردند. بوسیله پرونده شخصیت قاضی به اطلاعاتی فراحقوقی و فراکیفری دست می یابد.^{۲۸} (دانش، تاج زمان، ص ۲۴۸-۲۴۹، ۱۳۷۶)

هدف از تشکیل پرونده شخصیت را می توان در دو چیز دانست: ۱- عادلانه کردن حکم و قرار ۲- تقویت بعد جرم شناختی حکم و قرار (اصلاح و درمان)^{۲۹} (برنار، پولک، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۱، ۱۳۸۰)؛ بنابراین می توان هدف اصلی از تشکیل پرونده شخصیت را فردی کردن تصمیم دادگاه و انطباق آن با شخصیت مجرم برای صدور حکم و انتخاب مجازات مقتضی برای مجرم دانست. (برنار، پولک، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۱۱، ۱۳۸۰)

۲-۱۵ مراحل تشکیل پرونده شخصیت

برای تشکیل پرونده شخصیت معمولاً چهار مرحله مورد توجه قرار می گیرد: الف) کسب اطلاعات راجع به مجرم (دوره مشاهده، معاینه و بررسی مجرم): در پرونده شخصیت سه جنبه کلی باید مورد توجه قرار گیرد: جنبه زیستی (بیماری، سن، قد، جنس، ...) جنبه روانی و جنبه اجتماعی (تحصیلات، خانواده وی، سربازی، تاهل، سوابق احتمالی و سجل کیفری

^{۲۸}. آبرورویشن ممکن است در محیط آزاد یا در محیط بسته انجام گیرد. در روش اول فرد به زندگی عادی اجتماعی خود ادامه می دهد و بازپرس یا قاضی بوسیله مددکاران اجتماعی و متخصصین اطلاعات لازم را جمع آوری می نماید، ولی در روش دوم فرد در یک مرکز علمی برای مدت معینی نگهداری می شود. برای مطالعه بیشتر رک دانش، تاج زمان؛ حقوق زندانیان و علم زندانها؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم ۱۳۷۶، صص ۲۴۸ و ۲۴۹.

^{۲۹}. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناسی (بازپروری بزهکاران)، دوره دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷،

وی...)^{۳۰}، همچنین وضعیت پیش جنایی (عوامل وضعی) نیز ملحوظ نظر قرار می گیرد.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۲۴۵۶، ۱۳۸۷)

ب) مرحله تشخیص: در این مرحله جرم شناس در پی دست یابی به علت ارتکاب جرم در

فرد می باشد و بدین منظور عوامل متعددی را مورد بررسی قرار می دهد، مثلاً تاثیر عامل

اعتیاد را در وقوع جرم مورد ارزیابی قرار می دهد.. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص

۱۳۸۷، ۲۴۵۶)

ج) مرحله ارائه راه حل: در این مرحله جرم شناس با توجه به مطالعات انجام شده و شناخت

علل ارتکاب جرم و بررسی شخصیت فرد اقدام به ارائه راهکار متناسب با شخصیت فرد

خواهد نمود.. (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۲۴۵۶، ۱۳۸۷)

د) اجرای راهکارها و بررسی واکنش مجرم نسبت به این راهکارها. (نجفی ابرندآبادی، علی

حسین، ص ۲۴۵۶، ۱۳۸۷)

۲-۱۶ ضرورت تشکیل پرونده شخصیت در مراحل مختلف رسیدگی

اولین پرونده شخصیت در مورد اطفال بزهکار تشکیل شد، تا اینکه در سال ۱۹۵۸ قانون

گذار فرانسوی تنظیم پرونده شخصیت برای بزرگسالان را مورد تصویب قرار داد^{۳۱}، در

فرانسه به موجب ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، در تمام موارد اتهامات جنایی،

^{۳۰} همان، ص ۲۴۵۶.

^{۳۱} ابراهیمی، ابراهیم؛ پرونده شخصیت در فرآیند کیفری ایران، ص ۱۰۴.

تشکیل پرونده شخصیت اجباری است ولی در جرایم جنحه ای بازپرس مکلف به تشکیل

پرونده شخصیت نیست. (ابراهیمی، ابراهیم، ص ۱۰۴، ۱۳۸۹)

بطور کلی در سه مرحله ممکن است پرونده شخصیت تشکیل گردد، ۱- قبل از محاکمه و

دادسرا؛ ۲- در جریان محاکمه؛ ۳- بعد از محاکمه.

۱- مرحله قبل از محاکمه (تحقیقات مقدماتی): هدف از تشکیل پرونده شخصیت در مرحله

تحقیقات مقدماتی این است که قضات تحقیق بهترین اقدام و مناسب ترین قرار را متناسب با

شخصیت متهم صادر نمایند^{۳۲}، (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۱۳۷۶، ۱۳۸۲)

برای تعیین میزان مسئولیت متهم، بازپرس یا مقام صلاحیت دار می تواند از روان شناس،

روان پزشک و پزشک قانونی، تقاضای اظهارنظر کند و خلاصه تحقیقات در پرونده

منعکس گردد، هدف از تحقیق که به منظور اتخاذ روش مناسب برای اصلاح و تربیت و یا

درمان بزهکار است، بایستی به او و خانواده اش توجیه و تفهیم گردد.^{۳۳}

در مرحله تحقیقاتی مقدماتی در فرانسه بازپرس مکلف است برای مرتکبان جنایات در کنار

پرونده حقوقی، پرونده شخصیت تشکیل دهد، در قانون آیین دادرسی در امور کیفری،

تشکیل پرونده شخصیت اجباری نیست، البته در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک به فردی کردن قرار

تامین اشاره شده است. با توجه به این که در سیستم قضایی کشور ما تشکیل پرونده

^{۳۲}. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جرم شناسی (کلیات)، دوره کارشناسی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷۶.

^{۳۳}. Michard. H: Evolution des methods D, Yaucresson, ۱۹۵۹, p.۷.

شخصیت متداول نیست؛ برخی از حقوق دانان معتقدند: بهتر است دادستان در زمان صدور کیفرخواست این نقیصه را رفع کند و در کیفرخواست شخصیت متهم را برای دادگاه معرفی نماید و این مورد را جزو موارد اختیاری ذکر در کیفرخواست می دانند.^{۳۴} (آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری دادرسی و کیفرخواست، ص ۱۵۰، ۱۳۷۳)

۲- در جریان محاکمه: جهت تعیین نوع روش اصلاحی و تربیتی و یا درمانی و همچنین کانون یا موسسه و یا زندانی که بزهکار بایستی در آن نگهداری شود، قاضی می تواند در ضمن محاکمه، دستور ابروآسیون صادر کند.^{۳۵} (ابراهیمی، ابراهیم، مقاله پرونده شخصیت، ص ۹۲، ۱۳۸۹)

امروزه در حقوق فرانسه یک نوآوری در این زمینه وجود دارد؛ بدین صورت که در مرحله قضایی، علاوه بر تشکیل پرونده شخیت برای بزهکار، مشاهده بزه دیده و معاینه او نیز در مرحله تعیین مجازات موضوعیت یافته است، بنحوی که بازپرس فرانسوی موظف است همزمان با برآورد شخصیت بزه کار، شخصیت بزه دیده را نیز بررسی کند.^{۳۶} (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۲۴۵۴، ۱۳۸۲)

^{۳۴}. آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری؛ دادرسی و کیفرخواست، جلد ششم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۱۵۰.

^{۳۵}. ابراهیمی، ابراهیم؛ ص ۹۲.

^{۳۶}. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ جرم شناسی (بازپروای بزهکاران)؛ ص ۲۴۵۴.

اگر محکوم در مرحله تحقیق بازپرسی، تحت ابرزررویش قرار گرفته باشد، ابررواسیون بعدی مکمل ابررواسیون قبلی خواهد بود.^{۳۷} (دانش، تاج زمان، ص ۱۵۶، ۱۳۸۴)

آیا در قانون مجازات اسلامی در مرحله محاکمه تکلیفی در جهت تشکیل پرونده شخصیت وجود دارد؟ لااقل در چهار ماده تشکیل پرونده شخصیت برای تخفیف یا تبدیل یا جلوگیری از تکرار جرم برای قاضی به طور ضمنی تکلیف شده است؛ ماده ۲۲ ق.م.ا ماده ۴۸ مکرر ق.م.ا...، ماده ۷۲۸ ق.م.ا و ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی. پیام ماده ۲۲ ق.م.ا، ترویج سیاست اصلاح و درمان و تناسب مجازات با شخصیت مجرم است، چرا که در آن به سابقه و وضع خاص متهم که فقط یک بعد آن کیفری است اشاره شده است، این مفهوم ابعاد دیگری همچون وضع خانوادگی و ... نیز دارد.^{۳۸} (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۲۳۹۸، ۱۳۸۲)

در ماده ۷۲۸ نیز به خصوصیات مجرم اشاره دارد، یعنی قاضی نباید فقط به عنصر مادی و روانی توجه کند، بلکه باید به خصوصیات دیگری نیز توجه کند که در این ماده بطور ضمنی بر آن تاکید شده است.^{۳۹} (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۱۳۷۶، ۱۳۸۲)

۳- بعد از محاکمه (در جریان اجرای مجازات).

^{۳۷} دانش، تاج زمان، عقل بزهکار کیست روش اصلاح و تربیت او چیست؛ چاپ اول تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶.

^{۳۸} نجفی، ابرندآبادی، علی حسین؛ جرم شناسی (بازپروری بزهکاران)؛ ص ۲۳۹۸.

^{۳۹} نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ جرم شناسی (کلیات)، دوره کارشناسی، ص ۱۳۷۶.

در مرحله اجرای حکم نیز ضرورت تشکیل پرونده شخصیت برای اجرای صحیح مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی وجود دارد. در حقوق ایران تنها در این مرحله، در رابطه با مجازات زندان تشکیل پرونده شخصیت الزامی گردیده است. نهادهایی همچون اعطای آزادی مشروط، اعطای عفو خصوصی و ... از دیگر نهادهایی است که در این مرحله نیازمند تشکیل پرونده شخصیت است. (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ص ۲۴۴۵، ۱۳۸۲)

البته تشکیل پرونده شخصیت به منظور فردی کردن واکنش اجتماعی مصون از انتقادات و ایرادهای حقوقی نمانده است؛ اهم این ایرادات را می توان چنین بر شمرد:

۱- تشکیل پرونده شخصیت مستلزم دخالت در زندگی خصوصی افرادی است که گاه هنوز مجرمیت او به اثبات نرسیده است و این مورد برخلاف اصل برائت می باشد. (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ص ۲۴۴۵، ۱۳۸۲)

۲- گاه تشکیل پرونده شخصیت ابزاری برای قاضی در جهت سرکوب کردن مجرمین می-شود. (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ص ۲۴۴۵، ۱۳۸۲)

۳- پرونده شخصیت یک امر کاملاً ذهنی است، که بخشی از این ذهنیت به حالات روحی و روانی، پیش داوری، حب و بغض کارشناس و ... بستگی دارد.^{۴۰} (نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ص ۲۴۴۵، ۱۳۸۲)

^{۴۰} نجفی ابرندآبادی، جرم شناسی (بازپروری بزهکاران)، ص ۲۴۴۵.

فصل سوم: ارتباط شخصیت و جرم از منظر روانشناسی

۳-۱ مفهوم شخصیت

شاید بتوان شخصیت را اساسی ترین موضوع علم روانشناسی دانست. از دیدگاه ریشه شناسی، گفته شده که شخصیت، الگوی ویژه ی اندیشه ها، احساسات و رفتارهایی است که افراد را از یکدیگر متمایز می کند و در خلال زمان و موقعیت ها ثابت می ماند (فارس^{۴۱}، ص ۲۳۳، ۱۹۹۱).

مجموعه ای از رفتارهای زیستی که پاسخ های ویژه فرد را به محرک های محیطی شکل می دهد و مفهوم آن باید به طور فرضی پذیرفته شود (هایستروم^{۴۲}، ص ۱۳۳، ۲۰۰۳). شخصیت الگویی از رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی متقابل است، بنابراین شخصیت یک فرد، مجموعه راه هایی است که او به طور معمول از طریق آن نسبت به دیگران واکنش نشان می دهد یا با آن تعامل می کند (فرگوسن^{۴۳}، ۲۳۴، ۱۹۷۰). عمق و اهمیت رفتارهای شخصیتی متفاوت است. درونی ترین لایه، حالت پایه ای دارد، در حالی که بیرونی ترین لایه به شرایط وابسته است و برای مثال با خستگی، تحت تاثیر قرار می گیرد. بنابراین یک فرد خسته ممکن است به گونه ای رفتار کند که «من واقعی» او نیست (کتل^{۴۴}، ص ۶۷، ۱۹۵۰).

^{۴۱}. Phares

^{۴۲}. Heinstron

^{۴۳}. Ferguson

^{۴۴}.cattle

بنابراین مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری ظاهری و اجتماعی است که بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می کند، قرار دارد. یعنی در واقع، فرد به اجتماع خود شخصیتی را ارائه می دهد تا جامعه بر اساس آن وی را ارزیابی کند (شاملو، سعید، ص ۵۶، ۱۳۸۲).

۳-۲ معیارهای رفتار بهنجار و نابهنجار

هر جامعه ای معیارهای ویژه با هنجارهایی برای رفتار قابل قبول دارد. رفتاری که بطور مشخصی از این معیارها منحرف شده باشد، رفتار نابهنجار شناخته می شود و هر رفتاری که مورد قبول جامعه باشد، بهنجار است. اگرچه سازگاری با معیارهای اجتماعی و ارزش های فرهنگی برای زندگی اجتماعی لازم و انحراف از آنها بر فرد و جامعه زیان آور است، ولی پذیرش این ملاک مشکلاتی از قبیل نسبی بودن ارزش های فرهنگی از جامعه ای به جامعه دیگر و پایدار نبودن ارزش های فرهنگی - اجتماعی یک جامعه در طول زمان را بوجود می -

آورد. (احمدی و همکاران، ص ۷۶، ۱۳۸۹)

کلمه «رفتار بهنجار» یعنی رفتاری که از لحاظ آماری زیاد دیده می شود و معمولاً رفتار نابهنجار رفتاری است که از لحاظ آماری به صورت کم دیده می شود. بنابراین هر رفتاری که به صورت آماری کم باشد، نابهنجار است. با پذیرش این ملاک این سوال پیش می آید که تکلیف افرادی که بسیار باهوش، بسیار خوشحال، بسیار بزرگ و ... هستند و از لحاظ آماری تعدادشان کم است، چه می شود؟ آیا این افراد نیز جز افراد نابهنجار محسوب می -

شوند؟ (احمدی و همکاران، ص ۷۷، ۱۳۸۹)

بر اساس این ملاک رفتاری نابهنجار تلقی می شود که بر اساس نشانه های بالینی قابل تشخیص باشد. این ملاک به دو دلیل قابل قبول نیست: نخست آنکه در این ملاک فرض بر این است که نبودن نشانه های مرضی دلیلی بر بهنجاری است، با این ملاک افرادی که بیمار هستند، ولی فاقد علائم هستند، سالم تشخیص داده می شوند. دوم آنکه با وجود علامتها و نشانه ها، فرد بیمار و مریض است. در آن صورت تعداد افرادی که فاقد نشانه های مرضی باشند، بسیار کم است. اگر این دیدگاه را ملاک قرار دهیم، تمام افراد و رفتارها نابهنجار خواهد بود. (احمدی و همکاران، ص ۷۷، ۱۳۸۹)

در این ملاک رفتارها و علائم و نشانه ها مورد توجه نیست، بلکه میزان رنج و ناراحتی که فرد تجربه می کند، ملاک تشخیص است. در واقع اکثر مردم نشانه های بیماری و اختلال را دارند و اغلب آنها بیمار یا دارای اختلال تشخیص داده نمی شوند. چون احساس پریشانی و ناراحتی ندارند و افرادی که بیمار روانی شناخته می شوند، به شدت دچار پریشانی هستند، این گونه افراد مضطرب، افسرده و ... هستند و توانایی سازش و سازگاری با خواسته های خود و محیط را ندارند. (احمدی و همکاران، ص ۷۸، ۱۳۸۹)

از لحاظ حقوقی، رفتار نابهنجار مبتنی است بر ناتوانی شخص در قضاوت بین درست و نادرست، با توانایی وی در کنترل رفتار خود که بر اساس آن شخص دیوانه اعلام می شود. این ملاک از سایر ملاک ها اعتبار تشخیص کمتری دارد و در روان شناسی مرضی بکار برده نمی شود. (احمدی و همکاران، ص ۷۸، ۱۳۸۹)

۳-۳ نظریه زیست‌شناسی

وراثت به عنوان یک پدیده قابل تامل جایگاهی کهن در تاریخ دارد و از قدیم مورد توجه فلاسفه یونان و تفکرات ادیان بوده است. اما وجه علمی آن از زمانی آشکار شد که متفکری در عالم خلقت در باغچه کوچک کلیسا قوانین وراثت را کشف کرد و تحقیقات او موجب شد تا بعداً جایگاه خصوصیات وراثتی را در ژن‌های کروموزوم‌های هسته یاخته آشکار شود و نقش وراثت در رفتارهای اجتماعی و فردی مشخص گردد و مطالعات آماری دوقلوها و نقش اختلالات کروموزوم‌ها بازگو کننده کاملاً آشکاری از تاثیرات وراثت بر ارتکاب جرم می باشند.

اختلالات کروموزومی قادر به جهت دادن رفتار به بزهکاری هستند. (نوربها، رضا، ص ۷۷-۱۲۳، ۱۳۷۳)

۳-۴ نظریه روان‌شناسی

بسیاری از روان‌شناسان علل رفتار جنایی را بر حسب نقص شخصیت مجرم توجیه می کنند. آنان بر این باورند که برخی از گونه‌های شخصیت بیشتر از گونه‌های دیگر گرایش به تبهکاری و ارتکاب جرم دارند و در واقع آنان رفتار جنایی را بیش از آنکه به ژن‌های غیرعادی نسبت دهند به تجربه‌های نابهنجار دوران کودکی که معلول روابط ناسالم بین فرد و محیط اجتماعی است، می دانند. (پارسا، محمد، ص ۹۶، ۱۳۷۲)

روانشناسان اظهار می دارند روان مغشوش و گرفتار موجب انحراف می گردد. یکی از دانشمندان می نویسد: تحقیقات علمی در زمینه روان مجرمین نشان می دهد که بسیاری از بزهکاران که از کمبود هوش و فقدان ساختمان روانی، استقرار یافته رنج می برند. ممکن است در میان مجرمین افرادی باهوش نیز دیده شود اما اختلالات هوشی را در قالب بزهکاران می توان دید و اختلالات روانی زمینه های مساعدی را برای تشکیل شخصیت مجرمانه بوجود می آورند.. (پارسا، محمد، ص ۹۶، ۱۳۷۲)

کین برگ یکی از در کتاب خود به نام «چگونه مجرم می شوند» تحلیل های متعددی از عقاید فروید کرده که به اختصار بیان می گردد (پارسا، محمد، ص ۹۶، ۱۳۷۲):

۱. جرم عکس العملی است علیه اضطراب، اضطراب نورو تیک یکی از بیماری های روانی است که بسیار فراوان دیده می شود. از انواع این اضطراب می توان «ناایمنی» را ذکر کرد که اساس دفاع «من» را در قبال ترس ناشی از آن ایجاد می کند مثلاً در برخی از شرایط وجود دیگری را مغل «ایمنی» خود می داند و نگران از حضور این ناایمنی سعی می کند که از آن بگریزد و یا آن را از بین ببرد، برداشتن مانع اغلب به شکل جرم بروز می کند. (پارسا، محمد، ص ۹۷، ۱۳۷۲)

۲. جرم علامتی از ضعف و عدم انضباط و یا ناپختگی «من» است فردی که نتوانسته و یا امکان نیافته تا بتواند تعادل بین نهاد و فرامن را ایجاد می کند. به عبارت دیگر «من» او هام

است و نمی تواند با اجتماع خویش توافق و همسازی داشته باشد و لذا گاه به علت این

نارسایی «من» با ارتکاب جرم مساله خود را حل می کند. (پارسا، محمد، ص ۹۷، ۱۳۷۲)

۳. جرم علامتی از ضعف «فرامن» یا ناپختگی و عدم انضباط آن است. همیشه نمی توان

گفت که ناپختگی «من» موجب بروز جرم می شود بلکه اگر مقررات، دستورات و قوانین

دچار اشکال باشند و یا بر طبق اصول صحیح و منطبق با آداب و رسوم تاریخی و سنتهای

یک قوم تدویم نگردند و یا قانون به نحو ظالمانه با مردم برخورد کند امکان دارد که با

ارتکاب جرم علیه این مقررات اقدام به عمل آید. (عناصر شخصیت از دیدگاه فروید ۱. من

۲. خود ۳. فرا خود) (پارسا، محمد، ص ۹۷، ۱۳۷۲)

۳-۵ تعریف رفتار بهنجار و نابهنجار

واژه «نابهنجار» اصولاً به معنی «دور بودن از طبیعی» است. بنابراین انحراف از بعضی معیارها

را شامل می شود. درباره اختلال های جسمی می توان با استمداد از علم پزشکی و ابزارهای

پیشرفته و فنون دقیق مرز مشخصی بین بهنجاری و نابهنجاری ترسیم نمود، در عین حال

افرادی وجود دارند که در برابر مشکلات تسلیم شده اند و دیگر نمی توانند شخصا از عهده

کارها بر آیند و نیز افرادی وجود دارند که سبک زندگی آنها را بر مدار خودویرانگری می

چرخد. این افراد و رفتارشان به عنوان نابهنجار نامگذاری شده و از افراد و رفتار بهنجار جدا

شده است. اما تعیین مرز مشخص بین بهنجار و نابهنجار با وجود ملاکهای متعددی که وجود

دارد. (حسینی، ابوالقاسم، ص ۸۸، ۱۳۵۹)

۳-۶ کیفیت تشکیل و تکوین شخصیت

هویت اجتماعی و شخصیت هر شخص در جامعه، در کنش متقابل اجتماعی یعنی در نتیجه ی تماس با اشخاص دیگر در گروه های اجتماعی به تدریج تکوین می یابد و رو به رشد می رود، در طی زمان در محیط فرهنگی، اجتماعی و زیستی تحقق می یابد، و این جریان تحت تاثیر ده ها پدیده ی فرهنگی صورت می گیرد، و هر یک از آن ها در رفتار و عاطفه ی او ظاهر می شود. این پدیده های فرهنگی متنوع اند، مانند هنرها، ادبیات عامیانه، ارزش ها و عقاید مذهبی و تقالید ملی و بسیاری از آداب و رسوم و عادات اجتماعی و فرهنگ مادی، که هر یک در تکوین و تشکیل شخصیت اجتماعی شخص تاثیر مثبت می گذارد. این پدیده های فرهنگی همواره در سراسر زندگی شخص باعث رشد شخصیت می شوند (اتوکلاین برگر^{۴۵}، ص ۲۱۷، ۱۳۶۲).

«اوسی پوف» جامعه شناس روسی گفته است: (ویژگی اساس شخصیت این است که آن خود زائیده ی روابط اجتماعی و آموزش است و در عین حال، خود انسان نیز نیروی است که به استقرار این روابط و اشکال مختلف آموزش کمک می کند). به عبارت دیگر، فرد در جریان عمل متقابل با دیگران دارای شخصیت می شوند، عکس العمل های دیگران نسبت به کارهایی که فرد می کند، پیوسته در پرورش شخصیت تاثیر می گذارد (اوسی پوف، ص ۱۱۷، ۱۳۵۸).

^{۴۵}. Anklayn Berger

۳-۲ عوامل های اختلاف در شخصیت ها

در یک جامعه که دارای یک نوع فرهنگ است، با این که فرهنگ در تشکیل شخصیت های افراد آن عامل بسیار مهمی شمرده می شود، افراد آن دارای شخصیت های مختلفی از نظر تیپ و سنخ هستند بنابراین در مقابل عاملیت فرهنگ جامعه، عامل های دیگری نیز وجود دارند، که ایجاد کننده ی اختلاف در شخصیت هستند. به ترتیب مهم ترین این عامل ها، اختلاف طبقات اجتماعی، شغل و حرفه ها و خرده فرهنگ ها را می توان شمرد. (مظلومان، رضا، ص ۱۸۴، ۱۳۵۵)

۳-۲-۱ اختلاف طبقاتی

چنان که در جامعه شناسی بیان شده، هر جامعه ای به طور کلی به دو گروه اجتماعی وسیع، و به قول جامعه شناسان دو طبقه ی مقابل هم تقسیم می شود، که افراد هر یک از آن ها در غالب ویژگی های مادی و معنوی زندگی با یکدیگر اختلاف دارند، حتی در پدیده های فرهنگ معنوی با هم متفاوت هستند. به همین تقابل ها (اختلاف طبقاتی) گفته می شود. این اختلاف در زندگی طبقاتی یکی از عامل های عمده ی ایجاد کننده ی اختلاف در شخصیت هاست. افراد طبقه ی مرفه، مانند صاحبان ثروت و مقام، مالکان سابق، سرمایه داران و حکمرایان از نظر علائم ظاهری دارای شخصیت خودخواه، راحت طلب، متکبر، ریاکار، بی رحم و تقریباً فاقد عواطف مهرآمیز و دیگر دوست هستند اما افراد طبقه ی مقابل یعنی زحمتکشان و فرودستان، که اغلب مورد استثمار طبقه ی مرفه هستند، دارای شخصیت

نامتعادل، زبون، شکبیا و مقاوم، اما در نهان نسبت به طبقه ی مقابل ستیزه جو هستند. (مظلومان، رضا، ص ۱۸۴، ۱۳۵۵)

۳-۷-۲ شغل و حرفه ها

شغل و حرفه ها در جامعه مختلف هستند، بعضی شغل ها مانند قضاوت، معلمی، استادی، رهبری اخلاقی و مذهبی و مانند آن ها با ارزش اند، از این رو شخصیت صاحبان آن ها در نظر افراد جامعه والا و محترم است و نیز برای نمونه حرفه های پزشکی، شاعری و هنرها در جامعه موجب می شوند که، صاحبانشان دارای رفتار و کردار و منش و تیپ فرهیخته باشند. اما بعضی شغل ها که در بعضی جامعه ها- به غلط- پست تلقی شده اند، چنین تلقی ها و برداشت ها در شخصیت صاحبان خود تاثیر منفی می گذارد و در نتیجه، خود به خود موجب می شوند که چنان شخصیت هایی دارای عاطفه و رفتار و گفتار خاصی باشند. (مظلومان، رضا، ص ۱۸۵، ۱۳۵۵)

۳-۷-۳ خرده فرهنگ ها

واژه ی علمی فرهنگ، به معنای همه ی دست آوردهای انسان در زندگی اجتماعی است- اعم از فرهنگ مادی (دست ساخت های مادی انسان مانند مصنوعات و مخترعات و ماشین آلات و ابزارهای مختلف زندگی) و فرهنگ معنوی (افکار و عقاید، علوم و هنرها، ادبیات و اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی و ...) فرهنگ ملی معنوی یک جامعه بر دو گونه است: یکی فرهنگ عام، که همه ی اقشار جامعه از آن پیروی می کنند، مانند اخلاق عمومی و

آداب کلی ملی و دیگری فرهنگ های خاص که آن فرهنگ های معنوی ویژه ای دارند.

این فرهنگ های ویژه اقلیت ها، تیپ ها و گروه های اجتماعی (خرده فرهنگ) نامیده می شوند. مانند فرهنگ خاص عرف زنان، معلمان، ارتشیان، بلوچیان و آرامنه، شاعران، بازاریان و ... این خرده فرهنگ ها در متن یک جامعه از عامل های ایجاد کننده ی اختلاف در شخصیت ها هستند، از این رو شخصیت تیپ (معلم) با تیپ شخصیت مثلا (پرستار) مختلف است. شخصیت فرد پیرو فلان مذهب یا شخصیت بهمان فرد پیرو مذهب دیگر متفاوت است این اختلاف شخصیت های افراد یک جامعه، سبب بروز رفتارها، کردارها و عاطفه ی متفاوت و گوناگون در جامعه می شود. این اختلافات امر اختیاری نیست، بلکه خاصیت زندگی اجتماعی است که در تحول و تکامل جامعه تاثیر دارد، البته وجود قانون و مقررات کلی در جامعه جلوی بروز و تشدید آن اختلافات را می گیرد و میان همه تعادل و هماهنگی برقرار می کند. چنان چه ملاحظه می شود، همه ی عامل های اختلاف ها در منش و شخصیت افراد در جامعه به اختلاف فرهنگ ها بر می گردد. اگرچه شرایط محیط جغرافیایی و نوع معیشت نیز موثر است، از این رو در این باره صاحب نظران گفته اند:

شخصیت فرد که در چهارچوب فرهنگی پرورش می یابد، رفتاری در خود آن فرهنگ از خود ظاهر می کند فرهنگ های مختلف مانند چین، انگلیس، ایتالیا و هند شخصیت هایی با اختلافات بارز پدید می آورند (اتوکلاین برگر، ص ۷۸، ۱۳۶۲).

۳-۸ رابطه اختلال شخصیت ضد اجتماعی با جرم

یکی از نابهنجاری های روانی شایع در انسان اختلال های شخصیت، است. اختلال شخصیت، عبارت است از سبک های رفتاری و الگوی رفتاری با دوام سازگارانه و انعطاف ناپذیر نسبت به دریافت و تفکر درباره ی محیط و خویشتن. اختلال های شخصیت، دسته ای از اختلال های روانی هستند که با جرم ارتباط دارند. تحقیقات انجام شده، حاکی از ارتباط اختلال شخصیت با انواع جرایم است به طوری که طبق گزارش ارونن، هاگولا، و تیهانن^{۴۶} (۱۹۹۶) احتمال ارتکاب به قتل، وقتی که فرد، مبتلا به شخصیت ضد اجتماعی است در مردان ۱۰ برابر و در زنان ۵۰ برابر افزایش می یابد. (ارونن، هاگولا، و تیهانن، ص ۴۸۶، ۱۹۹۶) نتایج نشان داد که فراوانی اختلال های شخصیت اجتنابی خود شیفته، ضد اجتماعی، پرخاشگر، خود آزار، منفعل، پرخاشگر و خود مغلوبی بیشتر از سایر اختلال ها است.

گرایش به رفتارهای بزهکارانه در بین افراد مبتلا به اختلال شخصیت ضد اجتماعی بیش از دیگران است. این افراد از نظر روانی افرادی می باشند که گرایشهای خود آزاری خویش را بیرون کرده و متوجه دیگران می سازند. این افراد سوء ظن و بدبینی شدیدی نسبت به دیگران احساس کرده و و معتقدند مردم مستحق رنجها و ناراحتی ها و مشکلاتی می باشند که با آنها مواجه اند. (هدایت الله میرزایی، ستوده، ص ۳۱۴، ۱۳۸۱)

آنها دنیا را به عنوان جای پر خطر ادراک می کنند و احساس تنهایی دارند.

^{۴۶}. Eronen- Hakola & Tiilhonon.

در افرادی که مبتلا به جنون جوانی هستند و به اصطلاح علم روان شناسی مبتلا به اختلالات شخصیتی به نام اسکیزوفرنی می باشند نیز گرایش به بزهکاری بیشتر از افراد بهنجار است).

هدایت الله میرزایی، ستوده، ص ۳۱۴، ۱۳۸۱)

این افراد در مقایسه با سایر افراد دچار بیشترین پریشانی هستند اینها گم گشته مضطرب، غیرمنطقی و پرخاشگر می باشند که بسیاری از آنها نیازمند درمان روانی می باشند. (هدایت

الله میرزایی، ستوده، ص ۳۱۴، ۱۳۸۱)

۳-۹ سبب شناسی شخصیت ضد اجتماعی

۳-۹-۱ ژنتیک

نقش ژنتیک در علل رفتاری غیر عادی و نابهنجاری های روانی: فرهنگ لیزه وراثت را چنین تعریف می کند: «شرایطی که باعث می شود حالات جسمانی و نفسانی از پدر و مادر به اولاد انتقال یابد، وراثت نام دارد.» به نظر ریو وراثت قانونی از حیات شناسی است که تمام موجودات زنده در پرتو آن در اعقاب خود تکرار می شوند. (محمد، ثریا، مرادی و قاسمی،

ص ۴-۵، ۱۳۸۹)

به عقیده دکتر آرام، مقصود از توارث بررسی شباهت های موجود بین خویشان و نزدیکان مخصوصاً والدین و فرزندان است. هر فردی از طریق سلولهای تناسلی نر و ماده (اسپرماتوزوئید و اوول) با پدر و مادر خود مربوط است و هیچ رابطه مستقیم دیگری بین آنها موجود نیست، به طوری که می توان گفت شباهت یا مجموعه خواصی که از پدر و مادر به

فرزندان داده می شود توسط همین سلولها انتقال می یابد. (محمد، ثریا، مرادی و قاسمی، ص ۴-۵، ۱۳۸۹)

به طور کلی هر موجود زنده از نظر ساختمان عمومی، شباهت زیادی به پدر و مادر خود دارد و به علاوه خیلی از خواص ظاهری و فیزیولوژیکی مشترک بین افراد مختلف یک گونه یا یک نژاد دیده می شود. مثلاً شباهت هایی در بزرگی یا کوچکی هیکل، رنگ پوست بدن یا رنگ مو، مقاومت در برابر برخی بیماری ها و حساسیت در مقابل بعضی دیگر افراد مختلف یک گونه دیده می شود. شباهت ممکن است حتی بیش از این باشد و در خواص کوچکتری مانند رنگ چشم، معجد یا صاف بودن مو و غیره هم مشاهده شود. اغلب می توان از روی شباهت ظاهری ارتباط خانوادگی دو نفر را تشخیص داد. (محمد، ثریا، مرادی و قاسمی، ص ۴-۵، ۱۳۸۹)

مطالعات وسیعی برای پی بردن به چگونگی انتقال بیماری ها از نسلی به نسل دیگر انجام شده است. به خصوص با پیشرفت صنعت و اختراع میکروسکوپ های قوی و شناخت بهتر و دقیق تر ژنها، متخصصین هر روزه بیشتر متوجه تظاهرات مسائل ارثی در افراد شده اند، به طوری که یک رشته تخصصی به نام «ژنتیک» به رشته های مختلف علوم افزوده شده است. اصول ژنتیک و چگونگی انتقال خصوصیات ارثی برای مدتی طوری نظر دانشمندان را به خود معطوف داشت که در اثبات اصول ژنتیک و تاثیر ارث، چون هر مسئله تازه کشف شده دیگر عده ای از دانشمندان و محققین به افراط رفتند، به حدی که همه بیماری های روانی و

رفتارهای غیرعادی را به عامل ژنتیک نسبت می دادند ولی اکنون با وجود اینکه نقش اساسی ژنتیک در بعضی از اختلالات رفتاری به خوبی شناخته شده، دانشمندان «ژنتیک» را فقط یکی از عوامل متعدد بیماری های روانی و اختلالات رفتاری می دانند. (محمد، ثریا، مرادی و قاسمی، ص ۴-۵، ۱۳۸۹)

۳-۹-۲ فشارهای اجتماعی

در جوامع بشری معمولاً انواع فشارها وجود دارد نظیر بیماری، گرانی، درگیری با افراد مختلف، تصادف وسایل نقلیه و غیره و باید دانست که هر چه مدت یک فشار اجتماعی بیشتر باشد شدت و سنگینی آن بیشتر است و ممکن است در پایان یا بالاخره باعث ارتکاب جرم تحت شرایط خاصی گردد مثل یک بیماری اگر به مدت طولانی ادامه یابد نظیر بیماری های مزمن باعث از بین رفتن یا تقلیل درآمد خانوادگی و به تحلیل رفتن نیروی جسمی فرد می گردد حال اگر این فرد بیمار دارای اعتقادات محکم یا تربیت صحیح خانوادگی نباشد ممکن است برای جبران مافات به ارتکاب جرم دست زند. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۲۴۳، ۱۳۸۷)

از جمله بیماری ها گاهی در ارتکاب جرم موثرند: نقائص جسمانی می شود نام برد. مثل کوری، شلی، کری و انواع یا نقائص روانی هم در این مورد قابل ذکر است مثل عقب افتادگی ذهنی، انواع بیماری های روانی نظیر جنون ادواری یا روان پریشی و غیره ولی همین نقائص جسمانی یا روانی اگر در افرادی باشد که دارای تربیت صحیح خانوادگی باشد نه

تنها باعث ارتکاب جرم نگردیده بلکه غالباً موجبات اعتلای شخصیت آنها را فراهم ساخته
نوابغ بسیاری در تاریخ اسمشان آمده که دارای یک نقص جسمی بوده اند. (شامبیاتی،
هوشنگ، ص ۲۴۳، ۱۳۸۷)

در مقابل افراد ظالمی بودند یا جانی که دارای نقائص جسمانی و دارای عقده اجتماعی و
دست به جنایات بزرگی زدند که در تاریخ معروف است که از توضیح بیشتر خودداری می
شود.. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۲۴۳، ۱۳۸۷)

گفتیم که یک فشار اجتماعی بر اثر طولانی شدن ممکن است برخی افراد را که دارای
عوامل بازدارنده نیستند به انحراف کشاند همچنین است وقتی که فشارهای اجتماعی متعدد
باشند که در این صورت سنگینی بیشتری بر فرد مبتلا وارد می سازند. (شامبیاتی، هوشنگ،
ص ۲۴۴، ۱۳۸۷) مثال اگر یک نفر که بیماری کوچک دارد و در حال رفتن به نزد پزشک یا
پس از برگشتن دچار تصادف با یک وسیله نقلیه گردد فشار وارده بر وی دو برابر خواهد
شد و هرگاه پس از رسیدن به خانه متوجه سرقت، آتش سوزی منزل شود طبعاً فشار بیشتری
باید تحمل کند و اگر از عوامل بازدارنده که ذکر شد بهره ای نداشته باشد، طبعاً مستهلک
شده و به کارهای خطرناک یا مجرمانه دست خواهد زد.. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۲۴۴،
۱۳۸۷)

گفتیم که در زندگی فشارهای مختلف اجتماعی وجود دارد این فشارها غالباً بر سه قسم
است:

۱- فشارهای روانی مثل بدهکاری و یا ناراحتی های ناشی از عقب افتادگی و غیره.

۲- فشارهای جسمی مثل بیماری های مختلف.

۳- فشارهای ناشی از مسائل اجتماعی و خارجی نظیر تصادف با اتومبیل - درگیری با

دیگران - سقوط از بلندی و نظایر اینها. (شامبیاتی، هوشنگ، ص ۲۴۵، ۱۳۸۷)

۳-۱۰ تاثیر و نقش عوامل در شخصیت افراد بزهکار

۳-۱۰-۱ تاثیر عوامل ارثی در شخصیت افراد مجرم

در مورد تاثیر توارث و قیافه و اندام ارتکاب جرم کسی که بیشترین مصالحه را کرده و

عقاید محکمی در این مورد ابراز داشته است دکتر سزاوار لمبروزو است که مجرمین را به

انسان های اولیه و حیوانات و اطفال مقایسه کرده.. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی،

ص ۷۵، ۱۳۷۷)

ولی شایان ذکر است امروزه با پیشرفت علم پزشکی و روان پزشکی ثابت شده لمبروزو در

عقاید خود اشتباهاتی داشته و تاثیر ارث به آن شدت که او گفته نمی باشد بلکه آنچه بیشتر

در ارتکاب جرم موثر است محیط اجتماعی است که فرد اطبای این محیط هم خانواده هم

است که هسته اولیه اجتماعات را تشکیل می دهد. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی،

ص ۷۶، ۱۳۷۷) اولاً آمارهایی که برای اثبات تاثیر وراثت در ارتکاب جرم فرزندان تهیه شده

و می شود از تعداد معدودی گرفته شده نه از تمام مردم. ثانیاً اغلب اوقات کسانی که مورد

پرسش قرار می گیرند از بیان حقایق تفره رفته و آنچه دلخواه خودشان است در مورد اجدادشان بیان کرده که غالباً ممکن است دروغ باشد. ثالثاً عده کثیری از افراد احتمالاً از سوابق مربوط به اجداد خود به خوبی بی اطلاع هستند و آنچه صرفاً حدسیات شخصی خود آنها است. رابعاً اینگونه آمارها چون در نقاط مختلف و در دوره‌های متفاوت گرفته می شود اصلاً با یکدیگر به کلی فرق داشته و مغایر می باشد. (بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۶، ۱۳۷۷)

بنابراین به هیچ وجه نباید به آمارهایی که مورد تایید توارث در ارتکاب جرم ارائه شده توجه نمود.

تاثیر تغذیه مادر و یا عدم رعایت بهداشت و مادران در حاملگی و زایمان.

می دانیم که عدم رعایت بهداشت قبل از تولد طفل و یا بهنگام تولد طفل موجب بروز بیماری های گوناگون در وی می گردد که برخی از آنها در ارتکاب جرم موثر است.

۱- دوران بارداری انواع مصونیهای ناشی از میکروب نظیر سل، سفلیس، سرخک، سرخجه و یا مصونیت های جسمانی ناشی از مواد مخدر در زنان حامله اگر همیشه از راه خون و جفت به جنین آنها منتقل شود و گاهی سبب نارسائی رشد جنین و یا برخی از اندام ها می گردد نظیر آتورفی دست و پا و نیز کری و کوری مادرزاد و یا شکاف لب و بینی.. (بکاریا، سزار،

ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۷، ۱۳۷۷)

گاهی نیز ممکن است اعتیادات پدر و مادر و لقاح در هنگام مستی موجب بروز اختلافات روانی در کودک باشد و این مسائل امروزه از طریق تحقیقات که در کشورهای پیشرفته انجام شده کاملاً به اثبات رسیده است شایات ذکر است که درمان هایی که با اشعه ایکس یا لیزر انجام می شود (مخصوصاً قبل از شش ماهگی جنین) و یا ضربه های وارده به شکم یک زن حامله و یا اقدام به سقط جنین ناموفق ... اثرات بدی در وضع جسمانی یا روانی طفل خواهد گذاشت که گاهی باعث عقب افتادگی ذهنی او می شود..(بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۸، ۱۳۷۷)

همچنین سوء تغذیه مادر مخصوصاً کمبود کلسیم و فسفات ویتامین B و C و D در هنگام حاملگی مادر باعث نقائصی در رشد جنین خواهد بود و نیز داروهای مسکن مخصوصاً آنتی بیوتیک اگر قبل از ۶ ماهگی جنین مصرف شود تاثیر بدی در وی گذاشته و ممکن است به کلی ناقص الخلقه (جنین) متولد شود.(بکاریا، سزار، ترجمه محمدعلی اردبیلی، ص ۷۶-۷۸، ۱۳۷۷)

۳-۱۰-۲ تاثیر عوامل فردی بر شخصیت افراد بزهکار

اعمال انسان واکنش های فردی است که دارای یک ساختار شخصیتی معین و متأثر از عوامل درونی و بیرونی می باشد. به عبارت دیگر انسان موجودی است متأثر از سه جسم، روان و اجتماع و رفتارها و هنجارهای او تبلور این عناصر است. بنابراین، پدیده بزهکاری به مثابه یک عمل انسانی معلول عللی است که ریشه های آن را در شخصیت روانی،

خصوصیات جسمانی و یا محیط زندگی وی باید جستجو گردد. عوامل فردی مجموعه ای از عوامل هستند که در ارتباط با ویژگی ها و خصوصیات انسان بوده و از شخص وی وجود دارد و این تمایلات ممکن است ارثی یا اکتسابی باشند. بنابراین می توان گفت که شخصیت افراد از دو گروه صفات تشکیل می گردد، گروه اول، مجموعه خصوصیات و ویژگی های موروثی هستند که در زمان تولد در فرد وجود دارند و به آن خصوصیات مادرزادی، غریزی یا فطری می گویند و گروه دیگر صفاتی هستند که بعد از تولد در جریان زندگی و در اثر برخورد با محیط بدست می آیند مانند: اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی و ... واکنش انسان متناسب با ساختار شخصیتی وی و ریشه در عوامل درونی و محیط بیرونی و تاثیرات آنها دارد. ریشه اصلی رفتارهای جنایی را باید در کل زندگی اجتماعی و نوع خاص روابط انسانی جستجو کرد. مطالعه و تحقیق در پیرامون علل و انگیزه های آشکار و پنهانی که مجرم را به ارتکاب جرم وا می دارد، امری ضروری است این علل و انگیزه ها از روان ناخودآگاه مجرم نشات گرفته و بایستی به بررسی تجارب دوران کودکی و شرایط محیطی و شیوه اجتماعی شدن و خصوصیات ساختاری خانواده ای که در آن رشد نموده و تربیت یافته است، پرداخت و نیز تاثیر این عوامل را در ارتکاب جرم و درجه مسئولیت پذیری مجرم در جهت مجازات یا اصلاح و درمان او تعیین نمود. (کیوانی، مجید، علوم انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۳، ۱۳۹۲)

۳-۱۰-۳ تاثیر هوش بر شخصیت افراد بزهکار

هوش به توانایی فهم هیجانات فرد و سپس تعمیم آنها به فهم هیجانات دیگران و رشد همدلی اشاره دارد (هامپسون^{۴۷}، ص ۳۱۴، ۲۰۱۲). هوش در زندگی آثار بسیار زیادی را به دنبال دارد به طوری که این طرفین موجب انعطاف پذیری، توانایی حل مشکلات و مقابله موثر با استرس ها می شود (گلنن، ص ۱۰۰، ۱۹۹۹). سطوح بالایی این توانایی با نشاط، سلامتی، بهزیستی، عملکرد تحصیلی و شغلی خوب و سازگاری با تغییرات (کولتر^{۴۸} و همکاران، ۲۰۰۷ به نقل از ماسکت و سورنسن^{۴۹}، ص ۴۳، ۲۰۱۲) و سطوح پایین آن با انواع بیماری های روانی شامل افسردگی، اختلال شخصیت و غیره همراه است (گریول^{۵۰} و سالوی، ۲۰۰۶، به نقل از ماسکت و سورنسن، ص ۱۱۳، ۲۰۱۲).

نتایج به دست آمده از آزمایش و تحقیقات انجام از تفاوت معناداری هوش افراد عادی و مجرمان است. ثانیاً، در مولفه های پنجگانه هوش یعنی در مهارت های خودآگاهی، خود کنترلی و مهارت اجتماعی، خودانگیزی و همدلی نیز افراد عادی میانگین بالاتری از مجرمان داشته و این تفاوت معنادار است به طوری که می توان گفت افراد عادی دارای هوش (خود آگاهی، خود کنترلی و مهارت اجتماعی، خودانگیزی و همدلی) بالاتری از مجرمان می باشند. (اکرامی، یاسمین، ص ۴، ۱۳۸۰)

^{۴۷}. Hampson.

^{۴۸}. Qualter et al.

^{۴۹}. Moskat and Sorensen.

^{۵۰}. Grewal.

چنین بررسی هایی می تواند برای برنامه ریزان پیشگیری از جرم مفید واقع شود. با این حال در زمین نقش و تاثیر هوش در پیشگیری از بروز جرایم، رابطه آن با جرم و تفاوت میزان آن بر حسب جرایم نیاز به مطالعات علمی بیشتری دارد. (اکرامی، یاسمین، ص ۶، ۱۳۸۰)

هیس و ریلی (۲۰۰۷) در بررسی خود روی سه گروه مجرم، بیمار روانی و کنترل با فراوانی ۵۵، ۲۰ و ۳۳ نفر دریافتند که میانگین کلی هوش در گروه کنترل (۹۷/۳۳) بیشتر از دو گروه دیگر بوده است. میانگین هوش بیماران روانی (۸۵/۱۵) از گروه مجرم (۸۷/۷۰) کمتر بوده ولی در کل این تفاوت معنادار نبوده است و تفاوت های معناداری در زمینه ابعاد هوش بین گروه های مختلف دیده شد به طوری که می توان گفت گروه مجرم و بیماران روانی به طور معناداری میانگین هوش پایین تری از گروه کنترل داشته اند، علاوه بر آن، در ابعاد انعطاف پذیری، مدیریت هیجانات و بیانات گروه مجرم و بیماران روانی به طور معناداری پایین تر از گروه کنترل بوده و در درک هیجانات گروه مجرم به طور معناداری از گروه کنترل پایین تر ولی تفاوتی بین بیماران و گروه کنترل مشاهده نشد. (اکرامی، یاسمین، ص ۶، ۱۳۸۰)

در پژوهش های داخلی نیز مجرمان مورد کنکاش قرار گرفته اند به طوری که صابر به طوری که نیلسون و لاو^{۵۱} (۲۰۰۳) هوش را نقطه تلاقی توانایی ها و مهارت های پیشرفته در شناخت دقیق خود و نقاط قوت و ضعف شخصی با ایجاد تداوم روابط سالم، کار مفید و

^{۵۱}. Nelson and Low.

تربخش با سایر افراد و برخورد موثر با استرس در زندگی می دانند. از طرفی باید گفت هوش هیجانی یک دسته از توانایی ها و مهارت های غیرشناختی است که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارهای محیطی افزایش می دهد. (اکرامی، یاسمین، ص ۱۲، ۱۳۸۰)

در رابطه هوش با بروز جرایم نیز تحقیقاتی انجام شده است که نشان می دهد در بسیاری از آنها به نقش هوش در ارتکاب جرم تاثیر دارد برای مثال برخی اجتماعی (مک گیور^{۵۲}، ۲۰۰۵)، همدلی (کریچ و بکر^{۵۳}، ۲۰۰۷)، شایستگی اجتماعی (بروگرون و والینت^{۵۴}، ۲۰۰۱) انعطاف پذیری (ساتکر و همکاران^{۵۵}، ۱۹۸۳)، کنترل تکانه (استرابر و همکاران^{۵۶}، ۲۰۰۸) خود تنظیمی (مارتین^{۵۷}، ۱۹۸۲)، با دیگران متفاوت بوده و هوش هیجانی با شخصیت مجرمان و تفکر جنایی (اگن^{۵۸}، ۲۰۰۰؛ گی^{۵۹}، ۲۰۰۵ و بالتن و همکاران، ۲۰۰۹) وابسته است (به نقل از مک ریه^{۶۰}، ۲۰۱۳). مطالعات دیگر نشان می دهد هوش با پرخاشگری و انواع جرم رابطه منفی و معناداری دارد (ماسکت و سورنسون، ۲۰۱۲). لذا بررسی هوش در بین مجرمان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و می تواند در حوزه روان شناسی به ویژه روان شناسی جرم

^{۵۲}. Mc Guire.

^{۵۳}. Kirsch and Becker.

^{۵۴}. Bergeron and Valliant.

^{۵۵}. Sutker and et al.

^{۵۶}. Struber and et al.

^{۵۷}. Martin.

^{۵۸}. Egan and et el.

^{۵۹}. Geyer.

^{۶۰}. Megreya.

و تشخیص شخصیت مجرم و ارائه راهکارهای اصلاحی راهگشا باشد. (اکرامی، یاسمین،

ص ۱۵، ۱۳۸۰)

بنابراین با بررسی ها موجود در این فصل و عوامل های موثر بر شخصیت افراد بزهکار و با

توجه به نظریات روانشناسی و زیستی مشخص می شود افراد با داشتن این خصایل از اینکه

دست به ارتکاب جرم بزند وجود دارد. پس از منظر روانشناسی نیز شخصیت با جرم ارتباط

مستقیمی دارد.

فصل چهارم: ارتباط شخصیت و جرم از دیدگاه فقهی

۴-۱ نقش شخصیت در ارتکاب جرم از منظر فقه

اصطلاحی را که می توان به عنوان معادل شخصیت با جستجو و کنکاش در منابع اسلامی

یافت واژه شاکله است . در سوره اسراء آیه ۸۴ آمده است:

«قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»

«بگو هر کسی بر شاکله (ساختار روانی و بدنی) خویش عمل می کند و خدای شما به کسی که راهش از هدایت بیشتری برخوردار است داناتر است.»

شاکله از دیدگاه علامه طباطبائی می فرماید: "شاکله" - به طوری که در مفردات گفته - از ماده شکل می باشد که به معنای بستن پای چارپا است، و آن طنابی را که با آن پای حیوان را می بندند "شکال" (به کسر شین) می گویند، و "شاکله" به معنای خوی و اخلاق است، و اگر خلق و خوی را شاکله خوانده اند بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می کند و نمی گذارد در آنچه می خواهد آزاد باشد، بلکه او را وادار می سازد تا به مقتضا و طبق آن اخلاق رفتار کند (مفردات راغب، ماده "شکل"). (مجمع البیان، ج ۴، جزء ۱۵، ص ۹۰).

و در مجمع البیان گفته است: "شاکله" به معنای طریقت و مذهب است وقتی گفته می شود: این طریق دارای شاکله ها است معنایش این است که "هر جمیعی از آن راه دیگری برای خود جدا کرده اند." گویا "طریقه" و "مذهب" را از این جهت "شاکله" خوانده اند که رهروان و منسوبین به آن دو خود را ملتزم می دانند که از آن راه منحرف نشوند. (مجمع البیان، ج ۴، جزء ۱۵، ص ۹۰).

بعضی دیگر گفته اند که "شاکله" از شکل (به فتحه شین) است که به معنای مثل و مانند است، بعضی دیگر گفته اند: این کلمه از شکل (به کسر شین) گرفته شده که به معنای هیات و فرم است.

استنباطی که از این آیه می شود این است که منشا اعمال آدمی شاکله اوست . در حال اگر بخواهیم تعریف دقیق و تا حدودی خالی از اشکال از شاکله یا همان شخصیت ارائه دهیم می توانیم به این تعریف بسنده کنیم:

«شاکله عبارت است از ساخت و هیئت واحد روانی انسان که در اثر تعامل وراثت، محیط و اختیار شکل گرفته است به گونه ای که محرک ها محیطی را منطبق با خود تفسیر کرده و در مقابل آن ها به شیوه ای خاص پاسخ می دهد.» (احمدی، علی اصغر، ص ۷۸، ۱۳۸۱)

به طور کلی شاکله دارای معانی زیر است:

۱. نیت ۲. خلق و خوب ۳. حاجت و نیاز ۴. مذهب و طریق ۵. هیئت و ساخت

این موارد به عنوان زیر بنای رفتارهای انسان محسوب می گردند:

۱. نیت:

نیت به معنای قصد و عزم قلب است از دیدگاه اسلامی بین نیت و عمل تفاوت وجود دارد نیت امری درونی است و عمل، ثمره و حاصل نیت است امام علی (ع) می فرماید: «نیت زیربنای عمل است و اعمال ثمره نیت هستند» (طباطبایی، محمد حسین، ص ۹۰، ۱۴۱۷)

و امام صادق (ع) می فرماید: «همانا نیت همان عمل است» که این مورد اشاره به اصالت نیت در مقابل عمل دارد و منشا و مبدا عمل نیت است. تصحیح نیت از سخت ترین اعمال است و آن تابعی است از حالتی که نفس به آن حالت متصف است و از طریق ریاضت های سخت، تفکران عمیق و مجاهدت های شدید به دست می آید. (احمدی، علی اصغر، ص ۸۴، ۱۳۸۱)

۲. خلق و خوی:

مجموعه صفات انسان است که در ارتباطات او با اشیاء و افراد بروز می کند و حکمای اسلامی آن را محصول مزاج، ترکیب بدنی، مسائل محیطی، تجربیات فرد و البته اختیار می دانند. این مجموعه نیز دست به دست هم داده هیئت و حالات نفسانی انسان را می سازد. (احمدی، علی اصغر، ص ۸۴، ۱۳۸۱)

۳. حاجت و نیاز:

یکی دیگر از معانی شاکله، حاجت و نیاز است. نیازها از زیربناهای رفتاری انسان هستند. نیازها دو دسته اند: نیازهای فیزیولوژیکی مثل گرسنگی، تشنگی و میل جنسی که نحوه ارضا و برخورد آن با آن ها آموختنی و بستگی به نوع شخصیت و شاکله فرد دارد. (طباطبایی، محمد حسین، ص ۹۰، ۱۴۱۷)

دوم نیازهای روانی مثل نیاز به تعلق داشتن، نیاز به امنیت از جمله نیازهایی هستند که در نوع بشر دیده می شوند. میزان بروز هر یک از این نیازها و نحوه ارضا و طرز تلقی آن ها از فردی به فرد دیگر و به تناسب ساخت روانی آن ها فرق دارد. (احمدی، علی اصغر، ص ۸۴، ۱۳۸۱)

۴. مذهب و طریق:

مذهب، روش و برنامه ای است که فرد در زندگی خود پیشه کرده و جهان، آینده و گذشته را بر اساس آن تفسیر می کند. دین بر اساس هیئت و ساخت اولیه روانی انسان (فطرت)

شکل گرفته و موجب پیدایش ساخت و هیئت روانی خاصی می شود که انسان را وادار به

اعمال خاصی می کند. (احمدی، علی اصغر، ص ۸۴، ۱۳۸۱)

۵. هیئت و ساخت:

اصلی ترین معنای شاکله هیئت و ساخت روانی است. هیئت روانی انسان مجموعه واحدی

است که نیت از آن بر می خیزند. خلق و خوی حاصل آن است، مذهب بر اساس آن

پذیرفته شده و خرد موجب شکل گیری آن می شود و بالاخره نیازها در بروز و ظهور خود

متاثر از آن هستند. (احمدی، علی اصغر، ص ۸۴، ۱۳۸۱)

۴-۲ مراحل رشد شخصیت از منظر قرآن

برای تعیین مراحل رشد شخصیت دو ملاک بنیادی را باید مد نظر قرار دهیم: عقل و نفس

(یا هوای نفس) که این ها دو محرک اصلی و اساسی افعال انسان به شمار می آیند.

مجموعه گرایش های انسان نسبت به محرک های خوشایند و دافعه های او نسبت به

محرک های ناخوشایند که ماهیتاً بر فرآیندهای ناخودآگاه متکی هستند را نفس می گویند. (

احمدی، علی اصغر، ص ۱۱۵، ۱۳۸۱)

عقل نیز عبارتست از توانایی انسان بر تشخیص و استدلال، اصل لذت طلبی و گریز از الم،

اصل بسیار مهم و بنیادی موجودات است، از این رو انسان بدون تجزیه و تحلیل عقلی و

استدلالی و فارغ از خود آگاهی می تواند به طرف محرک های خوشایند جذب و از طرف

محرک های ناخوشایند دفع شوند. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۷۸، ۱۳۸۷)

عقل در ورای این اصل می تواند نسبت به محرک های مختلف آگاهی یافته و آن ها را تجزیه و تحلیل و در مورد آن ها قضاوت کند. به این ترتیب بین رشد عقلانی و گسترش تمایلات نفسانی نسبتی معکوس وجود دارد، یعنی هر قدر خود آگاهی و قضاوت عقلانی گسترش یابد دامنه اصل فوق محدود می شود. مراحل رشد شخصیت بر اساس تعبیر قرآنی چنین است :

۱. نفس اماره ۲. نفس لوامه ۳. نفس مطمئنه

هر یک از این نفوس، تعبیری از شاکله و شخصیت انسان در مرحله ای خاص هستند، به این معنا که کسی که صاحب نفس اماره است، دارای شاکله و شخصیتی است که در آن هوای نفس حاکم بوده و محرک اعمال و رفتار فرد در این مرحله محرک های نفسانی به شمار می آید. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۷۸، ۱۳۸۷)

کسی که در مرحله نفس لوامه است هر چند که محرک بسیاری از رفتارهای او نفس است ولی عقل در اینجا نقش خاصی یافته و با آگاهی و استدلال و قضاوت برخی از اعمال این نوع شخصیت را زیر سؤال می برد و او را مورد سرزنش قرار می دهد. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۷۹، ۱۳۸۷)

شخصیت انسان در مرحله نفس مطمئنه تحت سیطره کامل عقل در آمده و عقل است که مسیر اعمال و رفتار انسان را تعیین می کند. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۷۹، ۱۳۸۷)

ساختمان وجودی انسان فطرتاً هم استعداد انجام کارهای زشت، پیروی از هوای نفس و شهوات جسمانی، غرق شدن در لذت‌های ملموس و تمایلات دنیوی را دارد و هم آمادگی ارتقاء به اوج فضیلت تقوا، اخلاقیات عالی انسانی و عمل صالح و پیامدهای آن یعنی رسیدن به آرامش روانی و خوشبختی معنوی، به همین دلیل طبیعی است که فطرت انسان بالقوه متضمن تضاد بین خیر و شر، فضیلت و رذیلت و اطاعت و معصیت خداست و آزمایش واقعی انسان در این دنیا نیز همین سمت و سوی گرایش اراده و موضوع انتخاب او است. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۷۹، ۱۳۸۷)

در سوره فرقان آیه ۴۳-۴۴ آمده است :

«أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا»

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا»

«آیا دیدی کسی را که هوی نفس را معبود خویش ساخت آیا (می‌توانی) ضامن او باشی یا

گمان داری بیش‌ترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند آنان جز مانند ستوران نیستند بلکه

گمراه‌ترند»

و در سوره یوسف آیه ۵۳:

«وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»

«من هرگز نفس خویش را تبرئه نمی‌کنم که نفس بسیار به بدی‌ها امر می‌کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند، پروردگارم غفور و رحیم است».

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «دشمن‌ترین دشمنانت همان نفس توست که در درونت قرار دارد هر کس آن را ادب یا سرکوب کند از ظلمش در امان خواهد بود».(خویی، ابوالقاسم، ص ۴۱۰، ۱۴۱۰هـ.ق)

همچنین در سوره فجر آیه ۲۷-۳۰ آمده است:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ»

«ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»

«فَادْخُلِي فِي عِبَادِي»

«وَاَدْخُلِي جَنَّتِي»

«(آن هنگام به اهل ایمان خطاب رسد) ای نفس قدسی، مطمئن و دل آرام، امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از توست. باز آی در صف بندگان خاص من در آی و در آن بهشت من داخل شو».(خویی، ابوالقاسم، ص ۴۱۰، ۱۴۱۰هـ.ق)

این مفاهیم سه گانه نفس (اماره، لواحه و مطمئنه) را می‌توان حالاتی تصور کرد که شخصیت انسان در سطوح مختلف رشد به آن متصف می‌شود و شخصیت انسان در جریان تضاد درونی میان جنبه‌های مادی و معنوی ماهیت ساختاری خویش آن‌ها را پشت سر می‌گذارد.

زمانی که شخصی انسان در پایین ترین سطح قرار دارد به طوری که هوی و هوس و شهوات بر او مسلط اند در واقع تحت تأثیر و حاکمیت نفس اماره است و هنگامی که در بالاترین درجه رشد و کمال بشری می‌رسد تا آنجا که تعادل کامل بین خواسته های جسمی و روانی او برقرار می‌شود و آنگاه به مرحله ای رسیده که صفت نفس مطمئنه بر آن تطبیق می‌کند.

حد وسط این دو مرحله، مرحله ای است که انسان نفس خود را به محاسبه می‌کشاند و البته انسان گاهی به علت ضعف دچار اشتباه گردیده و در این حالت به شخصیت انسان نفس لواحه اطلاق می‌شود. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۸۰، ۱۳۸۷)

این مفاهیم با عناصر شخصیت در دیدگاه روان کاوی مشابهت‌های فراوانی دارند و ایجاد هماهنگی بین آن سه ساختار شخصیت (نهاد، من و فرامن) و ایجاد تعادل بین آنها به سلامت نفس و روان خواهد انجامید که همواره بین خواسته های جسمانی و روانی در دیدگاه اسلام، تعارض وجود دارد و در نتیجه این برخورد بین بعد مادی و معنوی حالات سه گانه نفس به وجود می‌آید، نظریه تعارض در روانکاوی مشابه این برخورد حالات سه گانه نفس است. (جعفری، محمد تقی، ص ۱۸۰، ۱۳۸۷)

۴-۳ انواع تیپ‌های شخصیتی در قرآن

روانشناسان کوشش نموده اند وجود تفاوت و تشابه شخصیت‌های مردم را بررسی کنند و به علاوه هر روان شناسی سعی نموده از جهت و جنبه های ویژه ای انواع شخصیت را بررسی کند برخی بر اساس خصوصیات جسمی و برخی بر اساس خصوصیات روانی امدار قرآن

مردم بر اساس عقیده و اعتقادشان به سه نوع تقسیم شده اند (احمدی، علی اصغر، ص ۱۴۱، ۱۳۷۴):

۱. مؤمنان ۲. کافران ۳. منافقان

هر یک از این انواع سه گانه خصوصیات اصلی و عمومی ویژه خود را دارند که شخصیت هر کدام را از دو نوع دیگر مجزا می کند، این تقسیم بندی نشان دهنده اهمیت عقیده در ساختار شخصیت انسان و تشخیص خصوصیات متمایز کننده هر کدام است و هم رفتار انسان را به شکلی خاص و مشخص که موجب تمایز او از دیگران شود جهت می دهد.

به علاوه این تقسیم بندی نشان می دهد عامل اصلی ارزشیابی شخصیت از نظر قرآن عقیده و اعتقاد است.. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۴۱، ۱۳۷۴)

۴-۳-۱ مؤمنان :

با بررسی صفات مؤمنان در قرآن می توان آن ها را به ۹ زمینه اصلی و عمومی در زمینه های رفتاری تقسیم کنیم :

۱. صفات عقیدتی : ایمان به خدا، پیامبران، کتب آسمانی، روز قیامت و بهشت و

دوزخ. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۲، ۱۳۷۴)

۲. صفات عبادی : عبادت خدا، انجام فرائض مثل روزه، نماز، زکات، تقوا، جهاد در راه

خدا، طلب بخشش از خدا و توکل بر او. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۲، ۱۳۷۴)

۳. صفات مربوط به روابط اجتماعی : رفتار خوب با مردم، احسان، تعاون و همکاری، اتحاد و همبستگی، امر به معروف و نهی از منکر، عفو و ایثار. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۲،

(۱۳۷۴)

۴. صفات مربوط به روابط خانوادگی : نیکی به والدین و خویشاوندان، حسن معاشرت با همسر، سرپرستی خانواده و پرداخت نفقه به آن‌ها. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۲، ۱۳۷۴)

۵. صفات اخلاقی : صبر، بردباری، صداقت، عدالت، امانت‌داری و وفای به عهد خدا و مردم، پاک‌دامنی، فروتنی، سخت‌کوشی در گرفتن حق در راه خدا، عزت نفس، قدرت اراده و حاکمیت بر هوی و شهوات نفس. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۲، ۱۳۷۴)

۶. صفات انفعالی و عاطفی : خدا دوستی، ترس از عذاب خدا، مردم‌داری و مردم دوستی، خیرخواهی به آنان، فرو بردن خشم و کنترل انفعالی غضب، تجاوز نکردن به حق دیگران، عدم حسادت به دیگران، تواضع و مهربانی و احساس پشیمانی در صورت ارتکاب گناه. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۳، ۱۳۷۴)

۷. صفات عقلانی و شناختی : تفکر در هستی و آفرینش خدا، طلب دانش و شناخت، عدم پیروی از گمان، جستجوی حقیقت و آزادی فکر و عقیده. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۳، ۱۳۷۴)

۸. صفات مربوط به زندگی عملی و شغلی: اخلاص در عمل و خوب کار کردن و تلاش فعالانه در کسب روزی. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۳، ۱۳۷۴)

۹. صفات بدنی : نیرومندی، سلامت، پاکیزگی و طهارت. احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۳،

(۱۳۷۴)

خصوصیات عقیدتی نقش اساسی و تعیین کننده ای در جهت دادن به رفتار انسان در کلیه زمینه های زندگی ایفا می کنند، به طوری که ایمان به توحید و روز رستاخیز از خصوصیات اصلی حاکم بر شخصیت انسان می شود و در کلیه خصوصیات دیگر شخصیتی مؤثر هستند. همچنین همه مؤمنان در یک سطح نیستند در قرآن سه درجه برای مؤمنان ذکر شده است : مؤمنانی که به خود ظلم می کنند، میانه روها و پیشتاازان خیر که در سوره فاطر آیه ۳۲ آمده است : «سپس این کتاب آسمانی را به گروهی از بندگان برگزیده خود به میراث دادیم از میان آن ها عده ای بر خود ستم کردند، عده ای میانه رو بودند و عده ای هم به اذن خدا در نیکی ها از همه (پیشی) گرفتند و این فضیلتی بزرگ است». (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۳،

(۱۳۷۴)

۴-۳-۲ کافران :

برخی از صفات ویژه و اصلی آنان که در قرآن آمده است :

۱. صفات عقیدتی : عدم ایمان به یگانگی خدا، پیامبران، روز رستاخیز و حساب. (احمدی،

علی اصغر، ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۲. صفات عبادی : عدم عبادت خدا و توسل به غیر او. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۳. صفات مربوط به روابط خانوادگی و اجتماعی : ظلم، رفتارهای متجاوزانه، تمسخر

دیگران، تجاوز به حقوق دیگران و قطع ارتباط با دوستان و خویشاوندان. (احمدی، علی

اصغر، ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۴. صفات اخلاقی : پیمان شکنی، فسخ، فجور، پیروی از هوی نفس و شهوات و غرور و

تکبر. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۵. صفات انفعالی و عاطفی : نفرت، کینه و حسادت نسبت به مؤمنان. (احمدی، علی اصغر،

ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۶. صفات عقلانی و شناختی : جمود فکری و ناتوانی در ادراک و تعقل، تقلید کورکورانه از

عقاید و سنت‌های پدران و فریب دادن خود. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۴، ۱۳۷۴)

۴-۸-۳ منافقان :

منافقان با شخصیتی متزلزل نمی‌توانند موضع آشکاری در برابر ایمان اتخاذ کنند. قرآن

خصوصیات مشخص کننده آنها را یاد آور شده و آنها را به شدیدترین عذاب تهدید

کرده است.

در سوره نساء آیه ۱۴۵ :

« إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا »

«منافقان در پایین‌ترین مرحله دوزخ قرار دارند و هرگز یاوری برای آن‌ها نخواهی یافت».

برخی از صفات ویژه و اصلی آنان عبارتند از :

۱. صفات عقیدتی : عدم اتخاذ موضعی مشخص در برابر توحید، اظهار ایمان در میان

مسلمانان و اظهار شرک در میان مشرکان. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۵، ۱۳۷۴)

۲. صفات عبادی : عبادت از روی ریا که بدون اعتقاد انجام می‌دهند و با بی حالی و تبلی به

نماز می‌ایستند. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۵، ۱۳۷۴)

۳. صفات مربوط به روابط اجتماعی : برپایی فتنه از طریق پخش شایعات بین مسلمانان،

تمایل به فریب دیگران دارند، برای تحت تأثیر قرار دادن دیگران، خوب حرف می‌زنند،

برای متقاعد کردن دیگران بسیار سوگند می‌خورند، از نظر ظاهر و قیافه و لباس در میان

مردم بسیار آراسته اند تا جلب توجه کنند و آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. (احمدی، علی

اصغر، ص ۱۵۵، ۱۳۷۴)

۴. صفات اخلاقی : عدم اعتماد به نفس، پیمان شکنی، ریا، ترس، دروغ، بخل، سودجویی و

فرصت طلبی. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۵، ۱۳۷۴)

۵. صفات انفعالی و عاطفی : ترس و هراس از مرگ، نفرت از مسلمانان و کینه ورزی به

آنان. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۶، ۱۳۷۴)

۶. صفات عقلانی و شناختی: تردید، شک و عدم توانایی در قضاوت و تصمیم گیری و تفکر

درست، به همین دلیل قران منافقان را به عنوان کسانی که بر دل‌هایشان مهر نهاده شده است

توصیف می کنند که منافقان با توجیه کارهایشان می کوشند از خود دفاع کنند. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۶، ۱۳۷۴)

اصولاً خصوصیت اصلی شخصیت منافق همان تردید در انتخاب ایمان، کفر و ناتوانی در اتخاذ موضعی روشن و صریح در برابر توحید، مؤمنان و کافران است.

همچنین سودجو و فرصت طلب است گاهی با مسلمانان و گاهی با کافران خود را هماهنگ می کنند. همواره در فریب دادن مردم می کوشد از طریق سخنان شیوا و آراستگی ظاهری، آن ها را تحت تأثیر قرار دهند، در ژرفای نفس خود احساس ناتوانی می کنند. از این رو سعی دارند با توجیه کارهایشان از خود دفاع کند. (احمدی، علی اصغر، ص ۱۵۷، ۱۳۷۴)

۴-۴ بررسی شخصیت های مستعد وقوع جرم از منظر اسلام

با تتبع در منابع اسلامی مشخص می شود که شارع حکیم افرادی را معرفی می کند که با داشتن شخصیت های خاصی مستعد ارتکاب جرایم هستند؛ به عبارت دیگر افراد با داشتن شخصیت ها و خصلت های نابهنجار، قابلیت ارتکاب جرایم مالی، جنسی و... را دارند. در ادامه سعی می شود اهم شخصیت های مذکور را مورد بررسی قرار دهیم:

۴-۴-۱ نفس اماره

« وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ »
(سوره یوسف، آیه ۵۳).

ترجمه: «همانا نفس به کارهای بد امر می کند، مگر آن که پروردگارم رحم کند»

علت و منشا تمام بدبختی هایی که در ادوار حیات، گریبان گیر بشر بوده، طغیان نفس و آلوده بودن به رذایل است؛ در صورتی که نفس اصلاح نشود و از آلودگی ها در امان نماند نباید، از صاحب اش توقع خیر داشت و اگر چیزی هم از او سر بزند به خاطر رذایل نفسانی، به قول قرآن آن خیر دچار خبط و پایمال شدن است (طباطبایی، محمد حسین، ص ۱۷۸، ۱۳۹۴).

بنابراین می توان گفت: نفس اماره می تواند منشا تمام جرایم از جمله: مالی، جنسی، امنیتی و.. غیره باشد

۴-۴-۲ خشم

یکی دیگر از خصلت های انسانها که موجب ارتکاب جرم می شود خشم است که امام صادق (ع) می فرمایند: «الْعَضْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ» (موسوی خمینی، ص ۱۳۴-۱۳۳، ۱۳۷۱).

ترجمه: «امام صادق (ع) می فرمایند: خشم، کلید همه شرهاست»

لذا باید گفت چه بسا اکثر جرایم علیه اشخاص به خاطر خشم کنترل نشده است.

۴-۴-۳ هوا و هوس

هوا و هوس همواره یکی از دلایل ارتکاب جرایم جنسی بوده است امام علی (ع) می فرماید:

«مَنْ لَمْ يَتَعَاهَدِ النَّقْصَ مِنْ نَفْسِهِ غَلَبَ عَلَيْهِ الْهَوَىٰ وَ مَنْ كَانَ فِي نَقْصٍ فَلَمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ»

ترجمه: هر که به نقص خود رسیدگی نکند، هوا و هوس بر او چیره گردد و هر که نقص داشته باشد، مرگ برایش بهتر است. (امالی، صدوق، ص ۳۹۳، ۱۴۱۷)

«بَلْ يَرِيدُ الْإِنْسَانَ لِيَفْجَرَهُ أَمَامَهُ» (سوره قیامت، آیه ۵)

ترجمه: «بلکه انسان می خواهد که در طول حیاتش در گناه و هوس نفس آزاد باشد»
از نظر قرآن، انسان به دلیل هوا و هوس های خود، قیامت را انکار می کند تا بدین وسیله، بیشتر بتواند به فسق و فجور و جرم و جنایت ادامه دهد. (طباطبایی، محمد حسین، ص ۱۷۸، ۱۳۹۴).

۴-۴-۴ حرص و آز

از خصوصیت های دیگری که سبب وقوع جرم می شود حرص و آز است، که خداوند می فرماید:

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۖ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۚ أَلَا الْمُصَلِّينَ ۚ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۚ» (سوره معارج، آیات ۲۳-۱۹)

ترجمه: همانا انسان، سخت حریص آفریده شده است؛ چون شر و زیانی به او برسد، سخت جزع می کند و چون خیری به او برسد، منع احسان می کند. مگر نمازگزاران حقیقی، آنان که بر نماز خود مداومت دارند»

قرآن، انسان را ذاتا موجودی حریص می داند. این حرص شدید، به خودی خود، صفت نکوهیده ای نیست و اگر در جهت مثبت مورد بهره برداری قرار بگیرد، می تواند انسان را به

کمال وجودی خود برساند. این خصلت، هنگامی بد می شود که انسان، آن را منحرف کند؛ یعنی اگر در زمینه هواهای نفسانی به کار رود، صفت نکوهیده ای است و اگر در زمینه عدالت خواهی و خیرخواهی به کار گرفته شود، صفت پسندیده و خوبی است. (طباطبایی، محمد حسین، ص ۱۷۹، ۱۳۹۴).

به نظر می رسد انسانهایی که حریص تر می باشند احتمال ارتکاب جرایم مالی در آنها بیشتر است.

۴-۴-۵ حب مال

یکی دیگر از خصلت های انسان ها حب مال است که افراد در جهت مال اندوزی احتمال ارتکاب جرم وجود دارد.

«وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (سوره عادیات، آیه ۸).

ترجمه: «و همانا او علاقه شدید به مال دارد»

«وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا» (سوره فجر، آیه ۲۰).

ترجمه: «و مال را دوست می دارید، دوست داشتنی زیاد»

قرآن از مال تعبیر به خیر می کند، زیرا فی نفسه مال و ثروت را شر نمی داند، بلکه آن را به عنوان وسیله ای معقول می پذیرد. یعنی انسان می تواند وسایل آسایش و راحتی خود را با استفاده از مال فراهم آورد. مال و ثروت هنگامی شر تلقی گردد که انسان، آن را هدف حیات خود بداند و وسیله بودن آن را فراموش کند و دلبستگی شدید به آن نداشته باشد و از

آن جا که قرآن، دلبستگی به غیر از خود را نفی می کند، ناگزیر حب مال را نیز نفی می کند. (طباطبایی، محمد حسین، ص ۱۷۹، ۱۳۹۴).

۴-۴-۶ طغیان گری

از ویژگی ها و خصوصیت های مهمی که ریشه ی برخی جرایم می باشد طغیان گری است. در قرآن در این باره آمده است:

«كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿١﴾ أَنرَأَيْتَ إِذَا نَظَرَ ﴿٢﴾» (سوره علق، آیات ۷-۶)

ترجمه: «زنهار، همین که انسان خود را بی نیاز ببیند، سرکشی می کند».

از نظر قرآن، اگر انسان احساس بی نیازی و توانگری کند، به سرکشی و طغیان گری خواهد پرداخت، یعنی اگر انسان به مقامی برسد یا جاه و جلالی را به دست آورد یا به مال و ثروتی دست یابد، به طغیانگری روی می آورد.

انسان موجودی است که هیچ گاه نمی تواند از خدای خود، بی نیاز باشد؛ اما گاه انسان گمان می کند غنی است و همین پندار باطل، او را به سرکشی و می دارد. (طباطبایی، محمد حسین، ص ۱۸۰، ۱۳۹۴).

شاید بتوان گفت یکی از عوامل جرایمی همچون ارتداد، توهین به مقدسات طغیان گری باشد، که بدون رجوع به کلام خداوند و صرفاً با توجه به اطلاعات خود و استدلال های

شخصی خویش به انکار خداوند و مقدسات اسلام می پردازد در حالی که برای شناخت خدا و رسولان و مقدسات اسلام انساند نباید خود را بی نیاز از فرامین و اقوال الهی بداند.

بنابراین آنچه در این فصل بیان شده این نتیجه حاصل می شود که از منظر فقها اسلام برخی انسان ها بخاطر داشتن خصوصیت ها و ویژگی های خاص مستعد ارتکاب گناه و جرم هستند.

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادها

۵-۱ نتیجه گیری

در این ارتباط فرض کلی تحقیق تحت عنوان ارتباط بین شخصیت و جرم از منظر فقهی حقوقی و روان شناسی نشان می دهد که تا حدودی با شناسایی ابعاد شخصیت به خصوص شخصیت فرد بزهکار با جرمی که انجام داده ارتباط دارد. برای حل این معضل مهم ضروری است که برخوردهای اصولی و ریشه ای به منظور کشف و شناخت شخصیت افراد مجرم به عمل آید تا از این رهگذر بتوان راه حل هایی برای پیشگیری از جرم و درمان و نوسازی مجرمین به دست آورد.

مطالعه روابط بین شخصیت و رفتار بزهکارانه نشان می دهد که از میان ویژگی های شخصیتی که در مدل های پنج عاملی شخصیت مطرح شده است ویژگی های برون گرایی، هیجان پذیری، و روان آزردگی ها با بزهکاری رابطه دارند و می توانند رفتارهای بزهکارانه را به طور مستقیم پیش بینی کنند. همچنین نتایج نشان می دهد برخی از پژوهش ها نیز نشان داده اند که سه بعد شخصیتی مطرح در نظریه شخصیت آیزنک شامل روان گسستگی گرایی، روان آزردگی گرایی، و برون گرایی می توانند به خوبی بزهکاری را پیش بینی کنند

نکته قابل توجه در زمینه ارتباط بین صفات شخصیتی عمده و بزهکار این است که یک انسان صفات و گرایش های مختلفی دارد و لزوماً یک صفت واحد و منجر به فرد نمی توان

پیش بینی کننده بروز رفتار بزهکارانه در خود باشد بلکه آنچه سهم است نحوه ترکیب و تعامل بین این صفات در فرد است.

از منظر فقه از اصطلاحی را که می توان معادل شخصیت در افراد باشد کلمه شاکله است. که با جستجو و بررسی در منابع معتبر فقهی و اسلامی مشخص می شود شارع افرادی را که دارای شخصیت نامتناسب و نابهنجار هستند را مستعد ارتکاب جرایم می دانند و معتقدند که شخصیت انسانها بر روی جرمی که مرتکب می شوند تاثیر گذار است و با بررسی های شده در این تحقیق عوامل مختلفی بر روی شخصیت انسانها تاثیر گذار است. و اینکه وقتی قوانین برای جلوگیری از جرم پابرجا خواهد بود که به مرحله اجرا برسند و دستوراتی که خداوند متعال معین فرموده تغییر ایجاد نشود. پس مطلع کردن مردم به قوانین فطری و سنت الهی راه حل ساده برای بازداشتن آنها از عملیات مجرمانه است. زیرا جهل و غفلت بلای عظیمی برای همگان است. همچنین فقه ریشه تاثیر شخصیت ب بزهکاری را عواملی چون: نفس اماره و ریشه های درونی و شخصیتی و فردی می داند. زیرا این امور بر جهات مختلف زندگی بشر اعم از فرهنگی، خانوادگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تاثیر گذار است.

در نتیجه مجرمان در تیپ های مختلف شخصیتی جای می گیرند و چنانچه شرایط اجتماعی و محیطی برای آنان فراهم شود. مبادرت به جرم و جنایت می کنند. که برخی ویژگی های شخصیتی استعداد بالقوه فوق العاده ای را برای ارتکاب جرم در خود نهفته دارند که به محض ایجاد شرایط مناسب به فعل تبدیل می کنند همچنین اکثر روان شناسان و حقوقدانان

حتی فقها در امور مربوط به تاثیر شخصیت شالکه بر جرم با قاطعیت بر شخصیت واحدی از مجرمان خطرناک اظهارنظر می کنند به طوری که در نهایت تمام عوامل ژنتیکی، روانی و اجتماعی به طور عام را در شکل گیری شخصیت مجرمانه افراد موثر است پس در آخر با توجه به بررسی نظرات و روند شکل گیری جرایم و مطالعات انجام شده در ارتباط بین شخصیت با جرم، شخصیت افراد بر روی جرمی که مرتکب می شوند تاثیر بسزایی دارد.

۲-۵ پیشنهادها

- ۱- تغییر و اصلاح نگاه به مبانی پیدایش جرم و شناخت حقیقی از شخصیت فرد بزهکار
- ۲- در هر فرایند دادرسی و روند اصلاح و درمان بزهکار باید در دستگاه های قضایی دارای واحد های مدیریت هستند باشد.
- ۳- لزوم استفاده بیشتر از مشاوران مذهبی در روند فرآیند دادرسی های کیفری و جزایی و تبعیت از قانون و شرع مقدس اسلام.
- ۴- لزوم تشکیل پرونده شخصیت در کنار پرونده های جزایی هر فرد بزهکار در جهت شناخت بهتر متهم به خصوص برای قضات در ارتباط با صدور رای.
- ۵- لزوم گذراندن دوره های روان شناسی قضایی برای کلیه قضات به منظور شناسایی درست بزهکار در جهت برخورداری صحیح، در راستای اصلاح و درمان مجرم.
- ۶- از نظر روان شناسان جنایی به علت ارتباطی که بین شخصیت و جرم است در تمام مراحل دادرسی به لزوم تشکیل پرونده شخصیت دارد و نه اینکه فقط در مرحله اجرای مجازات یعنی مرحله آخر پرونده تشکیل شود.
- ۷- بررسی و مطالعات بیشتر برای پیدایش راهکار و روش های اصلاح و درمان مجرمانی که دارای اختلال شخصیت است تا در جهت بازسازی شخصیتی اینگونه افراد پیدا شد.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۱، جلد دوم، ۱۳۸۶
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ ۱۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷
۵. راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین، تفسیر جامع الموارد فی القرآن الکریم، قم، انتشارات دفتر نشر کتاب، چاپ ۱۴۰۴ هـ ق
۶. خویی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، النجف الاشرف، مکتبه الادب، ج ۲، بی تا، ۱۴۱۲
۷. جعفری، محمد تقی، شناخت انسان در تصعید حیات تکاملی، چاپ ۲، جلد ۲، انتشارات موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۷
۸. سریرافراز محمد و مکیان سمیه سادات و فهیمی فر فاطمه، مقاله پیشگیری از وقوع جرم وجنایت : بستر ساز برقراری جامعه ایمن، مجله علمی و پژوهشی، شماره ۷۵، صفحات ۳-۴، ۱۳۸۹
۹. عابدینی زین العابدین، مقاله ویژگی های شخصیتی مجرمین خطرناک، نشریه کارآگاه، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۳، صفحات ۲۱-۲۴، ۱۳۸۷
۱۰. محمدی فرود حمید و میرهاشمی مالک، مقاله رابطه ی اختلال های شخصیت با نوع جرم در زندانیان، نشریه اندیشه و رفتار، شماره ۷، صفحات ۲۱-۲۴، بهار ۱۳۸۷
۱۱. رضوی عبدالحمید و نظیری قاسم و قنجر رحمان، مقاله بررسی هوش هیجانی مجرمان زندانی براساس نوع جرم و رابطه آن با سلامت روان، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۵۷-۵۸، صفحات ۵۹-۶۱، مهر و آبان ۱۳۹۰

۱۲. گروهی فرشی میر تقی و علیلو مجید محمود و اسمعلی کورانه احمد، مقاله مقایسه ویژگی های شخصیتی و سبک های مقابله ای مجرمین با افراد بهنجار، نشریه روانشناسی معاصر، شماره ۱، صفحات ۱-۴، بهار ۲۰۰۷
۱۳. باباخانی پور سعیده، بزهکاری و راه های برخورد با آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶
۱۴. آیسنک، اچ.ج (۱۹۷۷)، جرم و شخصیت، ترجمه پاشایی شریفی حسن، نجفی زند جعفر، تهران، چاپ اول، انتشارات رهنما، ۱۳۷۵
۱۵. عبدالهادی، بشری، بررسی فروانی اختلالات شخصیتی در زندان های تهران و کرج، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، ۱۳۸۲
۱۶. ستوده، هدایت الله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روان شناسی جنایی، انتشارات آوای نور، ۱۳۸۱
۱۷. گسن، ریموند (۱۹۸۸)، ترجمه مهدی کی نیا، مقدم هایی بر جرم شناسی، تهران، انتشارات مترجم، ۱۳۷۰
۱۸. برنت، ای تروی، ترسیم شخصیت جنایی جرم، ترجمه اکبر استرکی، انتشارات کارگاه، ۱۳۸۵
۱۹. توسلی، غلام عباس، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۶۹
۲۰. گسن، ریموند، ترجمه مهدی کی نیا، جرم شناسی نظری، تهران، انتشارات مجد، چاپ ۲، ۱۳۸۵
۲۱. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۸، جلد اول، ۱۳۸۵

۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی (کلیات)، دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق، نیم سال دوم تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، تنظیم حمید بهره مند، ص ۱۳۱۳
۲۳. _____، تقریرات درس جرم شناسی (کلیات)، دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق، نیم سال دوم تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱، تنظیم حمید بهره مند، ص ۱۴۳۸
۲۴. رابجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده در فرآیند کیفری، تهران، نشر خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۱
۲۵. نجفی توانا، علی، جرم شناسی، تهران، نشر خیام، چاپ اول، ۱۳۷۷
۲۶. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ ۸، جلد اول، ۱۳۸۴
۲۷. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ ۲، جلد اول، ۱۳۷۶
۲۸. صانعی، پرویز؛ حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۷۲
۲۹. محسنی، مرتضی؛ دوره حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، جلد دوم، ۱۳۷۵
۳۰. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، انتشارات ژوبین، تهران، چاپ نهم، جلد اول، ۱۳۷۳
۳۱. علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، جلد اول، ۱۳۵۳
۳۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، جلد اول، ۱۳۸۳
۳۳. دانش، تاج زمان، عقل بزهکار چیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۸۴
۳۴. جعفری، لنگرودی، ترمیلوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶
۳۵. کی نیا، مهدی، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات رشد، جلد اول، ۱۳۸۴

۳۶. _____، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات رشد، جلد دوم، ۱۳۸۶
۳۷. _____، مبانی جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، جلد ۲، ۱۳۸۵
۳۸. کسل،الین، برشتین، داگلاس، رفتار جنایی، ترجمه و انتشارات مرکز تحقیقات و پژوهش های ناجا، ۱۳۸۳
۳۹. کسن، موریس، اصول جرم شناسی، ترجمه روح اله صدیق، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۵
۴۰. ایبرا همسن، دیوید، روانشناسی کیفری، ترجمه پرویز صانعی، تهران، انتشارات گنج، ۱۳۷۱
۴۱. برنت، ای تروی، ترسیم شخصیت جنایی مجرم، ترجمه اکبر استرکی، تهران، انتشارات کار گاه، ۱۳۸۵
۴۲. پروین، لورنس ای و جان، اولیور پی، شخصیت، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدپور، تهران، انتشارات آییز، ۱۳۸۱
۴۳. سیگل، لاری جی، جرم شناسی، ترجمه یاشار سیف الهی، تهران، انتشارات کار گاه، ۱۳۸۵
۴۴. بکاریا، سزار، رساله جرائم و مجازاتها، ترجمه محمد علی ارد بیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، ۱۳۷۷
۴۵. نور بها، رضا، زمینه جرم شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۳،
۴۶. شاملو، سعید، مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، تهران، انتشارات رشد، چاپ چهارم، ۱۳۷۲
۴۷. احمدی، علی اصغر، روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۷۴
۴۸. حسینی، ابوالقاسم، روانشناسی بالینی، تهران، انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۵۹
۴۹. مظلومان، رضا، مقاله شخصیت و جرم، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۷، ۱۳۵۵،
۵۰. اکرامی، یاسمن، هوش هیجانی، تهران، نشریه موفقیت، شماره ۳۸، ۱۳۸۰

۵۱. ستوده، هدایت الله، میرزایی، بهشته، پازند، افسانه، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات آواری نور، ۱۳۸۱
۵۲. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ۱۴، جلد ۱، ۱۳۹۱
۵۳. گنجی، روانشناسی عمومی، تهران، نشر ساولان، چاپ ۴۲، ۱۳۸۶
۵۴. حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳

Abstract:

Crime is one of the issues that has been intertwined with the life of human societies because the survival of any society is dependent on the observance of the norms and principles defined in that society. In addition, people outside the society are not considered as an integrity because their survival and integrity are defined within the society. With the advancement of sciences, a number of scholars have considered the personality defects as the causes of such abnormalities and believed that such, individuals mainly commit the crimes. Therefore, they dealt with new issues in order to prevent the crime, address the personality of the criminals, treat and socialize them. Anti-social people who adversely and directly affect the society by violation of the social values, have long been examined in literature. This study investigates the process of mental development, the personality of individuals and relevant perspectives. It also describes personality confirmation of the criminal and its relationship with the crime and its effect on the social norms and order and discuss the views on the improving and controlling these people in order to adapt with the society as much as possible.

Keywords: Personality, Crime, Jurisprudential, Legal, Psychologist



Adib Institution of Higher Education

Minstry of science Research and Technology

**A Thesis Submitted in Partial Fulfiment of the
Requirement for the Degree of M.A in.....**

Title:

**Supe Relation between character and crime by
viewpoint of jurisprudence , law and psychology**

Supervior:

(Ph.D) Dr. ailakbar rahmatiyān

Advisor:

(Ph.D) Dr.habibollah chopani mersi

By:

Foroghsoleymanikharat

Shahrivar ۱۳۹۶